

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

قرآن و تعلیمات دینی (۲)

دیر. وزندگر

سال دوم متوسطه

این کتاب دارای نوار آموزشی قرائت آیات دروس است.
دانش آموزان عزیز می توانند با همکاری دبیر محترم نسبت به تهیه آن ها از
طریق نمایندگی انتشارات مدرسه در شهرستان خود، اقدام کنند.

۱۳۹۴

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

نام کتاب : قرآن و تعلیمات دینی (۲) دین و زندگی سال دوم متوسطه - ۲۲۲

شورای برنامه‌ریزی و تألیف : ناصر ابراهیمی، محمد مهدی اعتصامی، محمود الله وردی، عباس جوارشکیان، فضل‌الله خالقیان، حسین سوزنجی، سیدحمید طالب‌زاده، سیدمحسن میرباقری و

مسعود وکیل

مؤلف : محمد مهدی اعتصامی

ویرایش : واحد ویرایش دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن : ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ ، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶ ، کدپستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وب سایت : www.chap.sch.ir

مدیر امور فنی و چاپ : سید احمد حسینی

مدیر هنری و طراح گرافیک : مهدی کریم‌خانی

تصویرگر : ناهید کاظمی

صفحه‌آرا : خدیجه محمدی

حروفچین : کبری اجابتی

مصحح : زهرا رشیدی مقدم، شاداب ارشادی

امور آماده‌سازی خبر : زینت بهشتی شیرازی

امور فنی رایانه‌ای : حمید ثابت کلاچاهی، پیمان حبیب‌پور

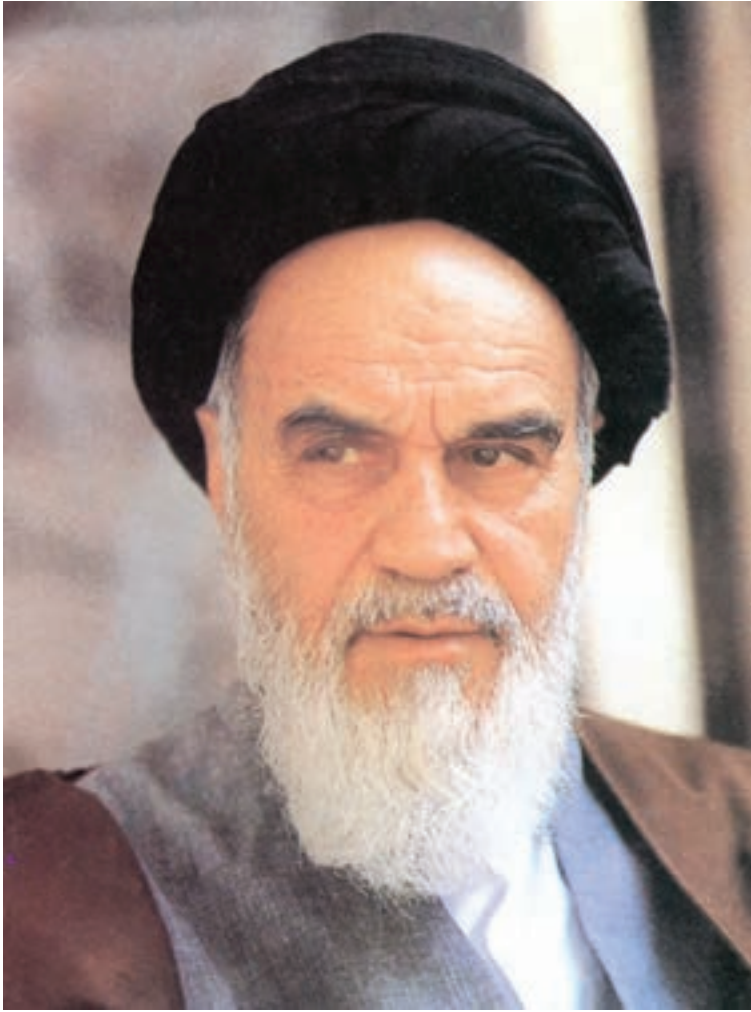
ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن : ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵ ، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰ ، صندوق پستی : ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ ششم ۱۳۹۴

حق چاپ محفوظ است.



زندگی در دنیای امروز، زندگی در مدرسه‌ی اراده است و سعادت و شقاوت
هر انسانی به اراده‌ی همان انسان رقم می‌خورد. اگر بخواهید عزیز و سربلند باشید، باید
از سرمایه‌های عمر و استعداد‌های جوانی استفاده کنید و با اراده و عزم راسخ به طرف
علم و عمل و کسب دانش حرکت نمایید.

(صحیفه‌ی نور، ج ۲۱، ص ۲۵)

فهرست

مقدمه

- | | |
|----|----------------------------------|
| ۱ | اندیشه و قلب |
| ۴ | درس اوّل : جلوه‌های حکمت و تدبیر |
| ۱۶ | درس دوم : با کاروان هستی |
| ۳۲ | درس سوم : سرمایه‌های انسان |
| ۴۲ | درس چهارم : خود حقیقی |
| ۴۸ | درس پنجم : پنجره‌ای به روشنایی |
| ۶۰ | درس ششم : آینده‌ی روشن |
| ۶۸ | درس هفتم : منزلگاه بعد |
| ۷۶ | درس هشتم : واقعه‌ی بزرگ |
| ۸۴ | درس نهم : فرجام کار |

مرحله اوّل

- | | |
|-----|------------------------|
| ۱۰۰ | پایداری در عزم |
| ۱۰۲ | درس دهم : اعتماد بر او |

مرحله دوم

در مسیر

- ۱۱۰
۱۱۲
۱۲۴
۱۳۴
۱۴۴
۱۶۰
۱۷۴
- درس یازدهم : دوستی با حق
درس دوازدهم : فضیلت آراستگی
درس سیزدهم : زیبایی عفاف
درس چهاردهم : نظارت همگانی
درس پانزدهم : کار و درآمد حلال
درس شانزدهم : یاری از نماز و روزه



پیش از مطالعه‌ی کتاب،
حتماً این قسمت را بخوانید.

دانش آموزان گرامی

دوستان عزیز، سلام بر شما

همت بلند شما را می‌ستاییم و بر عزم و پشتکارتان آفرین می‌گوییم. بار دیگر دفتر زندگی ورق خورد و صفحه‌ای جدید برای آفریدن نقشی زیباتر از گذشته گشوده شد. زیباترین زندگی از آن کسی است که زیباترین پاسخ را برای این سؤال یافته باشد که:

«چرا و به خاطر چه زندگی می‌کنم؟»

در سال گذشته با بهره‌مندی از راهنمایی‌های قرآن کریم و پیشوایان دین، با هدف زندگی و راه رسیدن به آن بیشتر آشنا شدیم و دانستیم که اندیشه‌ی درست، تصمیم‌گیری قاطع و برنامه‌ریزی صحیح، پشتوانه‌ی حرکت ما به سوی هدف و کسب موفقیت است.

کتاب «دین و زندگی» (۲)، در ادامه‌ی کتاب سال قبل، به شما کمک می‌کند تا آینده‌ی زندگی خود را بهتر بشناسید، برای موفقیت خود بهتر تصمیم بگیرید و برنامه‌ریزی کنید. از این رو، این کتاب به گونه‌ای نوشته شده است که در آموختن آن، حضور فعال و پویا داشته باشید؛ توان فکری خود را به کار گیرید، احساس خویش را بیان کنید، خلاقیت‌های ادبی و هنری خود را نشان دهید و بالاخره، مطابق موقعیت و سلیقه‌ی خویش، برنامه‌ریزی کنید.

اکنون، بار دیگر نکاتی را که در سال گذشته توضیح داده‌ایم، یادآوری می‌کنیم.

۱- قسمت‌هایی از کتاب با مشارکت شما تکمیل می‌شود؛ این قسمت‌ها عبارت‌اند از:

– معنا کردن برخی از آیات شریفه قرآن کریم؛ با این کار، احساس خواهید کرد که با اندکی تلاش می‌توان معنای آیات را فهمید و در آن‌ها تفکر و تدبیر کرد.

– در برخی از درس‌ها، عنوان‌های فرعی داخل درس را شما انتخاب می‌کنید.

– نتایج مورد نظر در برخی درس‌ها، با فعالیت فردی یا گروهی شما در کلاس به دست می‌آید.
– بخش «اندیشه و تحقیق» در پایان هر درس با تفکر، تحقیق و مطالعه‌ی شما به انجام خواهد

رسید.

۲– در پایانِ بیش‌تر درس‌ها، با عنوان «پیشنهاد»، فعالیت‌های تحقیقی، ادبی و هنری خواسته شده که با وجود اهمیت بسیاری که دارند، انجام دادن آن‌ها داوطلبانه است. با این حال، هر دانش‌آموزی که تعدادی از این پیشنهادها را انجام دهد، حداکثر تا دو نمره به نمره‌ی مستمر وی، هم در نوبت اول و هم در نوبت دوم، افزوده خواهد شد.

۳– خدای جمیل، خالق زیبایی‌ها؛ دین، هدایت‌کننده به سوی زیبایی‌ها؛ و هنر، وسیله‌ای برای بیان آن‌هاست. کتابی که می‌خواهد شما نوجوان عزیز را با زندگی دینی آشنا کند، نمی‌تواند «عاری از هنر» باشد. از این رو کوشش ما بر آن بوده است که با الهام از قرآن کریم، محتوای علمی کتاب را همراه با طراحی‌های ادبی و هنری عرضه کنیم. امیدواریم در آینده، این کتاب با پیشنهادهای شما زیباتر شود.

۴– آموزش این کتاب در فضایی فعال، پویا و با نشاط نیازمند حرمت نهادن به کلاس و صمیمیت متقابل شما و دبیر گرامی است؛ بنابراین:

– برنامه‌ی دبیر را برای هدایت کلاس کاملاً اجرا کنید.

– به اظهار نظرهای دوستان خود احترام بگذارید.

– نظرات دوستان خود را با تجزیه و تحلیل دقیق، ارزیابی کنید.

– بیش از اندازه تحت تأثیر چند نفری از دانش‌آموزان که احتمالاً بیش‌تر نظر می‌دهند، قرار

نگیرید. شما با وارد شدن در گفت و گوها نشان دهید که در فکر کردن توانایی‌د.

۵– سعی کنید در زمان پخش نوار آیات درس، هر عبارت را با دقت گوش کنید سپس همراه با نوار

به طور دسته جمعی بخوانید. این فعالیت بر توانایی شما در قرائت صحیح و زیبای قرآن می‌افزاید.

۶– برای تقویت توانایی شما در قرائت قرآن کریم، دبیر محترم می‌تواند بخشی از قرآن را برای

تمرین قرائت انتخاب کند. در این صورت، ارزش یابی مستمر و پایانی قرائت، علاوه بر آیات کتاب، از

این بخش نیز به عمل خواهد آمد.

۷– این درس عرصه‌ی حضور احساسات درونی و خلاقیت‌های فکری شماست؛ زیرا این

شما باید که شهادت اندیشیدن و ابتکار را دارید. ما نیز این نعمت الهی را ارج می‌نیمیم و معتقدیم که

میزان موفقیت شما در این درس، به میزان تفکر، اندیشه، ذوق و ابتکار شما بستگی دارد. کتاب نیز اگر

فرصتی برای اندیشیدن فراهم کند، موفق خواهد بود. در واقع، ما هرگز نخواسته‌ایم درس‌ها به گونه‌ای

باشند که مطالب کتاب را با چند بار خواندن و حفظ کردن به خاطر بسپارید تا در امتحان موفق شوید. پس شما هم به امتحانی ارزش دهید که امکان فهمیدن، فکر کردن، تحقیق و اظهار نظر را برایتان فراهم می‌سازد. با توجه به آنچه گفته شد، ارزش یابی این درس در دو بخش انجام می‌گیرد:

بخش اول: ارزش‌یابی مستمر؛ شامل:

- ۱- قرائت صحیح آیات شریفه؛ ۴ نمره
 - ۲- معناکردن عبارات و آیاتی که در کتاب ترجمه نشده است؛ ۳ نمره
 - ۳- انجام دادن فعالیت‌های داخل درس و پرسش از متن؛ ۵ نمره
 - ۴- مشارکت در گفت‌وگوها و کار گروهی؛ ۳ نمره
 - ۵- پاسخ به سؤال‌های بخش اندیشه و تحقیق؛ ۳ نمره
 - ۶- داشتن دفتر کار خوب و منظم؛ ۲ نمره
- توجه: انجام پیشنهادها، نگارش مقالات تحقیقی و ارائه‌ی ابتکارهای ادبی و هنری تا دو نمره به معدل نمره‌ی مستمر اضافه می‌کند.

بخش دوم: ارزش‌یابی پایانی؛

این ارزش‌یابی در پایان هر نیم سال و در دو بخش انجام می‌گیرد: ۱- قرائت آیات ۲- آزمون کتبی. در آزمون کتبی دبیر محترم، سؤال‌هایی را براساس آنچه آموخته‌اید طرح می‌کند. این‌گونه سؤال‌ها بیش‌تر نیازمند تفکر و تجزیه و تحلیل‌اند و قدرت تعقل و استنباط شما را ارزیابی می‌کند؛ بنابراین شایسته است کتاب را به نحوی مطالعه کنید که پاسخ‌گوی این‌گونه سؤال‌ها باشید.

۷- سخن آخر این که شما در این کتاب قدم‌های دیگری را در مسیر زندگی بر می‌دارید. اگر این کتاب را روزه‌ای به روشنایی حقیقت یافتید، آن را نگه دارید تا در آینده، در کنار کتاب‌های سال‌های بعد، مجموعه‌ای از شیوه‌ی زندگی اسلامی را در اختیار داشته باشید. خصوصاً که در بخش‌هایی از کتاب، ردّپایی از فکر بدیع خودتان به جا مانده است. باشد که فردا نسبت به کار امروز خود، احساس سربلندی کنید.

توجه: ۱- قسمت‌های «بیش‌تر بدانیم»، «پیشنهاد»، «یادآوری» و «پاورقی»ها فقط برای توسعه‌ی اطلاعات و کسب نمره‌ی تشویقی است و در امتحانات پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها

نباید از این قسمت‌ها سؤال طرح شود.

۲- فعالیت‌هایی که با علامت (🌀) مشخص شده‌اند، فعالیت‌های واگرا هستند و فقط برای ارزش‌یابی مستمر است و در امتحانات پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید از آن‌ها سؤال طرح شود.

۳- آییه‌هایی که معنای آن‌ها در مقابل‌شان نوشته شده، این ترجمه‌ها برای یادگیری معنا نیست و در ارزش‌یابی مستمر و پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید این ترجمه مورد سؤال قرار گیرد.

خداوند یار و نگهدار تان باد





اندیشه و قلب

جهان را چگونه می بینی؟
از کجا آمده است؟ به کجا می رود؟
آیا از هم گسیخته و بی هدف است؟ یا نظام مند و هدفدار؟
انسان در این جهان چه جایگاهی دارد؟ چه سرنوشتی در انتظار
اوست؟
و
«تو» در کجای این جهان بی کرانه ای و رو به سوی کجا داری؟

برای مطالعه

در سال گذشته دانستیم که قرآن کریم کتاب زندگی و راهنمای ما به سوی رستگاری و خوشبختی است و هرکس به هدایت‌های آن گوش فرا دهد و عمل کند از سقوط در پرتگاه‌های زندگی رهایی می‌یابد. از این رو است که با کتاب خدا مأنوس می‌شویم و پیام‌های آن را در می‌یابیم تا بتوانیم به آن‌ها عمل کنیم. راه اصلی انس با کتاب خدا، خواندن مستمر، درک معنای آیات و اندیشه و تدبر در آن‌هاست.

در سال قبل برخی از نمونه‌های تدبر را تمرین کردیم که عبارت بودند از :

- ۱- استخراج پیام از آیه
 - ۲- به دست آوردن پاسخ سؤالات خود از آیات
 - ۳- کشف ارتباط میان عبارات یک آیه و یا ارتباط چند آیه با هم
 - ۴- یافتن مصداق‌ها و نمونه‌های یک موضوع در آیات
 - ۵- کشف رابطه‌ی شرط و مشروط در آیات
 - ۶- آوردن استدلال برای یک پیام قرآنی
 - ۷- معیار و میزان قراردادن آیات برای تشخیص درستی و نادرستی یک مطلب
 - ۸- استفاده از حدیث و سیره‌ی معصومین (صلوات‌الله‌علیهم) در تبیین و توضیح آیات
- در این کتاب نیز بار دیگر این روش‌ها را تمرین کنیم تا به تدریج به توانایی بیش‌تری در درک آیات الهی دست یابیم و در هنگام تلاوت قرآن کریم، از معارف آن بهتر و بیش‌تر بهره‌مند شویم تا به سوی «حیات‌طیبه» ای که خداوند آن را در دنیا و آخرت به مؤمنان وعده داده است، پیش برویم.

همچنین در سال قبل در بخش «آمادگی در اندیشه و قلب» به دو موضوع مهم پرداختیم :
الف - هدف زندگی.

ب - راه‌های تقویت ایمان به هدف زندگی.

برای تبیین این دو موضوع، مباحث زیر مطرح شد :

حضرت ابراهیم (ع) به مردم آموخت که : آنچه ناپایدار و افول‌کردنی است، نمی‌تواند محبوب

انسان قرار گیرد؛ محبوب و مقصود انسان باید پایان‌ناپذیر و در بردارنده‌ی همه‌ی زیبایی‌ها باشد.

برای درک عمیق این پیام، به مطالعه‌ی حقیقت انسان پرداختیم و آموختیم که:

- ۱- لحظه‌های زیبای زندگی انسان، لحظه‌های شکوفایی استعدادها و رسیدن به کمال است.
 - ۲- انسان، استعدادها و کمال‌های متنوعی دارد و باید با دو قدرت «علم و آگاهی» و «انتخاب و اختیار» استعدادهای خود را پرورش دهد و به کمال برساند. پس، انسان مسئول به کمال رساندن خود است و زندگی حقیقی جریان شکوفایی استعدادها و رسیدن به کمال.
 - ۳- خداوند علاقه و دل‌بستگی به کمال‌ها و زیبایی‌ها را در وجود انسان قرار داده است تا او بتواند به آسانی آن‌ها را برگزیند و به سوی آن‌ها حرکت کند. این کمال‌ها و زیبایی‌ها، همان هدف‌هایی است که انسان در زندگی خود انتخاب می‌کند؛ البته انسان همواره به دنبال کمالی است که پایان نپذیرد و همه‌ی کمال‌های دیگر را در برداشته باشد.
 - ۴- هدف‌ها و کمال‌های انسان یکسان نیستند؛ برخی اصلی و برخی فرعی، برخی برتر و برخی پایین‌ترند. انسان باید بتواند هدف‌های اصلی و برتر را در اولویت قرار دهد و هدف‌های فرعی و پایین‌تر را در مسیر هدف‌های اصلی و برتر انتخاب کند.
 - ۵- خداوند، کمال و زیبایی بی‌نهایت است و سرچشمه‌ی همه‌ی کمال‌ها و زیبایی‌هاست؛ بنابراین، او محبوب حقیقی و مقصود برتر زندگی است و اگر کسی تقرب به او را هدف قرار دهد. بهترین پاسخ را یافته و صحیح‌ترین گام را در انتخاب «هدف زندگی» برداشته است.
- اکنون می‌توانیم دریابیم که چرا حضرت ابراهیم (ع) فرمود: «من پایان‌پذیرها و افول‌کردنی‌ها را دوست ندارم».

راه رسیدن به خدا، راه رسیدن به همه‌ی زیبایی‌ها و کمال‌هاست.

- ۶- پس از شناخت هدف زندگی، گام دیگری باید برداشته شود تا انسان حرکت به سوی هدف را آغاز کرده و برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی کند. آن گام، رسیدن به درجه‌ی «ایمان» است. انسان باید ایمان به خدا و محبت او را در خود تقویت کند تا جدی‌تر و مصمم‌تر، راه رسیدن به او را بییابد.

اکنون، در مرحله‌ی اول این کتاب می‌خواهیم به سؤال‌هایی که در ابتدای این مرحله طرح شد،

پاسخ دهیم.



جلوه‌های حکمت و تدبیر*

یکی از سؤال‌های اصلی هر نوجوان و جوانی این است که: «ما در چگونه جهانی زندگی می‌کنیم؟» پاسخ این سؤال، در نگاه وی به زندگی تأثیر می‌گذارد و به برنامه‌ها و تصمیم‌های او جهت می‌دهد. برای رسیدن به پاسخ درست، ابتدا از آیات شریفه‌ی قرآن کریم بهره می‌بریم و آن‌گاه به مشاهده‌ی برخی موجودات پیرامون خود می‌پردازیم.

* دبیران گرامی توجه نمایند که محتوای این درس باید به صورت کامل و با دقت و صرف وقت کافی و با ذکر مثال‌های مختلف تدریس شود. لذا یک جلسه برای تدریس آن کافی نیست و حتماً باید در دو جلسه تدریس شود.

این آیات شریفه را به دقت و زیبا بخوانید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى
..... وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى

اعلیٰ، ۲ و ۳

..... إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
..... وَاحْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
..... لآيَاتٍ لِأُولَى الْأَلْبَابِ

..... الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ
..... قِيَامًا وَقُعُودًا
..... وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ
..... وَيَتَفَكَّرُونَ
..... فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
..... رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا
..... سُبْحَانَكَ

فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

.....

آل عمران، ۱۹۰ و ۱۹۱

وَتَرَى الْجِبَالَ

و کوهها را می بینی،

تَحْسَبُهَا جَامِدَةً

می پنداری که ساکن هستند

وَهِيَ تَمْرٌ مَرَّ السَّحَابِ

در حالی که همچون ابرها در حرکتند

صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي

ساخته ی آن خدایی است که

أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ

هر چیزی را استوار ساخته است

إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ

همانا او بدانچه می کنید آگاه است

نمل، ۸۸

إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ

.....

قمر، ۴۹

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ

.....

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

.....

عنکبوت، ۴۴



به کمک توضیحات زیر، ترجمه ی آیات را کامل کنید.

بِالْحَقِّ : هدفمند، راست و درست

باطِل : بیهوده

جُنُوبِهِمْ : پهلوهایشان

قرآن کریم چه تصویری از جهان به ما نشان می‌دهد؟

با تأمل در آیات ابتدای درس و تکمیل جملات زیر، پاسخ سؤال را به دست آورید.

سوره / آیه	پیام	ردیف
.....	هر یک از موجودات جهان دارای	۱
.....	هر موجودی به گونه‌ای ساخته شده که دنبال می‌کند.	۲
.....	بودن در موجودات جهان راه ندارد.	۳
.....	وقتی به روابط مستحکم و نظم استوار جهان می‌نگریم، در می‌یابیم که جهان بر استوار است.	۴
.....	استحکام، نظم و هدفمندی مخلوقات جهان نشانه‌ی	۵
.....	کسی می‌تواند حقیقت جهان را به درستی دریابد که	۶

قرآن کریم از انسان‌ها می‌خواهد که درباره‌ی این تصویر بیندیشند و با عقل و استدلال و منطق آن را بپذیرند. از این رو مردم را دعوت می‌کند به پدیده‌های پیرامون خود نظر کنند؛ پدیده‌هایی چون آمد و شد شب و روز، خورشید، ماه، ستارگان، کوه‌ها، دشت‌ها، سپیده‌دم، گیاهان، جانوران، مراحل خلقت انسان، حرکت ابرها و نزول باران که انسان‌ها در زندگی روزانه‌ی خود مشاهده می‌کنند و تفکر در آن‌ها برای هر کس امکان‌پذیر است. با وجود این نشانه‌ها، هر کس خردمندی پیشه نکند و به درستی نیندیشد، زبان آن را خواهد دید و جایگاه خود در جهان را نخواهد شناخت. سعدی می‌گوید:

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

برای شناخت بهتر و دقیق‌تر جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، ابتدا نظری به یک جهان غیرواقعی و پنداری می‌افکنیم، سپس باز می‌گردیم و جهان واقعی را نظاره می‌کنیم.

جهان غیرواقعی

تصور کنید در جهانی زندگی می‌کنید که در هر لحظه ممکن است بدون علت خاصی، حادثه‌ای

رخ دهد، موجودی پدید آید یا از بین برود و اشیاء خصوصیات خود را از دست بدهند. فرض کنید صبح که از خواب بیدار می شوید، در هوا معلق می مانید؛ می بینید که اجسام لحظه ای به زمین جذب می شوند و لحظه ای دیگر از زمین فاصله می گیرند. شیر آب را که باز می کنید، به جای آب، آتش خارج شود. هنگام صبحانه، وقتی شکر را در چای حل می کنید، چای شور شود. همین که لقمه ای به دهان می گذارید، آن لقمه به دهان چسبیده و جدا نشود. و خلاصه، از هر موجودی حرکت های غیر منتظره سرزند و هر چه تلاش کنید، نتوانید خود را با این حرکت ها هماهنگ کنید.



- ۱- آیا در چنین جهانی می توان از قانون و قانون مندی سخن گفت؟ چرا؟
- ۲- در چنین جهانی، رسیدن به علم و دانش تا چه اندازه امکان پذیر است؟ چرا؟
- ۳- اگر بخواهیم نامی برای این جهان خیالی انتخاب کنیم، آن نام چیست؟
- ۴- شما در چنین جهانی، چه احساسی خواهید داشت؟
- ۵- آیا با دیدن چنین جهانی می پذیرید که سازنده ای حکیم و خبیر داشته باشد؟

چرا؟

جهان واقعی

اکنون به جهان واقعی پیرامون خویش بیندیشید. نمونه هایی از موجودات و عناصر پیرامون خود را زیر نظر بگیرید و ببینید چه تفاوتی میان آن تصویر خیالی و این موجودات واقعی هست. برای این منظور، ویژگی ها و نحوه ی همکاری چند عنصر ساده، اما بسیار مؤثر و مفید را بررسی می کنیم و سپس یکی از ترکیبات پیچیده ی جهان را نظاره می کنیم تا ببینیم چه نتیجه ای به دست می آید.^۱

۱- اکسیژن و هیدروژن دو عنصر ساده از عناصر طبیعت اند. هر کدام ساختمان خاصی دارند که با دیگری متفاوت است. اما جهان به گونه ای سامان یافته که از ترکیب این دو، نظامی جدید به نام آب پدید می آید که حیات موجودات زنده بر روی کره ی زمین

۱- بندهای ۱ تا ۴ که ترکیبات شیمیایی و نظم طبیعی موجودات را نشان می دهد، فقط برای طرح در کلاس و به دست آوردن نتایج پایانی است و سؤال از آن ها در امتحانات، ضرورت ندارد.

به وجود آن بستگی دارد. شاید این ترکیب و همکاری را بتوان مؤثرترین همکاری میان اجسام دانست، زیرا بزرگ‌ترین نتیجه و فایده را به دنبال داشته است. چه تدبیر هدفمندی در این ترکیب نهفته است!



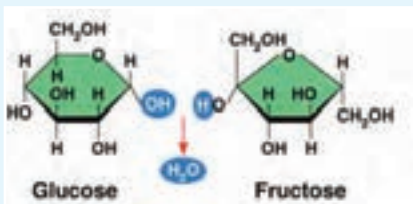
مولکول آب (H_2O) یک اتم اکسیژن (O) دو اتم هیدروژن (H)

۲- کربن یکی دیگر از عناصر طبیعت است. این عنصر در ترکیب با اکسیژن، ماده‌ی جدیدی به نام «دی‌اکسید کربن» را پدید می‌آورد که نقش مهمی در حیات موجودات دارد. گیاهان سبز به کمک این گاز غذاسازی می‌کنند و زنده می‌مانند. خوب است در این جا به این نکته‌ی زیبا هم اشاره کنیم که، انسان‌ها و حیوان‌ها برای حیات خود نیازمند اکسیژن هستند که گیاهان آن را تولید می‌کنند و آن‌ها نیز برای زنده ماندن به دی‌اکسید کربن نیاز دارند که ما در هنگام بازدم به محیط می‌فرستیم. این یک هماهنگی و همکاری است که نقشی در طراحی آن نداشته‌ایم.



مولکول دی‌اکسید کربن (CO_2) دو اتم اکسیژن (O_2) یک اتم کربن (C)

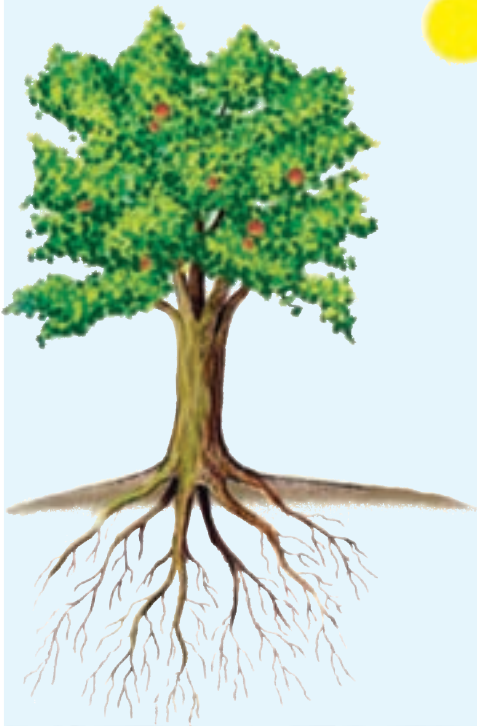
۳- موجودات زنده از جمله انسان نیازمند ماده‌ای به نام «قند» هستند تا انرژی خود را تأمین کنند و زنده بمانند. این ماده از ترکیب آب و دی‌اکسید کربن و به کمک خورشید در گیاه ایجاد می‌شود. گیاه، خود از آن استفاده می‌کند و حیوان و انسان را هم از آن بهره‌مند می‌سازد و بدین ترتیب رشد موجودات زنده ادامه می‌یابد.^۱



۱- اقتباس از کتاب زندگی بر روی زمین، دونالد ام. سیلور، انتشارات مدرسه برهان، صص ۶ تا ۱۴.

اکنون اگر به ماده‌ی قند که در میوه‌ها وجود دارد، نگاه کنیم، درمی‌یابیم که این همه فایده نتیجه‌ی ترکیبی بسیار دقیق است که اگر آن ترکیب به هم بخورد، تمام آن فایده‌ها از دست می‌رود.

می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین همکاری‌های روی کره‌ی زمین به وسیله‌ی سه عنصر ساده‌ی اکسیژن، هیدروژن و کربن به انجام می‌رسد و بزرگ‌ترین فایده‌ها را به ارمغان می‌آورد. آب، قسمت اعظم بدن موجودات زنده، از جمله انسان را تشکیل می‌دهد. قند نیز نقش اساسی در بدن ما دارد و تأمین‌کننده‌ی اصلی انرژی در بدن است. اگر هر یک از این دو ماده از حدّ معینی در بدن ما کاهش یابد، حیات ما به خطر خواهد افتاد. پس، هر عنصری ساختمان خاصی دارد که وقتی با دیگری همکاری می‌کند و ترکیب می‌شود، نظام و ساختمان جدیدی را پدید می‌آورند که دارای خواص و آثار تازه‌ای خواهد بود. این حالت را می‌توانیم در تمام موجودات پیرامون خود ببینیم؛ در سنگ‌ها، فلزات، گیاهان، حیوان‌ها و انسان.



۴- اکنون به نمونه‌ای پیچیده‌تر

نگاه کنیم؛ نمونه‌ای که به زمین زیبایی و طراوت داده و فایده‌های بی‌شماری داشته است؛ درخت. هر درختی از تعدادی غیرقابل‌شمارش اتم، میلیاردها سلول و میلیون‌ها بافت تشکیل شده که هر کدام جنس، ترکیب و کار خاصی دارند و اعضای اصلی درخت، یعنی ریشه، تنه، شاخه و برگ را می‌سازند. هر یک از این اعضا نقشی مخصوص برعهده دارند که با ساختمان و جنس آن‌ها هماهنگ است. نتیجه‌ی فعالیت هماهنگ و همکاری آن‌ها پیدایش میوه است. اگر آن اتم‌ها، سلول‌ها و بافت‌های

برگ درختان سبز در نظر بویاید
به روش دیگری است معرفت کردگار

مخصوص وجود نمی داشت و اگر این اعضا هر کدام کار خاص خود را نمی کردند، این ثمر به بار نمی نشست. و اگر همه ی آن کارها صورت می گرفت ولی میوه ای در کار نبود، همه ی آن کارها بیهوده و باطل می شد.

بنابراین، عناصر موجود در طبیعت، که هر کدام ساختمان و آثار خاص خود را دارند، در دسته ها و شکل های مختلف با هم همکاری می کنند که حاصل آن پیدایش موجودات جدید با ساختمان جدید و با خواص و آثار تازه است. هر یک از این همکاری ها از نظم و قانون مندی خاصی پیروی می کند و نتایج معینی را در پی دارد. پس، وقتی به موجودات پیرامون خود نگاه می کنیم، می بینیم که :

- ۱- هر موجودی از اجزای خاص و معینی تشکیل شده است.
- ۲- این اجزا با آرایش مخصوص به خود در کنار یکدیگر قرار گرفته اند.
- ۳- هر جزء کار مخصوصی انجام می دهد و وظیفه ی معینی برعهده دارد.
- ۴- میان وظایف و مسئولیت ها پیوستگی و ارتباط مشاهده می شود، به گونه ای که کار هر یک مکمل و ادامه ی کار دیگری است و کارها و مسئولیت ها در ارتباط با هم معنا می یابند و اگر به کار یک جزء به تنهایی نگاه شود، ناقص و ناتمام به نظر می آید.
- ۵- هر سامان و نظامی و هر همکاری و فعالیتی، به دنبال هدف خاصی است که آن را از سایر سامان دهی ها و همکاری ها جدا می کند.



با بررسی ساختمان یک حیوان یا برخی از قسمت های آن، مانند ساختمان چشم، گوش و قلب، ویژگی های ذکر شده را در آن ها مشخص سازید.

شاخصه ی اصلی

در میان ویژگی های ذکر شده در صفحه ی قبل، کدام ویژگی است که شاخصه ی اصلی مجموعه های بزرگ و کوچک جهان محسوب می شود و آن ها را به یک نظام تبدیل می کند و در همه ی

اجزا و فعالیت‌های آن مجموعه حضور دارد و به آن‌ها معنی می‌بخشد؟
 این شاخصه‌ی اصلی همان «هدف» و «غایت» است. بدون «هدف»، پیوستگی، ارتباط و هماهنگی معنا ندارد و اساساً مجموعه‌ی دارای نظام، شکل نمی‌گیرد. همکاری، پیوستگی و نظام، همواره برای آن است که به هدف معینی منجر شود و به سرانجام روشنی برسد.
 اگر شاخصه‌ی هدفمندی در کار نباشد، تمام فعالیت‌های یک مجموعه «عبث»، «بیهوده» و در یک کلام، «باطل» می‌شود و با بودن آن، مجموعه‌ی فعالیت‌ها، «ثمربخش»، «هدفمند» و در یک کلام، «حق» می‌گردد. اگر به مثال‌های قبل برگردیم، می‌بینیم که هر همکاری و ترکیبی، ثمرات و اهداف بسیار بزرگی به دنبال داشت و هیچ کدام بر «باطل» و «بیهوده» نبود.

سؤال

چگونه اجزای این مجموعه‌ها، متناسب با هدفی که دارند، کنار یکدیگر جمع می‌شوند؟ چه عامل و انگیزه‌ای سبب این همکاری‌ها و تقسیم کار است؟ آیا پای «انتخاب»، «گزینش» و «طرح» قبلی در کار است؟

در این جا با سه فرض مواجه هستیم :

- ۱- همه‌ی این هماهنگی‌ها و همکاری‌ها خود به خود و بدون نقشه‌ی قبلی اتفاق می‌افتند.
- ۲- خود اجزا از این آگاهی برخوردارند و متناسب با آن هدف گرد هم می‌آیند و همکاری را آغاز می‌کنند.
- ۳- خالق آگاه، خبیر و حکیم، متناسب با هدفی که در نظر دارد، اجزا را به وجود می‌آورد و با طرح و نقشه و برنامه‌ی معین، همکاری‌ها را شکل می‌دهد تا آن هدف و غایت محقق شود.

۱- «حق» و «باطل» دو کلمه در مقابل هم هستند که به چند معنا به کار می‌روند؛ یکی از معانی آن‌ها، «هدفمند بودن» و «بی‌هدف بودن» است. معنای دیگر «حق»، واقعیت داشتن است؛ که در این صورت، معنای «باطل» واقعیت نداشتن و موهوم بودن است. مثلاً وقتی می‌گوییم خداوند و عالم غیب حق است، یعنی خداوند و عالم غیب واقعیت دارد. و وقتی می‌گوییم شانس و غول باطل است، یعنی واقعیت ندارند و موهومند. معنای دیگر «حق» سخن درست و راست و معنای دیگر باطل سخن نادرست و دروغ است. وقتی می‌گوییم «این سخن حق است»، به معنای آن است که حقیقت دارد و دروغ نیست.

این سه فرض را با یکدیگر مقایسه کنید و نتیجه را بیان نمایید.

شرح	
	فرض اول
	فرض دوم
	فرض سوم
	نتیجه

۱- نتیجه‌ی به دست آمده را با تصویری که از قرآن کریم به دست آمد، مقایسه کنید.

۲- بار دیگر در آیاتی که در آن‌ها کلمات «حق» و «باطل» به کار رفته، ببیندیشید و ببینید که این آیات در بردارنده‌ی چه پیامی هستند؟

ابتدا این خطبه‌ی حضرت علی (ع) را که در نهج البلاغه آمده است، بخوانید و ویژگی‌های خلقت خداوند را از آن استخراج کنید.

او خداوندی است که موجودات را آفرید، بدون این که از هیچ نمونه‌ی آماده و پیش ساخته‌ای ایده بگیرد و از کار خالق دیگری که پیش از وی جهانی را آفریده باشد، تقلید کند.

... آثار صنع و نشانه‌های حکمتش در نوآوری‌های بی‌سابقه و خلقت بی‌نظیرش

هویداست.

بنابراین، هر یک از موجوداتی که خدا آفریده، برهان آفریدگاری و دلیل خداوندی اوست؛ حتی اگر آن موجود، جامد و بی‌زبان باشد. چرا که آن‌ها با زبان بی‌زبانی خالق خود را معرفی می‌کند و تدبیر خدا را باز می‌گوید، بدون این که به سخن گفتن نیازی داشته باشد. دلالتش بر وجود خدا همواره استوار است و در هر لحظه آفریننده‌ی خود را نشان می‌دهد.

... خدای متعال همه‌ی مخلوقات را براساس مقیاس، نظم مشخص، اندازه‌های مخصوص و متناسب با هر یک از آن مخلوقات آفرید و در آفرینش آن‌ها طوری اندازه‌ها را برقرار کرد که محکم و استوار بمانند و از هم فرو نیاشنند. هر چیزی را مطابق برنامه‌ای دقیق به بهترین شکل طراحی کرد و آن‌گاه بدان نظم و ظرافت بخشید و آن را در مسیر انجام وظیفه و دست‌یابی به هدف خاص وی هدایت کرد.

همه‌ی این کارها بدان جهت بود که هیچ‌یک از مخلوقات از محدوده و چهارچوب تعیین شده از جانب خداوند تجاوز نکند و برای رسیدن به مقصد مورد نظر و کمال‌نهایی کوتاهی ننماید و اگر خداوند به او دستوری داد، انجام دادش بر وی دشوار نباشد و سرکشی نکند.

بخشی از خطبه‌ی ۹۰ نهج البلاغه



۱- قرآن کریم در آیه‌های ۶۸ و ۶۹ سوره‌ی نحل، درباره‌ی زنبور عسل سخن گفته است. درباره‌ی این زنبور و چگونگی فعالیت آن برای تولید عسل تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

۲- برنامه‌ریزی برای رسیدن به هدف را در موجودات طبیعی مشاهده کردیم و دیدیم که نظم و پیوستگی و قانونمندی بدون هدف معنا ندارد. شما در زندگی شخصی خود چه اهدافی دارید؟ آیا برای رسیدن به آن‌ها برنامه‌ریزی کرده‌اید؟

۳- شعر مقابل قسمت‌هایی از شعر بلند سعدی درباره‌ی بهار است. آن را به دقت بخوانید و بگویید در بردارنده‌ی چه پیامی برای شماست. هم‌چنین بکوشید که آن را حفظ کنید.

آفرینش همه تنبیه خداوند است
 کوه و دریا و درختان همه در سجده
 این نقش عجب بر در و دیوار وجود
 خبرت بست که مرغان چمن می گویند
 بر که امروز بنید اثر قدرت او
 که تو اندک هدیه می رکنی از چوب
 تا کی آخر چو بنفشه غفلت در پیش
 عقل حیران بود از خوشی زین عجب
 پاک بی عیب خدایی که قیامت مغرور
 تا قیامت سخن اندر کرم رحمت اوست
 آن که باشد که بنده کمر طاعت او
 نعمت بار خدایا ز عدد بیرون است
 این همه پرده که بر کرده می مای پوشی
 نا امید از لطف تو که گشاید رفت
 سعید است روان کوی سعادت بردند

دل ندارد که ندارد و بخدا و مذاق قرار
 نه همه استمعان فهم کنند این اسرار
 هر که فکرش کند نقشش بود بر دیوار
 کاغذی خفته سر از باش غفلت بر دار
 غالب آن است که فردا اش بنمید دیدار
 یاکه دانند که بر آرد گل صد برک انخار
 حیف باشد که تو در خوابی و ز کس بیدار
 فهم حیران شود از خشمی یا قوت انار
 ماه و خورشید مخر کند لیل و نهار
 همه گویند و یکی گفت نیاید ز هزار
 جای آن است که کافر بشاید ز نثار
 سکر انعام تو بر کز نکند سکر گزار
 کر به تقصیر بگیر می نگذاری دینار
 تاب قهر تو ندایم خدایا ز نهار
 راستی کن که مینزل نرسد کج رفتار

قسمت‌هایی از قصیده‌ی بهارینه‌ی سعدی

۱- تنبیه: آگاهی، آگاهی دهنده

۲- حُفَّه: ظرف کوچک، در این‌جا منظور پوسته‌ی انار است که دانه‌های یا قوتی آن را چون قطعه‌ای در برگرفته است.

۳- زُنَّار: کمربندی است که کفار به کمر می بستند.

۴- انعام: بخشش



درس دوم

با کاروان هستی

در درس گذشته به سراغ برخی موجودات رفتیم و با مشاهده‌ی نظام‌مندی آن‌ها، حضور حکمت و تدبیر الهی را دریافتیم.

اکنون می‌خواهیم به گستره‌ی جهان نظر کنیم و نظام آن را بررسی نماییم تا به پاسخ این سؤال برسیم که:

جهان رو به سوی کجا دارد

و رهسپار چه هدفی است؟

روش ما در این درس آن است که ابتدا به مشاهده‌ی جهان بپردازیم و سؤال‌هایی را که برای ما پیش می‌آید به قرآن کریم عرضه کنیم تا پاسخ صحیح را به دست آوریم.

آیات شریفه ی زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
..... وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ
و سرآمدی معین و مشخص وَ أَجَلٍ مُّسَمًّى
..... وَالَّذِينَ كَفَرُوا
از آن چه انداز شدند، رویگردانند. عَمَّا أَنْذَرُوا مُعْرِضُونَ

احقاف، ۳

..... يُسَبِّحُ لِلَّهِ
..... مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
..... لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
..... وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

تغابن، ۱

..... خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ
..... وَ صَوَّرَكُمْ
..... فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ
..... وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

تغابن، ۳

أَفْعَيْرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ

وَلَهُ أَسْلَمَ

مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

طَوْعًا وَكَرْهًا

وَالِيهِ يُرْجَعُونَ

آل عمران، ۸۳

در آفرینش خدای رحمان

بی نظمی نمی بینی

پس بار دیگر دیده بگردان

آیا هیچ شکافی می بینی؟

مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ

مِنْ تَفَاوُتٍ

فَارْجِعِ الْبَصَرَ

هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ

مُلک، ۳



به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

يُرْجَعُونَ : بازگردانده می‌شوند

يَبْغُونَ : می‌جویند

مُلْك : پادشاهی

لَهُ أَسْلَمَ : به فرمان اوست

صَوَّرَكُمْ : شما را صورتگری کرد

طَوْعًا وَكَرْهًا : خواه ناخواه

۱- در فرهنگ‌نامه‌ی مفردات راغب آمده که «فوت» به معنی دور شدن است. تفاوت نیز که اختلاف دو چیز در اوصاف و خصوصیات است، سبب دور شدن آن دو از یکدیگر می‌شود. و چون تفاوت از باب تفاعل است، گویا چنین است که هر دو از هم دور می‌شوند. یعنی خصوصیات این در آن نیست و خصوصیات آن در این.

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان درباره‌ی همین آیه می‌فرماید: منظور از عدم تفاوت این است که تدبیر الهی چون حلقه‌های زنجیر، در سراسر جهان به هم پیوسته و متصل است. موجودات به‌گونه‌ای با یکدیگر مربوطند که آثار فعالیت یکی، نصب دیگری می‌شود، همان‌طور که خود آن برای ثمر دادن، به موجودات دیگر وابسته و نیازمند است... پس منظور از نبودن تفاوت در خلقت آن است که خداوند اجزا و اعضای جهان خلقت را طوری آفریده که بتوانند به هدفی که برای آن خلق شده‌اند برسند و دیگران مانع او نشوند...

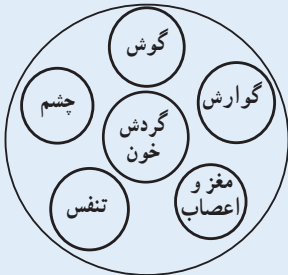
هم‌چنین ذیل آیه ۱۰۳ سوره‌ی انعام می‌فرماید: آیات دیگری نیز هست که می‌رساند اجزای عالم همه به هم متصل و مربوطند و پیوستگی آن‌ها به حدی است که همه را به‌صورت یک موجود درآورده و نظام واحدی در آن حکمفرماست.

نظام‌های به هم پیوسته

دانستیم که مجموعه‌ی نظام مند، مجموعه‌ای است که اجزاء آن به گونه‌ای سامان یافته‌اند که فعالیت دسته‌جمعی آن‌ها منتهی به هدفی معین می‌شود. و دانستیم که شاخصه‌ی اصلی چنین مجموعه‌ای «هدفمندی» است.

اگر نگاه عمیق‌تری به مجموعه‌های پیرامون خود بیفکنیم، می‌یابیم که هر یک از آن‌ها از نظام‌های کوچک‌تری ساخته شده‌اند که آن نظام‌های کوچک هم برای خود هدف و غایت خاصی دارند. و چه بسا که آن نظام‌های کوچک هم از نظام‌های کوچک‌تری تشکیل شده باشند. این نگاه عمیق ما را به نظام‌هایی تودرتو می‌رساند که به زیبایی هرچه تمام‌تر یک نظام را می‌سازند که منتهی به «هدف واحد» می‌شود، بدون این که هیچ بی‌نظمی و خللی در این میان پدید آید. پس نظام‌های موجود از نظام‌های کوچک شروع می‌شوند و به نظام‌های بزرگ و بزرگ‌تر می‌رسند و منتهی به یک نظام کل بزرگ می‌شوند که همه‌ی آن نظام‌های کوچک‌تر را دربر می‌گیرد.

بدن انسان را به عنوان یک نظام بزرگ در نظر بگیرید^۱. این بدن از دستگاه‌های مختلفی، مانند گوارش، گردش خون، اعصاب و تنفس تشکیل شده است. اگر بدن انسان را یک دایره‌ی بزرگ فرض کنیم، این دستگاه‌ها به صورت دایره‌های مرتبط به هم، درون آن قرار دارند. هدف تمامی این دستگاه‌ها، حیات انسان است.



برخی دستگاه‌های بدن انسان



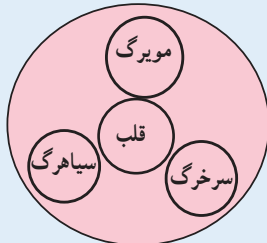
دستگاه‌های بدن

حال اگر یکی از این دستگاه‌ها را جداگانه مورد مطالعه قرار دهیم، می‌بینیم که هر دستگاه نیز از چند قسمت تشکیل شده است و با یکدیگر ارتباط دارند. یعنی در داخل این دایره، دایره‌های کوچک‌تری هستند که با یکدیگر همکاری می‌کنند. به طور مثال، دستگاه

۱- آن‌چه درباره‌ی بدن انسان می‌خوانیم، فقط برای طرح در کلاس و به دست آوردن نتایج است. و سؤال از آن‌ها در امتحان پایانی

ضرورت ندارد.

گردش خون قسمت‌هایی مانند قلب، سرخرگ، سیاهرگ و مویرگ دارد. هدف مجموعه‌ی این دستگاه رساندن مواد غذایی از طریق خون به بدن می‌باشد. و می‌دانیم که تا این هدف به انجام نرسد، حیات انسان که هدف کل دستگاه است، تحقق نخواهد یافت.

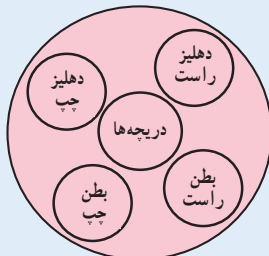


دستگاه گردش خون



دستگاه گردش خون

اگر جلو برویم و یکی از قسمت‌های دستگاه گردش خون، مثلاً قلب را مطالعه کنیم، می‌بینیم که آن نیز از قسمت‌هایی مانند بطن، دریچه و دهلیز تشکیل شده که با یکدیگر ارتباط دارند و همکاری می‌کنند. هدف مجموعه‌ی این عضو پخش خون به تمام بدن است. اگر این هدف نیز به انجام نرسد، هدف قبلی تحقق پیدا نخواهد کرد.

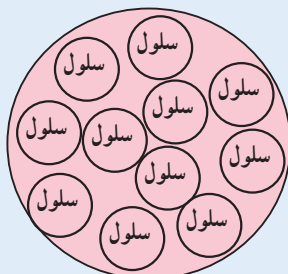


قلب



قلب

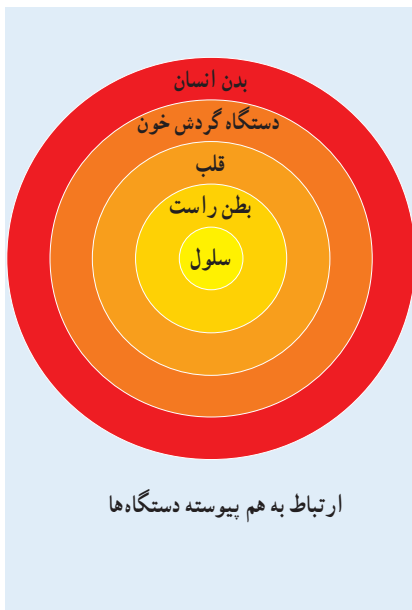
اگر باز هم جلو برویم و قسمتی از قلب، مانند بطن راست را مشاهده کنیم، می‌بینیم که آن هم از تعداد زیادی سلول تشکیل شده که با یکدیگر ارتباط دارند و همکاری می‌کنند. این قسمت نیز هدف معینی دارد که اگر انجام پذیرد، قلب نیز کار خود را درست انجام خواهد داد.



بطن راست



اجزای بطن



سلول‌ها نیز خود به قسمت‌های کوچک‌تری می‌رسند که هر کدام دارای نظام خاص و هدف خاصی هستند. حال اگر از کوچک‌ترین قسمت شروع کنیم، می‌بینیم که سلول برای بطن، بطن برای قلب، قلب برای دستگاه گردش خون و دستگاه گردش خون برای بدن کار می‌کند تا حیات و رشد بدن تأمین گردد. در این جا بایک پیوستگی مواجهیم به گونه‌ای که هدف جزء کوچک در خدمت هدف جزء بزرگ قرار دارد و آن نیز در خدمت جزء بزرگ‌تر، تا به برترین هدف، یعنی حیات بدن می‌رسیم.

اکنون می‌توان درباره‌ی بدن چنین گفت :

- ۱- فعالیت هر سلول در هر قسمت بدن نه تنها در خدمت همان قسمت است، بلکه در خدمت نهایی‌ترین هدف، یعنی رشد و حیات بدن نیز هست.
- ۲- هر دستگاهی نظم، قانون‌مندی و هدف خاص خود را دارد. اما این امر نه تنها مانع هماهنگی و همکاری سراسری آن‌ها برای رسیدن به هدف نهایی نیست، بلکه در خدمت آن است.
- ۳- نظام‌های بزرگ از به هم پیوستن نظام‌های کوچک شکل می‌گیرند؛ بدین صورت که بطن‌ها، دهلیزها و دریچه‌ها قلب را می‌سازند، قلب و سرخرگ و مویرگ دستگاه گردش خون، و مجموعه‌ای از دستگاه‌ها نیز بدن را شکل می‌دهند.
- ۴- هر چه دایره‌ی نظام، بزرگ‌تر می‌شود، نظم و قانون‌مندی گسترده‌تری لازم است که نظام‌های کوچک‌تر را در درون خود جای دهد. به طور مثال خاصیت رشد و نمو به قسمت خاصی از بدن مربوط نیست، بلکه به مجموعه‌ی بدن و دستگاه‌های آن مربوط است و همه‌ی این دستگاه‌ها به نحوی برای این هدف فعالیت می‌کنند.
- ۵- این نظام‌های به هم پیوسته و تودرتو که بدن را می‌سازند، فعالیت هماهنگ و سازمان‌یافته‌ای انجام می‌دهند که در پایان منجر به حیات و رشد می‌شود.

کدام یک از آیات ابتدای درس گویای این انسجام درونی و هماهنگی خلل ناپذیر در موجودات است؟ پیام آن آیه را توضیح دهید.

نظام واحد جهان

اکنون از محدوده‌ی بدن انسان بیرون می‌آییم و به جهان پیرامون نظری می‌افکنیم. کوچک‌ترین مجموعه‌ی نظام‌مندی که بشر تاکنون شناخته است، اتم می‌باشد. که ذره‌ی اولیه‌ی موجودات را تشکیل می‌دهد. این واحد کوچک، از یک هسته و تعدادی الکترون ساخته شده است. عناصر این جهان، مانند آهن، اکسیژن، سرب، هیدروژن، نقره و طلا از اجتماع و پیوستگی اتم‌ها پدید آمده و مجموعه‌های بزرگ‌تر را سامان داده‌اند. این عناصر نیز به نوبه‌ی خود، به هم پیوسته و مجموعه‌های عظیم‌تری را به وجود آورده‌اند.

این پیوستگی و ترکیب ادامه می‌یابد و نظام‌های بزرگ‌تر و بزرگ‌تر پدید آمده تا به ظهور کوه‌ها، دریاها، درختان، حیوانات و انسان‌ها در این کره‌ی خاکی منجر شده است؛ به طوری که وقتی به کره‌ی زمین نگاه می‌کنیم، موجودات بی‌شماری را که هر کدام سامان خاص خود را دارند، مشاهده می‌کنیم که همه به هم وابسته‌اند و یک مجموعه‌ی عظیم را در این کره شکل داده‌اند و سبب شده‌اند که حیات و زندگی بر روی کره‌ی زمین ادامه یابد و در پرتو این حیات، انسان‌ها بتوانند زندگی فردی و اجتماعی خود را سامان دهند و برای رسیدن به هدف‌های خود برنامه‌ریزی کنند.

پیوستگی و ارتباط میان پدیده‌ها و نظام‌ها از زمین



کره‌ی زمین

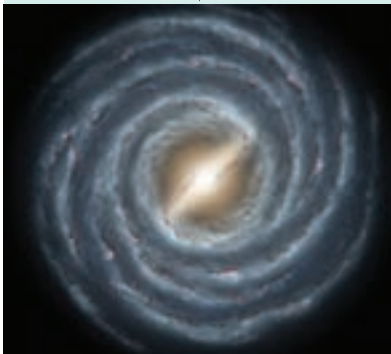
هم فراتر می‌رود و به رابطه‌ی بین سیارات و ستارگان کشیده می‌شود. تأثیرات خورشید و ماه بر زمین از جمله‌ی روابط بین کرات است که تاکنون بشر بدان پی برده است.



منظومه شمسی



کهکشان راه شیری



کهکشان‌ها

نور خورشید از عوامل مهم حیات در کره‌ی زمین است. این نور، بر تو انفجارهای بزرگی است که در خورشید رخ می‌دهند و آن را به صورت یک کره‌ی همیشه گدازان درمی‌آورد.

میزان ورود نور خورشید به زمین توسط هوای پیرامون ما، کنترل می‌شود. ترکیب خاص گازهای تشکیل دهنده‌ی هوا به این کنترل کمک می‌کند. این نور کنترل شده، علاوه بر روشن کردن زمین و معتدل کردن دما، تأثیرات شیمیایی و زیستی فراوانی دارد. ماه نیز بر زمین تأثیر دارد؛ از جمله سبب جزر و مد دریاها و اقیانوس‌ها می‌شود و این جزر و مد بر جانداران دریایی و ساختار سواحل دریا اثر می‌گذارد. ما امروزه می‌دانیم که امواج مغناطیسی فراوانی از کرات دور دست به سوی زمین می‌آیند و بر زمین اثر می‌گذارند. همچنین، جایگاه زمین در منظومه‌ی شمسی، نتیجه‌ی تعادل نیروی جاذبه‌ی همه‌ی سیارات این منظومه و خورشید است. با گسترش علم در دنیای امروز، می‌توانیم نمونه‌های دیگری از این ارتباط و هم‌بستگی را بیابیم. در حقیقت می‌توان گفت زمین جزئی از منظومه‌ی شمسی و منظومه‌ی شمسی جزئی از کهکشان راه شیری و کهکشان راه شیری جزئی از نظام کیهانی پیرامون ماست و این یک پیوستگی طولی را به ما نشان می‌دهد.

بنابراین، جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، مانند بدن انسان، یک مجموعه بهم پیوسته، مرتبط و هماهنگ را تشکیل می‌دهد و آن پنج ویژگی که برای بدن انسان ذکر شد، در جهان نیز مشاهده می‌شود. از این رو مجموعه‌ی موجودات جهان را می‌توان نظام واحد نامید. اکنون این سؤال به ذهن هر انسان اندیشمندی راه می‌یابد که: اگر شاخصه‌ی اصلی یک مجموعه‌ی نظام‌مند غایت و مقصد اوست، این مجموعه‌ی بزرگ جهانی چه هدف و مقصدی را دنبال می‌کند؟ و برای رسیدن به کجا این چنین پرتلاش به پیش می‌رود؟ آیا کسی بهتر از خداوند که خالق این جهان است می‌تواند پاسخ این سؤال را برای ما روشن کند و حقیقت را آشکار نماید؟ پس به سراغ کلام الهی می‌رویم تا به پاسخ درست برسیم.



با تدبر در آیات ابتدای درس و تکمیل عبارتهای زیر، پاسخ سؤال طرح شده را به‌دست آورید.

ردیف	پیام	سوره/آیه
۱	تمام مخلوقات این جهان به..... آفریده شده‌اند و دارای..... مشخص می‌باشند.
۲	هریک از مخلوقات در بهترین..... خلق شده‌اند و آنچه را که لازمی رساندن آن‌ها به هدف بوده،.....	سوره‌ی تغابن آیه‌ی ۳
۳	هریک از مخلوقات و مجموعه‌ی آن‌ها که نظام واحد جهانی را تشکیل می‌دهند، دارای انسجام کامل و پیوستگی دقیق برای رسیدن به هدف می‌باشند.
۴	همه‌ی مخلوقات عالم تحت قانون‌مندی واحد الهی عمل می‌کنند و به‌سوی..... که مقصد نهایی آنهاست روان می‌باشند.
۵	کاروان هستی همان‌طور که از.....، رو به سوی..... دارد.

بنابراین آیات، جهان به بهترین شکل و در بهترین نظم آفریده شده و هیچ‌گونه خلل و بی‌نظمی در آن راه ندارد و به سوی خداوند که کمال مطلق است در حرکت است. یعنی حرکتی رو به رشد و رو به تکامل دارد. حرکتی که فتح همه‌ی قله‌های کمال و زیبایی را هدف قرار داده است.

ما ز بالا می‌رویم و بالا می‌رویم ما ز دریا می‌رویم و دریا می‌رویم^۱

۱- دیوان شمس، مولوی

الهام از نظام خلقت

* به قول اینشتین - فیزیکدان نامی قرن بیستم - «تمام تلاش‌ها و تفکرات منظم بشری در مقایسه با نظام عجیب و دقیق کائنات، انعکاسی ضعیف و ناقابل است»^۱ زیرا این دستاوردهای علمی مدیون همین نظام خلقت است. همه‌ی مصنوعات بشری با الهام از طبیعت و به‌کارگیری قوانین حاکم بر آن است؛ برای مثال، پرواز هواپیما با پیروی از قانون جاذبه و فرمول‌های مربوط به آن ممکن شده است. اگر امروزه انسان با استفاده از علم ژنتیک به تغییر نژاد گیاهان و حیوانات می‌پردازد، به مدد شناختی است که از قوانین حاکم بر طبیعت و با پیروی دقیق از آن حاصل شده است.

هرقدر علم انسان به قوانین خلقت کامل‌تر و دقیق‌تر باشد، به ساخت مصنوعات متنوع‌تر و دقیق‌تری موفق خواهد شد. کار انسان با کشف قوانین طبیعت است و بشر

هیچ‌گاه نمی‌تواند از سیطره‌ی قوانین خارج شود. خداوند انسان را در دامن طبیعت می‌آفریند و به او استعدادی علمی می‌بخشد که بتواند طبیعت را نظاره کند، روابط میان پدیده‌ها را کشف نماید، آن‌ها را به‌کار بندد و با ساخت مصنوعات خویش، آن‌ها را مورد بهره‌برداری قرار دهد. آن‌گاه که این مصنوعات را مشاهده می‌کنیم، ردپای علم و تدبیر انسان را در آن‌ها می‌بینیم و بر سازندگان آن‌ها آفرین می‌گوییم.

اما «آفرین» بزرگ‌تر و برتر از آن کیست؟ کسی که این نظام را آفریده تا ما بتوانیم با بهره‌گیری از طبیعت، ابزارهای



۱- دنیایی که من می‌بینم، آلبرت اینشتین، ص ۶۱

«فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»

مؤمنون، ۱۴

* دانشمندان در ضمن مطالعه‌ی طبیعت، پی برده‌اند که طبیعت یک تدبیر درونی بسیار دقیق دارد به طوری که خود را از فساد و تباهی حفظ می‌کند. انواع گیاهان و حیوان‌ها، پراکندگی آن‌ها در کره‌ی زمین و بهره‌مندی آن‌ها از یکدیگر به گونه‌ای است که همواره طراوت، شادابی و پویایی طبیعت حفظ می‌شود. این تدبیر درونی، به طور جداگانه در هریک از موجودات، از جمله در بدن انسان نیز مشاهده می‌شود. به طور مثال، در هنگام کمبود آب و غذا احساس تشنگی و گرسنگی می‌کنیم تا با خوردن آب و غذا نیاز بدن تأمین شود و دچار بیماری نشویم. بیش‌تر زخم‌ها و آسیب‌های بدن به وسیله‌ی خود بدن ترمیم می‌شود. میزان قند، چربی و سایر مواد غذایی به وسیله‌ی دستگاه‌هایی تنظیم و کنترل می‌شوند و اگر از حد تجاوز کنند با علامت‌هایی هم‌چون بالا یا پایین آمدن فشارخون به ما اطلاع می‌دهند.

به همین جهت گروهی از دانشمندان دوستدار طبیعت معتقدند که هر جا بشر با علم ناقص خود در طبیعت دخالت کرده، نظم آن را به هم زده و موجبات فساد زمین را فراهم ساخته است. به طور مثال، تولید انبوه مواد پلاستیکی و پراکنده شدن آن‌ها در سطح زمین سبب نامرغوب شدن خاک‌ها شده است. زیرا این مواد، برعکس مواد طبیعی، هزاران سال طول می‌کشند تا در طبیعت تجزیه شود و جزء مواد طبیعی زمین گردند. این گروه از دانشمندان درباره‌ی نابودی زمین یا نامساعد شدن آن برای زندگی نسل‌های آینده هشدارهای جدی می‌دهند. آنان می‌گویند خسارتی که انسان متمدن در صد سال اخیر بر طبیعت وارد کرده، چندین برابر خسارت زندگی هزاران ساله‌ی انسان است. در فروردین ۱۳۸۴ در گزارش بسیار مهمی که به وسیله‌ی صدها دانشمند در سطح جهان به سازمان ملل داده شد و درباره‌ی زیست بوم (اکوسیستم) کره‌ی زمین بود، آمده که بشر ۶۰ درصد امکانات کره‌ی زمین را که تاکنون شناخته، مصرف کرده و بدون جایگزین کردن، فقط ۴۰ درصد را برای فرزندان خود در آینده گذاشته است. گاندی، رهبر مبارزه‌ی مردم هند علیه انگلستان می‌گوید زمین پاسخ‌گوی نیاز انسان هست، اما پاسخ‌گوی آز او نیست. این گروه از دانشمندان پیشنهاد می‌کنند که انسان کم‌تر طبیعت را دست‌کاری کند. آنان

می‌گویند درست است که آدمیان برای رفع نیازهای خود ناچار به استفاده‌ی از طبیعت هستند، اما این استفاده باید به حداقل خود برسد. به‌خصوص که انسان با علم اندک خود به‌گونه‌ای در طبیعت دست می‌برد که آینده‌ی آن به هیچ‌وجه قابل پیش‌بینی نیست. استفاده‌ی بیش از حد از انرژی زمین، استخراج منابع زیرزمینی و خالی شدن فضاهای بزرگی در اعماق زمین، استفاده از مواد شیمیایی برای تولیدات کشاورزی، انهدام نسل بسیاری از گیاهان و جانوران و ده‌ها مسأله‌ی دیگر این دانشمندان را واداشته تا به بشر هشدار دهند که با تکیه بر دانش اندک خود نظام بسیار دقیق، پیچیده و مستحکم طبیعت را به‌خاطر رفاه و آسایش شخصی خود دست‌کاری نکنند و خود را با آن سازگار سازند.

درواقع، خالق هستی چنان نظام دقیق و حکیمانه‌ای بر خلقت حاکم کرده که هرگونه حرکت ناهماهنگ با آن، سبب وارد آمدن خسارت‌های جبران‌ناپذیر به طبیعت و خود می‌شود و امکان زیستن و حیات نسل‌های بعد را مشکل می‌سازد.

این موعظه‌ی حکیمانه و عاقلانه را همواره در نظر داشته باشیم که :

در استفاده از آفریده‌های الهی و بدن خود تا آن‌جا اقدام کنیم که نظام خودکنترلی طبیعت پیرامون و بدن ما مختل نگردد و توانایی اصلاح و بازسازی را از دست ندهد.

تذکر این موعظه به دیگران یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است.

گام اول

همراه با کاروان هستی

جهان از خداست و رو به سوی او دارد؛ حقیقت بزرگی که بر تمام افکار و اعمال تأثیر می‌گذارد و به زندگی‌ام جهت می‌دهد. می‌کوشم که این حقیقت را هرچه بهتر و عمیق‌تر درک کنم و زندگی خود را با آن تنظیم نمایم تا از کاروان هستی عقب‌نمانده و به سرمنزل مقصود برسم.

۱- برخی از آیات قرآن کریم با عبارت «وَمِنْ آيَاتِهِ...» آغاز می‌شود. به آیات ۲۲ تا ۲۵ سوره‌ی روم و ۲۹ سوره‌ی شوریٰ مراجعه کنید و با بهره‌مندی از آن‌ها حکیمانه بودن خلقت را توضیح دهید.

۲- کسی که می‌داند جهان از خداست و رو به سوی او دارد، این عقیده چه تأثیری در زندگی او خواهد داشت؟

۱- با توجه به آن‌چه در خطبه‌ی ۹۰ نهج البلاغه و قسمت «الهام از طبیعت» آمد، دو جدول مانند جدول زیر تنظیم کنید و ویژگی‌های علم الهی و علم انسان و جهان خلقت و مصنوعات انسان را بنویسید.

ردیف	علم الهی	علم انسان
۱
۲
۳
۴

ردیف	جهان خلقت	مصنوعات انسان
۱
۲
۳
۴

۲- در آثار بزرگان علم و دانش تحقیق کنید و نظریات آنان درباره‌ی جهان خلقت را یادداشت نمایید. (منابع: ۱- آفرینش جهان از ژرژ گاموف؛ ۲- اثبات وجود خدا از جان کلورمونا؛ ۳- در جست‌وجوی خدا از جان‌هاتون؛ ۴- حواس اسرارآمیز حیوانات از ویتوس دروشر؛ ۵- دنیایی که من می‌بینم از اینشتین؛ ۶- راز آفرینش انسان از کرسی مورینسن؛ ۷- نشانه‌های او از رضا صدر)

به‌سوی او

ذره‌ای کوچک، نامش اتم
 هسته‌ای در میان و پیرامونش سیاره‌هایی
 پروانه‌وار در گردش.
 دنیایی از حرکت، تکاپو و تلاش
 در حال شدن، در جست‌وجو
 منظومه‌ای بزرگ، نامش کهکشان
 با انبوهی از منظومه‌ها
 هر منظومه، هسته‌ای در میان و پیرامونش سیاره‌هایی
 پروانه‌وار در گردش.
 دنیایی از حرکت، تکاپو و تلاش
 در حال شدن، در جست‌وجو
 منظومه‌ی شمسی، عضوی از کهکشان راه شیری
 طول این کهکشان، هزار میلیون میلیارد (10^{18}) کیلومتر، با صد میلیارد (10^{11})
 ستاره؛ هر ستاره در مرکز یک منظومه، حدود صد میلیارد منظومه در کهکشان راه شیری!
 و در این کهکشان، نزدیک‌ترین ستاره به زمین، در فاصله‌ی چهل هزار میلیارد (4×10^{13})
 کیلومتر! و کهکشان راه شیری، یکی از یک میلیارد کهکشان شناخته شده.
 اگر نوری از آخرین کهکشان شناخته شده هم اکنون به‌سوی زمین حرکت کند،
 حدود ده میلیارد (10^1) سال طول می‌کشد تا به ما برسد!
 آن روز ما کجاایم؟
 کهکشان‌ها در حرکت،
 منظومه‌ها در جست‌وجو،

ستاره‌ها در پویش،
سیاره‌ها در تکاپو،
و جهان در حال شدن،
و زمین، در گوشه‌ای از کهکشان، با سنگ‌ها، خاک‌ها، گیاهان، حیوان‌ها و
انسان، در تلاش

در حال رفتن،
به هر چه می‌نگری، روز بعد، نه، لحظه‌ای بعد گونه‌ای دیگر است، حالی دیگر یافته است.
هرچیزی برای رفتن آمده، از ماندن می‌هراسد،
در ماندن نابودی می‌بیند و در ایستایی، مرگ!
چون می‌رود هست، هست برای این که برود.
به کجا؟

همه چیز رودی شتابان، نه مردابی ساکن. سکوت، قرار و آرام معنا ندارد. اگر خوب
گوش دهی، ترنم جاری جهان را می‌شنوی؛ اگر خوب نگاه کنی قدم‌های شتابان رفتن را
می‌بینی و اگر حسی قوی داشته باشی، نسیم این جریانِ همواره را احساس می‌کنی که:
جهان، یک شکفتن است.

آن قطره‌ی آب که بر صخره می‌چکد،
این دانه که از زمین سر می‌زند،
این ماهی که در دل دریا می‌رقصد،
آن آفتاب که بر عالم می‌تابد،
آن پرنده که در آسمان پرواز می‌کند،
همه سرود رفتن سر داده‌اند، می‌گویند می‌رویم تا بمانیم.
حتی آن گُلّی که در خزان پژمرده می‌شود،
آن دانه‌ای که در خاک می‌رود،
در رستخیزی جدید و تحولی دیگر، می‌شکفند، جان می‌گیرند
طلوع می‌کنند و از خاک برمی‌آیند.
جهان - از ذره‌های اتم تا کهکشان‌های بزرگ - می‌روند،
به سوی او، او که آن‌ها را به سوی خود می‌خواند،

او که باقی و جاودانه است.

او جهان را برای جاودانگی آفرید، برای حیات،
برای زیبایی! برای خود که عین بقا، حیات و زیبایی است.
آن روز که خدا اولین خشت بنای عالم را نهاد،
گل آن را با محبت خود آمیخت
و چنین شد که تمام ذرات هستی رو به سوی او آورد.

و آن روز که گل آدم را سرشت،
به او میل به جاودانگی بخشید، و خود جاودانه‌ترین بود،
به او میل به زیبایی و نیکی داد، و خود خیر و زیبایی مطلق بود،
و از آن روز که آدم به زمین هیبوط کرد،
بنی آدم در هجر آن خیر و زیبایی و کمال، بی‌قرار شد،
و از آن هنگام، در میان بنی آدم، آنان که حقیقت هجران را یافتند؛ مشتاقانه، بر در
هستی می‌کوبند، به امید لقای او و رسیدن به آستان او.
«گفت پیغمبر رکوع است و سجود بر در حق کوفتن حلقه‌ی وجود»^۱
و این چنین، زندگی شدنی به سوی او گردید
و رفتنی تا بی‌نهایت، تا مطلق؛
و این‌گونه بود که حیات، زیبایی و نشاط یافت و اندوه و نگرانی رخت بر بست.

۱- متنی که خواندید، نگاهی بود به جهان و آینده‌ی آن؛ بگویید که چه پیامی را
به شما منتقل می‌کند. چنین نگاهی در زندگی انسان چه تأثیری دارد؟
۲- با قطعه‌ای ادبی، به نثر یا شعر، با طرح یا تصویری زیبا، دیدگاه خود را از
جهان ترسیم کنید.

درس سوم



سرمایه‌های انسان*

در میان کاروان هستی که به سوی خدا در حرکت است، انسان سرنوشت ویژه‌ای دارد. سرانجام او در جهان آخرت این‌گونه است که گروهی به تقرب الهی می‌رسند و بهشت نصیبشان می‌شود و گروهی دیگر سرانجامی تلخ دارند و به جهنم در می‌آیند.

این سرانجام ویژه چه علتی دارد و به کدام دسته از خصوصیات انسان مربوط می‌شود؟ پیش از این که وارد بحث معاد شویم، با تدبر در قرآن کریم، ویژگی‌های انسان را مطالعه می‌کنیم تا او را بهتر بشناسیم و به تفاوت او با سایر موجودات پی ببریم. از این‌رو در این درس می‌خواهیم به پاسخ این پرسش برسیم که:

آیا انسان ویژگی‌هایی دارد که نشان‌دهنده‌ی جایگاه ممتاز او در میان مخلوقات باشد؟

* این درس با استفاده از کتاب «انسان در قرآن» اثر استاد شهید مرتضی مطهری تدوین شده است.

آیات شریفه‌ی زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ
..... وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ
..... وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ
..... وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ
..... مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا

إِسْرَاء، ۷۰

..... فَأَقِمْ وَجْهَكَ
..... لِلدِّينِ حَنِيفًا
..... فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي
..... فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...

پس روی خود را حق گرایانه
به سوی دین الهی نگهدار،
همان سرشت خدایی که
همه‌ی مردم را بر آن سرشته است.

رُوم، ۳۰

..... وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا
..... فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا

سوگند به نفس و آن که سامانش بخشید
آن‌گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد.

شَمْس، ۷ و ۸

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ

إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

انسان، ۳

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا

لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا

وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

عنکبوت، ۶۹

وَلَا أُفْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ
و سوگند به نفس ملامت کننده

قیامت، ۲

... فَبَشِّرْ عِبَادِ

پس بندگان مرا مژده ده

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ

آنان که سخن را می شنوند

فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ،

و بهترین آن را پیروی می کنند

أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ

اینانند که خدا آنان را هدایت کرده

وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ

و اینانند خردمندان

زُمر، ۱۷ و ۱۸

يَا أَيُّهَا النَّاسُ

كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا

وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ

إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

..... إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ

..... وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ

..... مَا لَا تَعْلَمُونَ

بقره، ۱۶۸ و ۱۶۹

..... وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ

..... وَنَعَلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ

..... وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ

..... مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

ق، ۱۶



به کمک عبارات زیر، ترجمه را کامل کنید.

کَفُورٌ : ناسپاس	كَرَّمْنَا : کرامت بخشیدیم
فَضَّلْنَا : برتری دادیم	حَمَلْنَا : برشانندیم، سوار کردیم
سُئِلْنَا : راه‌های خودمان	لَنَهْدِيَنَّهُمْ : حتماً هدایت می‌کنیم آن‌ها را
تُوَسْوِسُ : وسوسه می‌کند	خُطُواتٌ : وسوسه‌ها، قدم‌ها

عوامل رشد

ارزش هر کس به درک و فهم وی از حقیقت هستی و جایگاه خود در نظام آفرینش بستگی دارد. امام علی (ع) در سخنی به این موضوع اشاره می‌کند و می‌فرماید: «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، در کجا قرار دارد و به کجا می‌رود.»^۱

۱- اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین، حسن بن ابی‌الحسن دلمی، مؤسسه آل‌البیت، ص ۳۴۴

روزها فکر من این است و همه شب سختم از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود که چرا غافل از احوال دل خویشتم به کجا می‌روم آخر، نمایی وطنم

اینک جا دارد از خود بیرسیم :

من کیستم؟

و در این کاروان هستی، جایگاهم کجاست؟

خداوندی که خالق ماست، بهترین پاسخ‌دهنده به این سؤال هاست. از این رو به سراغ آیات ابتدای درس می‌رویم و به کمک آن‌ها پاسخ‌ها را به دست می‌آوریم.

● خداوند به ما کرامت بخشیده و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده است.

سوره/آیه
.....

آن چه را که در آسمان‌ها و زمین است برای ما آفریده و توانایی بهره‌مندی از آن‌ها را در وجود ما قرار داده است.



برای این ویژگی، نام مناسب انتخاب کنید:.....

سوره/آیه
.....

● پروردگار، به ما قوه و نیرویی عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و راه درست زندگی را از راه‌های غلط تشخیص دهیم. حقایق را دریابیم و از جهل و نادانی دور شویم.^۲



نام این توانایی چیست؟.....

سوره/آیه
.....

● خداوند، ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم.

۱- دیوان شمس، مولوی

۲- امام کاظم(ع) به هشام بن حکم فرمود: خداوند به اهل عقل و فهم بشارت داده و فرموده: «فبشر عبادالذین...» (کافی، چاپ اسلامیة، ج ۱، ص ۲۰)



برای این ویژگی، نام مناسب انتخاب کنید:

● او، سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش به خود را که گرایش به همه‌ی خوبی‌ها سوره/آیه
..... و زیبایی‌هاست، در ما قرار داد. از این‌رو، هر کس در خود می‌نگرد یا به تماشای جهان می‌نشیند، خدا را می‌یابد و محبتش را در دل حس می‌کند. امیرمؤمنان، علی (علیه‌السلام) فرمود:

«در هیچ چیزی ننگریستم، مگر این که خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم.»^۱
گاهی غفلت‌ها سبب دوری ما از او می‌شود، ولی باز که به خود برمی‌گردیم، او را در کنار خود می‌یابیم و می‌گوییم:

دوست نزدیک‌تر از من به من است	وین عجب‌تر که من از وی دورم
چه کنم با که توان گفت که او	در کنار من و من مهجورم ^۲



برای این ویژگی، نام مناسب انتخاب کنید:

● خدای متعال، شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و سوره/آیه
..... بیزاری از آن را در ما قرار داد، تا به خیر و نیکی رو آوریم و از گناه و زشتی بپرهیزیم. از این‌روست که همه‌ی ما فضائلی چون صداقت، کرامت، عزت نفس و عدالت را دوست داریم و از دورویی، حقارت نفس، ریا و ظلم بیزاریم. و اگر به یکی از گناهان آلوده شدیم، خود را سرزنش و ملامت می‌کنیم و در اندیشه‌ی جبران بر می‌آییم.

۱- علم‌الیقین، ملامحسن فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴۹

۲- گلستان سعدی



نام‌گذاری

۱- برای این ویژگی، نام مناسب انتخاب کنید:

۲- قرآن کریم آن سرزنش‌گر درونی را چه نامیده است:

سوره/آیه
.....

● علاوه بر این سرمایه‌های بزرگ، خداوند، پیامبران و پیشوایان پاک و دلسوزی را همراه با کتاب راهنما برای ما فرستاد تا راه سعادت را به ما نشان دهند و در پیمودن راه حق به ما کمک کنند. همچنین وعده داده است که هر کس در راه خدا، که راه خوشبختی خودمان است، تلاش کند، او را از امدادهای غیبی خود بهره‌مند سازد و در رسیدن به مقصد یاری کند.



نام‌گذاری

برای این نعمت الهی، نام مناسب انتخاب کنید:

موانع رشد

خدای متعال، علاوه بر این که سرمایه‌های رشد و رستگاری را به ما نشان داده، عوامل سقوط و گناه و دور ماندن از سعادت را نیز به ما معرفی کرده است.

سوره/آیه
.....

● او به ما یادآوری می‌کند که عاملی درونی، انسان‌ها را برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی، به گناه دعوت می‌کند و از پیروی از عقل و وجدان باز می‌دارد. این عامل درونی همان است که حضرت علی (علیه السلام) درباره‌اش فرموده:

«دشمن‌ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست»^۱.

نفس، هر دم در درونت در کمین
از همه مردم بتر در مکر و کین
دشمنی داری چنین در سرّ خویش
مانع عقل است و خصم جان و کیش^۲



نام‌گذاری

آیا می‌دانید حضرت یوسف چه نامی بر این نفس نهاده است؟ به آیه ۵۳ سوره‌ی

یوسف مراجعه کنید و نام آن را بنویسید:

۱- اَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسُكَ اَلَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ (اَلْمَحَجَّةُ الْبَيْضَاءُ، ج ۵، ص ۶)

۲- مثنوی مولوی

● همچنین، خداوند از موجود گمراه کننده‌ای خبر می‌دهد که خود را برتر از آدمیان سوره/آیه
..... می‌پندارد و سوگند یاد کرده که فرزندان آدم را فریب دهد و از رسیدن به بهشت باز دارد.^۱ کار او وسوسه کردن و دادن وعده‌های دروغین است و جز از همین طریق، راه نفوذ دیگری در ما ندارد.^۲ این خود ما هستیم که به او اجازه‌ی وسوسه می‌دهیم یا راه فریب را بر او می‌بندیم. او معمولاً از راه‌های زیر ما را گمراه می‌کند:

۱- زیبا و لذت‌بخش نشان دادن گناه.^۳

۲- سرگرم کردن به آرزوهای سراب گونه‌ی دنیایی.^۴

۳- غافل کردن از خدا و یاد او.^۵

۴- ایجاد کینه و دشمنی میان مردم.^۶

همین دشمن، در روز قیامت که کار از کار گذشته و فرصتی برای توبه باقی نمانده، به اهل جهنم می‌گوید: «خداوند به شما وعده‌ی حق داد، اما من به شما وعده‌ای دادم و خلاف آن عمل کردم. البته من بر شما تسلطی نداشتم، فقط شما را به گناه دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید. امروز خود را سرزنش کنید نه مرا. نه من می‌توانم به شما کمکی کنم و نه شما می‌توانید مرا نجات دهید.»^۷

زندگی صحنه‌ی جنگی سخت میان تو و او است؛ جنگی که هر لحظه و هر روز و تا پایان عمر ادامه دارد و بالاخره به پیروزی یک طرف می‌انجامد؛ تو یا او؟ اندکی درنگ؛ بنگر که در کدام مرحله‌ای؟

دشمن را مغلوب کرده‌ای؟ پس، سپاسگزار خدا باش و شادمان!

جنگ ادامه دارد؟ پس، مبارزه را جانانه ادامه بده!

یا تو مغلوب شده‌ای؟ پس، به فکر چاره باش!

و به این پیام امام عصر (عج) توجه کن که می‌فرماید:

هیچ چیز مانند نماز بینی او را به خاک نمی‌مالد.^۸

۱- سوره‌ی ص، ۸۲

۲- سوره‌ی نحل، ۹۸ تا ۱۰۰

۳- سوره‌ی انعام، ۴۳

۴- سوره‌ی محمد، ۲۵

۵- سوره‌ی مجادله، ۱۹ و سوره‌ی مائده، ۹۱

۶- سوره‌ی مائده، ۹۱

۷- سوره‌ی ابراهیم، ۲۲

۸- الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۲۹۸



نام این دشمن چیست؟

آیا می‌دانی خداوند چه موقع بر خود آفرین گفته است؟
آنگاه که خداوند مراحل خلقت انسان و رشد و تکامل وی در رحم مادر را بیان
می‌کند و تحولات پیچیده‌ی زیستی او را یکی پس از دیگری نام می‌برد و از دمیدن روحی
ویژه در او یاد می‌کند، در پایان می‌فرماید:

«فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^۱

پس بزرگ و بزرگوار است خدای یکتا که نیکوترین آفرینندگان است.

آیا می‌دانی چرا خداوند شیطان را از درگاه خود راند و برای همیشه او را طرد
کرد؟

چون فرمان خدا را برای سجده‌ی بر انسان اطاعت نکرد.
اما بی‌وفایی برخی آدمیان را بنگر که در برابر خدا سجده نمی‌کنند و حلقه‌ی بندگی
شیطان به گردن می‌آویزند!

رسول خدا (ص) می‌فرماید: خداوند به چنین انسان‌هایی خطاب می‌کند:
من به خاطر تو شیطان را طرد کردم؛ اما تو او را دوست خود گرفتی و به اطاعت
او درآمدی؟^۲

۱- سوره‌ی مؤنون، ۱۴

۲- المراقبات، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، ص ۳۸ به نقل از کتاب خزائن مرحوم نراقی

- ۱- ارزش‌های وجودی انسان که او را بر سایر موجودات برتری می‌دهد، کدام‌اند؟
- ۲- در آیات ۵۴ و ۵۵ سوره‌ی قمر تأمل کنید و ببینید چه جایگاهی برای انسان‌های پاک و پرهیزکار پیش‌بینی شده است.
- ۳- آیا وجود شیطان مانع اختیار و اراده‌ی ما در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود؟
- ۴- سرمایه‌های الهی در وجود ما را با موانع رشد مقایسه کنید و تقابل میان آن‌ها را توضیح دهید.

پیشنهاد

- ۱- تصویری طراحی کنید که انسان را میان دو دعوت نشان دهد: دعوت پیامبران الهی و دعوت شیطان و سوسه‌گر. همچنین می‌توانید با نوشته‌ای زیبا، حالت انسانی را که در میان این دو دعوت قرار گرفته است، توصیف کنید.
- ۲- با توجه به ودیعه‌های کمال و موانع رشد، برای تقویت سرمایه‌ها و تضعیف موانع چه برنامه‌ای پیشنهاد می‌کنید؟ آن را در جدولی مانند جدول زیر تنظیم نمایید.

پیشنهاد	
اراده و اختیار	ودیعه‌های الهی برای کمال
.....	
.....	
.....	
.....	
.....	
.....	موانع رشد و کمال
.....	

چهارم درس

خود حقیقی

در درس قبل دانستیم که انسان ویژگی‌هایی دارد که او را از سایر موجودات جدا می‌کند و حرکت او به سوی کمال را متمایز می‌سازد. در این درس می‌خواهیم بدانیم که:

آیا این ویژگی‌ها مربوط به همین بُعد مادی و جسمانی اوست یا حقیقتی برتر و فراتر از این جسم نیز دارد؟

آیات شریفه‌ی زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ

..... إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ،

چون او را بیاراستم

وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي

و از روح خود در او دمیدم

فَقَعُوا لَهُ، سَاجِدِينَ

پس برای او به سجده درآیید

ص، ۷۱ و ۷۲

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً

آن‌گاه نطفه را خون بسته‌ای ساختیم

فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً

و آن خون بسته را پاره گوشتی کردیم

فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا

و آن پاره گوشت را استخوان‌ها گردانیدیم

فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا

و بر آن استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم

ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ

سپس او را به آفرینشی دیگر باز آفریدیم

..... فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

مؤمنون، ۱۴

به کمک عبارت‌های زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

تَبَارَكَ: بزرگ و بزرگوار است

طین: گل

در این آیات شریفه تفکر کنید و پیام‌های زیر را که مربوط به سؤال ابتدای

درس است، کامل نمایید.

سوره / آیه	پیام	ردیف
.....	انسان دارای دو بُعد و است.	۱
.....	ابتدا شکل می‌گیرد و سپس دمیده می‌شود.	۲
.....	سجده‌ی فرشتگان برای انسان به خاطر است.	۳
.....	بُعد انسان خلقتی متفاوت با دارد.	۴

از تدبیر در آیات قرآن کریم به دست می‌آید که وجود انسان از دو بُعد جسمانی و روحانی تشکیل شده است؛ بُعد جسمانی و مادی انسان، مانند سایر اجسام و مواد، تجزیه و تحلیل می‌پذیرد و سرانجام، فرسوده و متلاشی می‌گردد و به مکان و زمان نیازمند و محدود است.

در مقابل، بُعد روحانی و غیرجسمانی انسان تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد، متلاشی نمی‌شود و بعد از مرگ بدن، باقی می‌ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی‌دهد.

قوه‌ی تفکر و اندیشه، قدرت اختیار و تصمیم‌گیری، عواطف و احساسات و اخلاق، همه مربوط به این بُعد از وجود انسان است. پس این بُعد است که خود حقیقی ماست و شخصیت واقعی ما را می‌سازد. دانشمندان نشانه‌ها و دلایلی بر وجود این بُعد ذکر کرده‌اند که به دو مورد آن در این جا بسنده می‌کنیم.

الف - ثابت بودن «خود»: هر کس درک روشنی از «خود» دارد و در اثبات وجود چیزی که از آن تعبیر به «من» می‌کند به هیچ‌گونه استدلالی احتیاج ندارد. با آن که در طول زندگی، شکل و قیافه و اعضا و اندام‌های بدن در حال تغییر است و جسم امروز من با جسم زمان نوزادی بسیار متفاوت است، اما می‌گوییم همان کسی هستیم که سال‌ها پیش در فلان روز متولد شدم. امروز درس می‌خوانم

و تصمیم داریم در آینده فلان شغل را انتخاب کنم. وقتی به یاد می‌آورم که در فلان سال یا فلان روز به بنده‌ای از بندگان خدا خدمتی کرده‌ام، احساس خوشحالی می‌کنم. و وقتی به خاطر می‌آورم که در فلان زمان مرتکب خطایی شده‌ام، شرمند می‌شوم و خود را ملامت می‌کنم، از خدا می‌خواهم مرا ببخشد و به من کمک نماید تا گذشته‌ام را جبران کنم. این‌ها می‌رساند که رفتار گذشته‌ام را از خود می‌دانم و از هم‌اکنون برای آینده‌ام نقشه داریم و برنامه‌ریزی می‌کنم. بنابراین هر کس این را در درون خود می‌یابد که گرچه در طول زندگی حالات گوناگون پیدا می‌کند، یک محور ثابت و حقیقت تغییرناپذیر دارد که به پشتوانه‌ی آن می‌گوید: گذشته آن‌گونه بودم و اکنون این‌گونه هستم.

حال، باید دید که این حقیقت ثابت وابسته به جسم و کالبد مادی ما است؟

می‌دانیم که ذرات و مواد تشکیل‌دهنده‌ی بدن و جسم به‌طور مداوم تجزیه و تحلیل می‌شوند و مستهلک می‌گردند. از طریق تغذیه، مواد جدید وارد خون می‌شوند و در اختیار سلول‌ها و بافت‌های بدن قرار می‌گیرند و جایگزین مواد کهنه می‌شوند. بدین ترتیب، بدن انسان مدام در حال تجزیه و تحلیل و بازسازی است. سلول‌های کهنه می‌میرند و سلول‌های جدید جای آن‌ها را می‌گیرند. این سلول‌ها نیز تقسیم می‌شوند و به دو، چهار و یا سلول‌های بیش‌تر افزایش می‌یابند. حتی سلول‌های عصبی و مغز که در طول حیات انسان نمی‌میرند، اما مانند همه‌ی سلول‌های دیگر، مواد تشکیل‌دهنده‌ی آن‌ها به سوخت و ساز خود ادامه می‌دهند؛ یعنی مواد غذایی و اکسیژن را می‌گیرند و مواد زاید خود را بیرون می‌ریزند؛ بنابراین مواد و عناصر درون آن‌ها پیوسته عوض می‌شوند و مواد و عناصر جدیدی جایگزین آن‌ها می‌گردند. از این‌رو، گفته‌اند با گذشت حدود هفت سال، تمام عناصر بدن، عوض می‌شود.

اگر شخصیت یا «من» انسان وابسته به جسم او باشد، باید در دوران عمر بارها عوض شده و به شخص دیگری تبدیل شده باشد. در صورتی که چنین نیست. هر کس این را در خود می‌یابد که کس دیگری جایگزین او نشده و او همواره خودش بوده است. و اگر کارهایی، خوب یا بد، در طول سالیان گذشته انجام داده، همه‌ی این کارها را به همین «خود» نسبت می‌دهد و «خود» را عامل آن کارها می‌داند.

قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد نیز بر پایه‌ی پذیرش همین «من» ثابت بنا شده‌اند. اگر از شخصی که بیست سال قبل کتابی نوشته یا یک قانون علمی را کشف کرده یا خدماتی به جامعه عرضه نموده است، اکنون تجلیل می‌کنیم و یا اگر کسی را که بیست سال قبل، به جنایتی دست‌زده و اکنون دستگیر شده است، محاکمه و مجازات می‌کنیم، بدان جهت است که آنان را همان انسان بیست سال قبل می‌دانیم، گرچه سنی از آنان گذشته و ظاهرشان تغییر کرده است.

علاوه بر این، دیده‌ایم که برخی انسان‌ها قسمتی‌هایی از بدن خود را در حادثه‌ای از دست می‌دهند، اما نه خودشان و نه دیگران، هیچ‌گاه احساس نمی‌کنند که قدری از هویت و «من» او کم شده باشد و این نشان می‌دهد که ثبات هویت و «خود» ما ناشی از ثبات اندام‌های ما نیست.



چرا نمی‌توان این خود ثابت را از ویژگی‌های بُعد جسمانی دانست؟

.....
.....

ب — رؤیاهای صادقه : هر کدام از ما هنگام خواب، رؤیاهایی را مشاهده می‌کنیم که برخی از آن‌ها مطابق با واقعیت هستند و از یک رویداد خارجی حکایت می‌کنند. مثلاً برخی از این قبیل خواب‌ها، خبر از حوادث گذشته یا رویدادهای آینده می‌دهند یا نشان دهنده‌ی مکانی هستند که هرگز در بیداری آن‌جا را ندیده‌ایم و بعدها که به آن‌جا می‌رویم، آن‌چه را در خواب دیده بودیم، در خارج مشاهده می‌کنیم. انسان، در این قبیل خواب‌ها، از ظرف زمان یا مکان خود خارج می‌شود و به زمانی در گذشته یا در آینده می‌رود و یا در مکانی که تا به حال نرفته، قرار می‌گیرد در حالی که جسم او در رختخواب است و چشم و گوش او چیزی نمی‌بیند و نمی‌شنود.



در سوره‌ی یوسف چهار رؤیای صادقه نقل شده است. دو مورد آن را بیان کنید و بگویید تعبیر این خواب‌ها چه بود و چه کسانی آن‌ها را تعبیر کردند؟



چرا نمی‌توانیم رؤیاهای صادقه را به بُعد مادی و جسمانی خود نسبت دهیم؟ مگر بُعد جسمانی ما چه ویژگی‌هایی دارد که نمی‌تواند منشأ این قبیل خواب‌ها باشد؟

.....
.....

بنابر دلایل گفته شده می‌توانیم دریابیم که ما غیر از بُعد جسمانی، بُعد دیگری داریم که در فرهنگ دینی، از آن به «روح» تعبیر شده است. همین بُعد است که توانایی «انتخاب» و «تصمیم‌گیری» می‌دهد، «جاودانگی» را در می‌یابد و آن را طلب می‌کند، به دنبال کمالات نامحدود است و توانایی درک واقعیات و اختراع و ابتکار و اکتشاف به ما می‌بخشد. همین بُعد است که فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی را کسب می‌کند و اگر به فضیلت‌ها آراسته شد، مقرب درگاه خدا و مسجود فرشتگان می‌شود و اگر به رذیلت‌ها تن داد، تا اعماق جهنم سقوط می‌کند.

گام دوم

.....

خدایا تو را سپاس می‌گویم که به من کرامت بخشیدی و بهترین سرمایه‌های جهان خلقت را به من ارزانی داشتی تا توشه‌ی راه کنم و همراه با کاروان هستی به سوی تو بازآیم و در خوبی‌ها و زیبایی‌ها جاودانه شوم.

برای رسیدن به این هدف،

۱- تلاش می‌کنم سرمایه‌هایی را که تو به من بخشیدی بهتر بشناسم.

۲- از این سرمایه‌ها در مسیر رشد و کمال به درستی استفاده کنم.

۳- با توکل بر تو با موانع بیرونی و درونی رشد خود مبارزه کرده و آن‌ها را از سر راه بردارم؛

تا در پایان عمر گرفتار خسران نشوم و حسرت و پشیمانی وجودم را فرانگیرد.

خدایا تو خود یار و پشتیبانم باش!

پنجره‌ای به روشنایی

دانستیم که در میان کاروان هستی، انسان ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که او را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند. اکنون می‌خواهیم تأثیر این ویژگی‌ها را در عاقبت و سرانجام او بررسی کنیم و پاسخ پرسش‌های زیر را به دست آوریم.

چه سرانجامی در انتظار انسان است؟
آیا آینده‌ی او با دیگر آفریده‌ها تفاوت دارد؟
آیا دفتر زندگی وی با مرگ بسته می‌شود؟
یا پس از آن، زندگی به شکل دیگری ادامه می‌یابد؟

آیات شریفه‌ی زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

..... وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ

و سَرَّامِدَى مَعِينٍ وَ مَشْخَصٍ

..... وَ الَّذِينَ كَفَرُوا

از آن چه انذار شدند، رویگردانند. عَمَّا أَنْذَرُوا مُعْرِضُونَ

أحقاف، ۳

بگو در زمین بگردید قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ

و بنگرید فَاَنْظُرُوا

که چگونه خدا آفرینش را آغاز کرد كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ

پس خدا آفرینش آخرت را پدید آورد ثُمَّ اللَّهُ يُنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ

همانا خدا بر هر چیزی تواناست إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

عنكبوت، ۲۰

و خدا آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ

و تا هر کس پاداش یابد وَ لِيُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ

بِمَا كَسَبَتْ
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

بدانچه کرده است،
و به آنها ظلم نمی‌شود

جائیه، ۲۲

..... إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا
..... وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا
..... وَاطْمَأَنُّوا بِهَا
..... وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ
..... أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ
..... بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

یونس، ۷ و ۸

فُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ
بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا
الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَهُمْ يَحْسَبُونَ
أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا

بگو، آیا به شما خبر دهیم که
زیان‌کارترین در کارها چه کسانی هستند؟

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا
بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ
فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ
فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا

آنان کسانی هستند که کفر ورزیدند
به آیات پروردگارشان و دیدار با او
و اعمالشان تباه گردید
پس برای آنها در روز قیامت میزان و
ارزش قرار نمی دهیم.

کَهِف، ۱۰۳ تا ۱۰۵

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
إِلَّا لَهْوٌ وَوَلَعِبٌ
وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ
لَهِيَ الْحَيَوَانُ
لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

.....
.....
.....
.....
.....

عَنْكَبُوت، ۶۴

مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
وَعَمِلَ صَالِحًا
فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

.....
.....
.....
.....

مَائِدَة، ۶۹

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ

وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا

وَهُوَ مُؤْمِنٌ

فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا

اسراء، ۱۹



به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

لايَرْجُونَ : امید ندارند

بَدَأَ : آغاز کرد

سیروا : بگردید، سیر کنید

يَحْسَبُونَ : گمان می‌کنند

ضَلَّ : گم و تباه شد

رَضُوا : راضی و خشنود شدند

كَانُوا يَعْلَمُونَ : می‌دانستند

إِطْمَأْنَوْا بِهَا : بدان اطمینان کردند

حَيَوَانَ : زندگی

صُنِعَ : عملکرد

مَشْكُور : مورد سپاس، مقبول

دو دیدگاه

کودکی که از مادر متولد می‌شود، رحمت الهی را به خانه می‌آورد، شادی و نشاط را در خانواده می‌پراکند و نهال عشق و محبت را در دل مادر و پدر می‌پرورد. این کودک با بازی‌های کودکانه، زیر نگاه پدر و مادر رشد می‌کند تا به دوره‌ی نوجوانی و جوانی می‌رسد. در این دوره، احساس استقلال می‌کند، توانایی‌های جدیدی در خود می‌یابد و جدی بودن زندگی را لمس می‌کند. درمی‌یابد که زندگی آینده به تصمیم‌های امروز او بسته است. به تدریج تصمیم‌هایی می‌گیرد، سرد و گرم زمانه را می‌چشد، فراز و نشیب‌های زندگی را طی می‌کند، دوره‌ی میان‌سالگی و پختگی را هم می‌گذراند تا این که آثار پیری و ضعف آشکار می‌شود. پس از گذشت زمانی، کم یا زیاد، مرگ می‌رسد و دفتر حیات این فرد در دنیا بسته می‌شود؛ پدیده‌ای حتمی که فرا روی ماست و هیچ‌گیزی از آن نیست. انسان‌ها، معمولاً در برخورد با مرگ دو دیدگاه دارند :

دیدگاه منکران معاد

مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا، دفتر عمرش بسته می‌شود و حیات او پایان می‌یابد و رهسپار نیستی می‌شود.



برای شناخت بهتر این دیدگاه در آیات ابتدای درس بیندیشید و پاسخ سؤال‌های زیر را با تدبر در آیات به دست آورید.

ردیف	پیام	سوره / آیه
۱	یکی از اندازهایی که مورد بی‌توجهی کافران قرار می‌گیرد، کدام است؟	
۲	زندگی دنیا، اگر بدون توجه به آخرت باشد، چگونه خواهد بود؟	
۳	زیان‌کارترین مردم چه کسانی هستند؟ و اینان درباره‌ی خود چه فکر می‌کنند؟	

پیامدهای این دیدگاه: از پیامدهای مهم این نگرش برای انسانی که گرایش به جاودانگی دارد، این است که همین زندگی چند روزه نیز برایش بی‌ارزش می‌شود؛ در نتیجه به یأس و ناامیدی دچار شده، شادابی و نشاط زندگی را از دست می‌دهد، از دیگران کناره می‌گیرد و به انواع بیماری‌های روحی دچار می‌شود. گاهی نیز برای تسکین خود و فرار از ناراحتی، در راه‌هایی قدم می‌گذارد که روزه روز بر سرگردانی و یأس او می‌افزاید.

گروهی نیز می‌کوشند که راه غفلت از مرگ را پیش بگیرند، خود را به هر کاری سرگرم می‌سازند تا آینده‌ی تلخی را که در انتظار دارند، فراموش کنند.

- ۱- کدام گرایش درونی است که این دو گروه را به بی‌توجهی به مرگ یا ترس و اضطراب از مرگ می‌کشاند؟
- ۲- آیا گروهی که راه بی‌توجهی و غفلت از مرگ را پیش می‌گیرند، شیوه‌ی درستی را انتخاب کرده‌اند؟ چرا؟

دیدگاه پیامبران الهی

پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمی‌پندارند بلکه آن را غروبی می‌دانند که طلوعی درخشان‌تر در پیش دارد یا پلی به حساب می‌آورند که آدمی را از یک هستی (دنیا) به هستی بالاتری (آخرت) منتقل می‌کند. رسول خدا (ص) فرمود:

برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید، بلکه برای بقا آفریده شده‌اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر منتقل می‌شوید.^۱

از ایشان پرسیدند: با هوش‌ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟

فرمود: آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.^۲
امیر مؤمنان (ع) فرمود:

ای مردم! آدمی در همان حال که از مرگ می‌گریزد، آن را ملاقات می‌کند. دوران زندگی میدان از دست دادن جان است و فرار از مرگ عین نزدیک شدن به آن می‌باشد.^۳



۱- الاعتقادات، شیخ مفید، ص ۴۷

۲- المحجة البيضاء، فیض کاشانی، ۲۴۲

۳- نهج البلاغه، ترجمه‌ی فیض الاسلام، خطبه‌ی ۱۴۹

برای شناخت بهتر این دیدگاه در آیات ابتدای درس بیندیشید و پاسخ سؤال‌های زیر را با تدبیر در آیات به دست آورید.

ردیف	پیام	سوره/ آیه
۱	چرا خداوند فرموده آفرینش این جهان جز بر پایه‌ی حق نیست؟	
۲	آیا خداوند فقط همین دنیا را آفریده است؟	
۳	یکی از نتایج بر حق بودن خلقت جهان که به انسان مربوط می‌شود، چیست؟	
۴	چه تفاوت‌های مهمی میان دنیا و آخرت وجود دارد؟	
۵	چه کسانی در این جهان دچار حزن و ترس از عاقبت زندگی خود نمی‌شوند؟	
۶	چگونه می‌توان یک زندگی نتیجه‌بخش و پر ثمر داشت؟	

پیامدهای این دیدگاه : ۱- اولین پیامد این نگرش، بیرون آمدن زندگی از بن‌بست و باز شدن پنجره‌ی امید و روشنایی به روی انسان و ایجاد شور و نشاط و انگیزه‌ی فعالیت و کار در زندگی است چنین انسانی دارای انرژی فوق‌العاده و همت خستگی‌ناپذیر است و از کار خود لذت می‌برد. او با تلاش و توان بسیار در خدمت به خلق خدا می‌کوشد و می‌داند که هر چه بیش‌تر به دیگران خدمت کند، آخرت او زیباتر خواهد بود. حضرت علی - علیه‌السلام - روزها به نخلستان می‌رفت و به حفر چاه مشغول می‌شد و وقتی به آب می‌رسید، در حالی که عرق از سر و رویش جاری بود، آن را وقف می‌کرد و در اختیار عموم مردم قرار می‌داد. گاه زمین بزرگی را انتخاب می‌کرد و به کاشتن نخل می‌پرداخت و وقتی کار به انجام می‌رسید، آن را وقف مردم و به خصوص محرومان می‌کرد.

۲- اثر دیگر این نگرش، نهراسیدن از مرگ و آمادگی برای فداکاری در راه خداست. خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می کنند و زیبا هم زندگی می کنند، اما به آن دل نمی سپرند؛ از این رو، مرگ را ناگوار نمی دانند. آنان معتقدند که مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که زندگی را محدود به دنیا می بینند یا با کوله باری از گناه با آن مواجه می شوند. ترسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می کنند، بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان ها، با اندوخته ای کامل تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند. از طرف دیگر، همین عامل سبب می شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان تر شود و شجاعت به مرحله ی عالی آن برسد و آن گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد و فداکاری در راه خدا ضروری باشد، انسان ها به استقبال شهادت روند و با شهادت خود، راه آزادی انسان ها را هموار کنند؛ از این رو، آن گاه که حضرت امام حسین (ع) در دو راهی ذلت و شهادت قرار گرفت، شهادت را برگزید و فرمود:

إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً من مرگ را جز سعادت،
 وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ و زندگی با ظالمان را جز ننگ
 إِلَّا بَرَمًا و خواری نمی بینم.^۱

شب عاشورا «حضرت قاسم» فرزند حضرت امام حسن - علیه السلام - نزد عمویش آمد و پرسید:

عموجان آیا من هم شهید می شوم؟
 امام به جای جواب، پرسید: چنین رفتنی پیش تو چگونه است؟
 جواب داد: شیرین تر از عسل!
 امام فرمود: آری، تو هم شهید خواهی شد.



دنیای امروز و غفلت از آخرت

امروزه اندیشمندان به پرسشی بنیادین می‌اندیشند: چرا زندگی انسان عصر جدید با همه‌ی پیشرفت‌ها، گرفتار نوعی عدم تعادل شده است؟ انسان عصر جدید کارهای بزرگی انجام داده است که در گذشته قابل تصور نبود. پیشرفت علمی، رفاه و آسایش، کاهش مرگ و میر ناشی از بیماری‌ها، توسعه‌ی بهداشت، گسترش ارتباطات، توجه به ورزش و شور و نشاط در میدان‌های ورزشی از جمله‌ی این پیشرفت‌هاست.

اما تمام این پیشرفت‌ها سبب کاهش ناراحتی‌ها، بی‌عدالتی‌ها و رسیدن انسان به آرامش نشده است. امروزه صدها میلیون انسان اسیر فقر، گرسنگی و بیماری هستند و این در حالی است که منابع طبیعی و ثروت‌های خدادادی آنان به وسیله‌ی کشورهای محدود غارت می‌شود و عده‌ای اندک با این ثروت‌ها در خوشی و خوش‌گذرانی به سر می‌برند. امروزه تجارت اسلحه، مواد مخدر و مشروبات الکلی از پرسودترین تجارت‌هاست. سلاح‌های کشتار جمعی اتمی و شیمیایی که معمولاً توسط کشورهای ثروتمند ساخته می‌شود، می‌تواند حیات را نابود و کره‌ی زمین را ویران کند. قاچاق زنان و کودکان کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند، تولید انواع مواد مخدرکننده، افزایش ناامنی خانواده‌ها و به خصوص زنان و کودکان و از هم پاشیدن بنیان خانواده از دیگر مشکلات دنیای امروز است.

چرا زندگی بشر در عصری که عصر دانایی نامیده شده، باید با چنین مشکلاتی همراه باشد؟ چرا برخی انسان‌ها آن‌چنان به زندگی دنیوی خود سرگرم‌اند که ناله‌ی گرسنگان و فریاد مظلومان را نمی‌شنوند؟ چرا برخی جوامع در عین برخورداری و رفاه، به انواع مواد مخدر پناه می‌برند و آمار خودکشی‌ها وحشتناک و روزافزون است؟

آیا یکی از علت‌های آن، غفلت انسان امروز از حیات جاودانه‌اش نیست؟ آیا او خویشتن حقیقی خویش را که میل به جاودانگی دارد، فراموش نکرده است و آیا این فراموشی، تعادل حیات او را برهم زده است؟

قرآن کریم، سرنوشت چنین کسانی را که مرگ و زندگی برتر را فراموش کرده‌اند،

این گونه ترسیم می کند :

آنان که دین خود را به سرگرمی و بازی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفت. پس امروز آنان را از یاد ببریم همان طور که آنان دیدار امروزشان را از یاد بردند و آیات ما را انکار می کردند.^۱



- ۱- چرا برخی از افراد با این که بیان می‌کنند آخرت را قبول دارند و از لحاظ فکری آن را پذیرفته‌اند، تلاش چندانی برای آن جهان نمی‌نمایند و در زندگی خود به گونه‌ای عمل می‌کنند که گویی آخرتی در پیش نیست؟
- ۲- آیا توجه به آخرت لزوماً بی‌توجهی به دنیا و عقب‌ماندگی را در پی دارد؟
- ۳- با مطالعه و دقت در آیات ۳۲ تا ۳۷ سوره‌ی مؤمنون، توضیح دهید این آیات بیانگر کدام تفکر درباره‌ی مرگ است؟

- ۱- به آثار و زندگی یکی از شهدای دفاع مقدس، مانند شهید چمران، شهید همت، شهید آوینی یا شهدای شهر و روستای خود مراجعه کنید و ببینید که آنان درباره‌ی زندگی و مرگ چگونه می‌اندیشیدند.^۱
- ۲- با مراجعه به خانواده‌ی شهدای محل خود، به خصوص شهدای دانش‌آموز، وصیت‌نامه‌ی آنان را مطالعه کنید و درباره‌ی انگیزه‌ی شهادت طلبی آنان گزارشی تهیه کنید.

۱- مطالعه‌ی کتاب‌هایی مانند «مجموعه‌ی قصه‌ی فرماندهان»، از حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی و «خدا بود و دیگر هیچ

نبود» اثر دکتر مصطفی چمران توصیه می‌شود.

آینده‌ی روشن

در درس گذشته، دو دیدگاه درباره‌ی مرگ و آینده‌ی انسان را بررسی کردیم و دیدیم که پیامبران الهی، مرگ را گذرگاهی به حیات برتر می‌دانند.

در این درس می‌خواهیم بدانیم:

قرآن کریم با چه دلایلی ما را به زندگی برتر در جهان آخرت راهنمایی کرده است؟

آيات شريفه ي زير را به دقت و زيبا قرائت كنيد.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

لَا رَيْبَ فِيهِ

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا

نساء، ۸۷

أَفَحَسِبْتُمْ

أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا

وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ

مؤمنون، ۱۱۵

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ

وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا

ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ
أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ

ص، ۲۷ و ۲۸



به کمک عبارت‌های زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

لَيَجْمَعَنَّكُمْ (لَ + يَجْمَعُ + نَّ + كُمْ): حتماً شما را جمع می‌کند.
أَصْدَقُ: راستگوتر
أَفْحَسِبْتُمْ: آیا پنداشته‌اید
أَمْ: یا
فُجَّارٌ: جمع فاجر (بدکار)

قانون عقل و خبر پیامبران

اگر سیم برقی را که بدون حفاظ است، بر دیوار منزل خود مشاهده کنیم و یکی از اعضای خانواده به ما خبر دهد که در آن برق جریان دارد، از دست زدن به آن خودداری می‌کنیم. زیرا در این‌گونه موارد از یک قانون عقلی پیروی می‌کنیم که می‌گوید: «دفع خطر احتمالی لازم است.»
حال اگر با خبری مواجه شویم که از قطعی‌ترین خبرهاست، با آن چگونه برخورد می‌کنیم؟ آن هم خبری که درباره‌ی زندگی ابدی ماست.

مهم‌ترین خبری که انبیاء درباره‌ی آینده‌ی بشر آورده‌اند، خبر از معاد و سرای آخرت است. همه‌ی آنان پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده و آن را لازمه‌ی ایمان به خدا دانسته‌اند. قرآن کریم با چنان صراحت و قطعیتی از آخرت یاد می‌کند که جای هیچ شک و شبهه‌ای را باقی نمی‌گذارد. در این کتاب الهی، بعد از توحید و یکتاپرستی، درباره‌ی هیچ موضوعی به اندازه‌ی معاد سخن نرفته است.^۱

۱- حدود ۱/۴ آیات قرآن کریم به موضوع معاد اشاره دارد.



پیام آیات (۱)

۱- کدام یک از آیات ابتدای درس خبر از جهان آخرت به ما می‌دهد؟ در

این آیه بر چه نکاتی درباره‌ی قیامت تأکید شده است؟

.....
.....

۲- وقتی که می‌بینیم قرآن کریم این گونه از آخرت خبر می‌دهد، وظیفه‌ی

ما چیست و چه تصمیمی باید بگیریم؟

.....
.....

قرآن کریم تنها به خبر دادن از آخرت قناعت نکرده و بارها با دلیل و برهان ضرورت آن را ثابت کرده است. از جمله راه‌هایی که قرآن کریم برای بیان ضرورت معاد بر آن‌ها تأکید کرده است، عبارتند از:

۱- حکمت الهی

۲- عدل الهی



پیام آیات (۲)

کدام یک از آیات ابتدای درس، ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی را بیان

می‌کند؟ پیام اصلی آن‌ها چیست؟

.....
.....

ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی

حکیم کسی است که کارهایش هدفمند است و به نتایج صحیح و درست منتهی می‌شود. از این رو خدای حکیم، مرتکب کار عبث و بیهوده نمی‌شود، زیرا کار عبث از جهل و نادانی سرچشمه می‌گیرد. هر موجودی را برای هدف شایسته‌ای خلق می‌کند و امکانات رسیدن به آن هدف را هم به او عطا می‌نماید و اگر تمایلات و گرایش‌هایی در وجودش قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش‌بینی

کرده است. به طور مثال، در مقابل احساس تشنگی و گرسنگی حیوانات، آب و غذا را آفریده تا بتوانند تشنگی و گرسنگی خود را برطرف نمایند.

حال اگر به وجود خود توجه کنیم، می بینیم که هر انسانی گرایش به بقا و جاودانگی دارد و از مرگ و نابودی گریزان است و بسیاری از کارهای خود را برای حفظ و بقای خود انجام می دهد. همچنین هر انسانی طالب و خواستار همه ی کمالات و زیبایی هاست و این طلب به هیچ حدی محدود نمی شود. او به دنبال پایان ناپذیرها و افول ناشدنی هاست.^۱

دنیایی که در آن زندگی می کنیم و عمر محدود انسان ها پاسخ گوی این گونه نیازها نیست. نمی شود که خداوند عشق به خود و حیات ابدی را در وجود کسی قرار دهد و سپس او را در حالی که مشتاق اوست، از هستی بیندازد. نمی شود که انسان های با ایمان و درستکار با پیروی از دین و تبعیت از فطرت و عقل به درجاتی از رشد و کمال برسند و با رسیدن مرگ دفتر زندگی آنان بسته شود و همه ی کمالات کسب شده را از دست بدهند. چنین کاری از خداوند حکیم محال است و هرگز سرنخواهد زد.



باتوجه به پیام آیات (۲) و توضیحات فوق، استدلال کنید که براساس حکمت الهی

چه آینده ای در انتظار انسان است؟

مقدمه :

.....
.....
.....

نتیجه :

.....
.....

۱- همان طور که حضرت ابراهیم (ع) فرمود: «لَا أُحِبُّ الْأَقْلِينَ» (انعام، ۷۶)

کدام یک از آیات ابتدای درس، ضرورت معاد براساس عدل الهی را بیان

می‌کند؟ پیام اصلی این آیه چیست؟

.....

ضرورت معاد براساس عدل الهی

عدل یکی از صفات الهی است. خداوند عادل است و جهان را بر عدل استوار ساخته است.

رسول خدا (ص) می‌فرماید :

بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ^۱ ؛ **آسمان‌ها و زمین براساس عدل پابرجاست.**

زندگی انسان‌ها نیز در داخل این نظام عادلانه قرار دارد؛ از این رو، خداوند وعده داده است که

هرکس را به آنچه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نگرداند.

اما زندگی انسان در دنیا به گونه‌ای است که امکان تحقق این وعده را نمی‌دهد. زیرا :

الف - پاداش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا، در دنیا امکان‌پذیر نیست.

همچنین پاداش کسی که کارهای نیک فراوانی دارد و به جمع زیادی از انسان‌ها خدمت کرده

است، با توجه به عمر محدودی که دارد، میسر نیست.

ب - مجازات بسیاری از کسانی که به دیگران ستم کرده‌اند در این دنیا عملی نیست.

برای مثال، مجازات کسی که افرادی را به قتل رسانده یا مانع رشد استعدادها و بسیاری از انسان‌ها

شده است، در این جهان ممکن نیست. و اگر جهان دیگری نباشد، که ظالم را به مجازات واقعی اش

برسانند و حق مظلوم را باز ستانند، بر نظام عادلانه‌ی خداوند ایراد وارد می‌شود.

۱- عوالی اللالی، ابن ابی‌جمهور الاحسایی، ج ۴، ص ۱۰۲

با توجه به پیام آیات (۳) و توضیحات گفته شده استدلال کنید که چرا براساس عدل خداوند، وجود عالم دیگری ضروری است.

مقدمه :

.....

نتیجه :

.....

پاسخ به یک اشکال

برخی از افراد در امکان معاد و چنین واقعه‌ی عظیمی در تردیدند. آنان که فکر می‌کنند حقیقت انسان همین بُعد جسمانی اوست، می‌گویند چگونه ممکن است همه‌ی انسان‌ها، پس از مرگ و پوسیده و متلاشی شدن، دوباره زنده شوند؟^۱

قرآن کریم از دو جهت به این سؤال پاسخ می‌دهد :

۱- حقیقت وجود انسان، نفس و روح اوست و این حقیقت، هنگام مرگ نابود نمی‌شود بلکه توسط فرشته‌ی مرگ به تمام و کمال دریافت می‌گردد.^۲

۲- پاسخ دیگر قرآن کریم مربوط به امکان آفرینش مجدد جسم برای پیوستن به روح در آخرت است. این پاسخ خود به سه گونه طرح شده و به اثبات آفرینش مجدد جسم پرداخته است.

۱- سوره‌ی واقعه، ۴۷ و ۴۸

۲- سوره‌ی سجده، ۱۱



تدبر در آیات

با تفکر در آیات زیر، نحوه استدلال قرآن کریم بر معاد جسمانی را توضیح دهید و این سه گونه پاسخ را به دست آورید.

۱- آیات ۳ و ۴ سوره قیامت

۲- آیات ۷۸ و ۷۹ سوره یس

۳- آیات ۹ سوره فاطر و ۱۹ سوره روم

.....

.....


.....

.....



اندیشه و تحقیق

- ۱- میان حکمت خداوند و ضرورت معاد چه ارتباطی هست؟
- ۲- میان عادل بودن خداوند و ضرورت معاد چه ارتباطی وجود دارد؟
- ۳- تعدادی از کارهای نیک و تعدادی از گناهان را که در این دنیا قابل پاداش و مجازات نباشند، ذکر کنید.



پیشنهاد

- ۱- آیه ۲۵۹ سوره بقره داستان عزیر پیامبر علیه السلام را ذکر می کند. موضوع این آیه شریفه را در قالب داستان تنظیم کنید.
- ۲- در آیات ۴۵ تا ۴۸ واقعه، ۵ قیامت و ۱۱ و ۱۲ مُطَفِّفین تأمل کنید و ببینید چه زمینه ها و انگیزه هایی سبب انکار معاد می شود.
- ۳- در آیات ۲۱ و ۲۲ سوره جاثیه تدبر کنید و ببینید کدام یک از دلایل مربوط به ضرورت معاد در آنها طرح شده است.

منزلگاه بعد

آیا انسان‌ها پس از مرگ، به‌طور مستقیم، وارد جهان آخرت می‌شوند؟

یا پیش از شروع حیات اُخروی، مرحله‌ی دیگری را پشت سر خواهند گذاشت؟

آیا مرحله‌ی پس از مرگ، دوران بی‌خبری است؟

میان دنیا و مرحله‌ی پس از آن چه رابطه‌ای وجود دارد؟
برای دریافت پاسخ این سؤال‌ها، ابتدا به پیشگاه قرآن کریم می‌رویم و سپس از کلام پیشوایان دین کمک می‌گیریم.

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید .

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ
قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

آنگاه که مرگ یکی از آنها فرارسد
می گوید: پروردگارا! مرا بازگردانید

لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا
فِيمَا تَرَكْتُ
كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا
وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ
إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ

باشد که عمل صالح انجام دهم
آنچه را در گذشته ترک کرده ام
هرگز! این سخنی است که او می گوید
.....
.....

مؤمنون، ۹۹ و ۱۰۰

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ
ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ
قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ
قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ
قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً
فَتُهَاجَرُوا فِيهَا

.....
.....
.....
.....
.....

فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ

.....

وَسَاءَتْ مَصِيرًا

.....

نساء، ۹۷

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ

.....

يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

.....

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ

.....

بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

.....

نحل، ۳۲

فَوَقَاهُ اللَّهُ

پس خدا او را حفظ کرد

سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا

از بدی‌های نیرنگ آنان

وَ حَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ

و احاطه کرد آل فرعون را

سَوْءُ الْعَذَابِ

بدترین عذاب.

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا

آنان بر آتش عرضه می‌شوند

غُدُوًّا وَعَشِيًّا

هر بامداد و شامگاه

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ

و آن‌گاه که قیامت بر پا شود

ادْخُلُوا آلَ فِرْعَوْنَ

(ندا می‌رسد) وارد کنید آل فرعون را

أَشَدَّ الْعَذَابِ

در شدیدترین عذاب

غافر، ۴۵ و ۴۶

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ
وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ
همانا که ما مردگان را زنده می‌کنیم
و اعمالی را که پیش فرستاده‌اند و
آثارشان را ثبت می‌نماییم.

یس، ۱۲

يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ
بِمَا قَدَّمَ وَآخَرَ
در آن روز به انسان خبر داده می‌شود
به آنچه پیش فرستاده و آنچه پس فرستاده است.

قیامة، ۱۳



به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

لَعَلِّي: لَعَلَّ + ی	فِيمَ: فی + ما: در چه	تَوَفَّاهُمْ: جانشان را می‌گیرند
أَلَمْ تَكُنْ: آیا نبود	نُحْيِي: زنده می‌کنیم	ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ: ستم‌کننده‌ی به خودشان
تَتَوَفَّاهُمْ: دریافتشان می‌کند		طَيِّبِينَ: پاکیزگان

عالم برزخ

قرآن کریم از وجود عالمی پس از مرگ، به نام «برزخ» خبر می‌دهد. برزخ در لغت به معنای فاصله و حایل میان دو چیز است. عالم برزخ نیز میان زندگی دنیایی و حیات اخروی قرار گرفته و آدمیان، پس از مرگ وارد آن می‌شوند و تا قیامت در آن جا می‌مانند. این عالم دارای ویژگی‌های زیر است:

۱- پس از مرگ، گرچه فعالیت‌های حیاتی بدن متوقف می‌شود، اما فرشتگان حقیقت وجود انسان را که همان روح است، «توفی» می‌کنند، یعنی آن را به‌طور تمام و کمال دریافت

می‌نمایند. بنابراین گرچه بدن حیات خود را از دست می‌دهد، اما روح همچنان به فعالیت آگاهانه‌ی خویش ادامه می‌دهد.

۲- در این عالم، انسان با فرشتگان گفتگو می‌کند و پاسخشان را می‌شنود. همچنین سوره/آیه
..... اموری را درک و مشاهده می‌کند که درک آن‌ها در دنیا ممکن نبود. به‌طور مثال، اعمالی را که در دنیا انجام داده، مشاهده می‌کند.

۳- بخشی از پاداش و جزای مردم در عالم برزخ داده می‌شود. مؤمنان در «بهشت برزخی» و کافران در «جهنم برزخی» که تجلی کوچکی از بهشت و جهنم آخرت است، روزگار می‌گذرانند.

۴- ارتباط عالم برزخ با دنیا، پس از مرگ نیز همچنان برقرار است، بدین معنا که پرونده‌ی اعمال انسان‌ها با مرگ بسته نمی‌شود و پیوسته بر آن افزوده می‌گردد. همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید، اعمالی که انسان در زمان حیات خود انجام می‌دهد، دارای آثاری هستند که برخی از این آثار بعد از حیات او هم باقی می‌ماند. آثاری را که بعد از مرگ از اعمال انسان بر جا می‌ماند، «ما تأخر» می‌نامند. یعنی با این که فرد از دنیا رفته، پرونده‌ی عملش همچنان گشوده است و آثار عمل در آن ثبت می‌گردد. همچنین به اعمال و آثاری که پیش از مرگ در پرونده اعمال فرد ثبت شده است، «ما تقدم» می‌گویند.

به‌طور مثال، کسی مسجدی می‌سازد تا مردم در آن خدا را عبادت کنند و وظایف اجتماعی خود را انجام دهند، تا وقتی که این فرد زنده است، به خاطر هر کار خیری که در مسجد صورت می‌گیرد، به او پاداش می‌دهند. این پاداش، مربوط به مسجد ساختن و آثار ماتقدم آن است. پس از مرگ او نیز تا زمانی که از مسجد استفاده می‌کنند، در پرونده‌ی عمل او پاداش می‌نویسند و بر حسنات او می‌افزایند. این افزایش حسنات نیز مربوط به آثار ما تأخر است.



نمونه‌هایی از اعمال را ذکر کنید که دارای آثار طولانی خوب یا بد هستند

و بعد از حیات شخص ادامه می‌یابند.

برزخ در کلام پیشوایان

برای این که با جزئیات بیش‌تری از احوال برزخیان آشنا شویم، از سخنان پیشوایان دین بهره

می‌بریم :

۱- در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا آن کشتگان را ندا داد : ای فلان، ای فلان، آنچه پروردگارتان به ما وعده داده بود، حق یافتیم؛ آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟

گفته شد : ای رسول خدا، آیا ایشان را می‌خوانی درحالی که مردگان‌اند؟

فرمود : قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنواترند، و فقط بر

پاسخ دادن توانا نیستند.^۱

۲- شخصی از امام کاظم (ع) درباره‌ی وضع مؤمنان پس از مرگ پرسید : آیا مؤمن به دیدار

خانواده‌ی خویش می‌آید؟

فرمود : آری.

پرسید : چقدر؟

فرمود : برحسب مقدار فضیلت‌هایش. برخی از آنان هر روز و برخی هر دو روز و برخی هر سه

روز و کمترین آنان هر جمعه.^۲

۳- امام صادق (ع) فرمود : هنگامی که مرده‌ای را در قبر می‌گذارند، شخصی بر او ظاهر می‌شود و

به او می‌گوید : ای فلان، ما (در دنیا) سه چیز بودیم : رزق تو که با پایان یافتن مهلت تو قطع شد (و اینک

همراه تو نیست)، خانواده‌ات که تو را رها کردند و بازگشتند و من که عمل تو هستم که با تو می‌مانم. آگاه

باش که من در میان این سه، در نزد تو از همه بی‌ارزش‌تر و سبک‌تر بودم.^۳

۴- رسول خدا (ص) می‌فرماید : هر کس سنت و روش نیکی را در جامعه جاری سازد، تا وقتی

که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می‌کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می‌گذارند، بدون

این که از اجر انجام‌دهنده‌ی آن کم کنند و هر کس سنت زشتی را در بین مردم باب کند، تا وقتی که مردمی

بدان عمل کنند، گناه آن را به حساب او نیز می‌گذارند، بدون این که از گناه عامل آن کم کنند.^۴

۱- المحجة البيضاء فیض کاشانی، ج ۸، ص ۲۹۸.

۲- کافی، کلینی، کتاب الجنائز، باب ان المیت یزور اهله، روایت ۵.

۳- حیات جاودانه، امیر دیوانی ص ۲۳۳ به نقل از کافی، کتاب الجنائز، باب ان المیت یمثل له ماله، روایت ۱.

۴- تفسیر میزان، ذیل آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی یس.

۵- امام صادق (ع) فرمود: شش چیز است که مؤمن، بعد از مرگ نیز از آن‌ها بهره‌مند می‌شود: فرزند صالحی که برای او طلب مغفرت کند، کتاب قرآنی که از آن قرائت شود، چاه آبی که حفر کرده (و به مردم آب می‌دهد)، درختی که کاشته است، آبی که برای خیرات جاری کرده و روش پسندیده‌ای که بنا نهاده و دیگران پس از وی، آن را ادامه می‌دهند.^۱



با تفکر در گفته‌های معصومین (ع) و ارتباط دادن آن‌ها با آیات اول درس، سؤال‌های زیر را پاسخ دهید.

۱- دوره‌ی برزخ دوره‌ی بی‌خبری است یا دوره‌ی هوشیاری و آگاهی؟ از کدام حدیث برای جواب خود استفاده می‌کنید؟

پاسخ:

.....

.....

۲- چه تفاوت‌هایی میان دنیا و برزخ وجود دارد؟

پاسخ:

.....

.....

۳- چه چیزی است که از دنیا با انسان به برزخ می‌رود و از او جدا نمی‌گردد؟

پاسخ:

.....

.....

۱- بحار الانوار، ج ۶ ص ۲۹۴.

- ۱- از کلمه‌ی «تَوْفَى» در قرآن کریم، برای اشاره به کدام بُعد از وجود انسان استفاده شده است و نشان‌دهنده‌ی چیست؟
- ۲- با توجه به این که پرونده‌ی عمل انسان، پس از مرگ او همچنان باز است، بهتر است که ما در برنامه‌ریزی‌های خود چه اصلی را رعایت کنیم؟
- ۳- بنا بر سخن امام صادق (ع) کدام چیزهاست که پس از مرگ نیز با انسان همراه است؟

در شهر شما انسان‌های نیکوکاری بوده‌اند که آثار خیری از خود به یادگار گذاشته‌اند که نتیجه‌ی آن‌ها همچنان در پرونده‌ی اعمالشان ثبت می‌شود. درباره‌ی آن‌ها تحقیق کنید و کارهای خیر آن‌ها را گزارش نمایید.

درس هشتم

واقعه‌ی بزرگ

واقعه‌ی قیامت چگونه اتفاق می‌افتد؟

چه مراحل طی می‌شود تا نیکوکاران به بهشت و بدکاران به جهنم

درآیند؟

آیا راهی برای درک این مراحل هست؟

خدای بزرگ آن واقعه‌ی عظیم و حوادث قبل و بعد آن را به روشنی

در قرآن کریم بیان کرده است. به پیشگاه قرآن می‌رویم تا پاسخ این سؤال‌ها

را دریابیم.

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... وَنُفِخَ فِي الصُّورِ

..... فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ

..... وَمَنْ فِي الْأَرْضِ

..... إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ

..... ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى

..... فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ

..... وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا

..... وَوُضِعَ الْكِتَابُ

..... وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ

..... وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ

..... وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

زُمر، ۶۸ و ۶۹

ما ترازوهای دادگری را

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ

لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ

در روز قیامت بر پا می کنیم

فَلَا تُظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا

پس به هیچ کس کمترین ستمی نشود

وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ

و اگر (عمل) به اندازه‌ی دانه‌ی خردلی باشد،

أَتَيْنَا بِهَا

آن را بیاوریم

وَكَفَىٰ بِنَاحِسِبِّينَ

و ما برای حسابرسی کافی هستیم.

انبیاء، ۴۷

فَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

پس آن که نامه‌ی عملش را به دست

راستش دهند

فَيَقُولُ هَٰؤُلَاءِ أَقْرَعُوا كِتَابِيَةَ

گوید: بیاید نامه‌ی عمل مرا بخوانید

حاقه، ۱۹

وَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ

و کسی که نامه‌اش را به دست چپش می دهند

فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيَةَ

گوید: کاش نامه‌ی عملم، به من داده نمی شد

حاقه، ۲۵

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ

.....

اعراف، ۸

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ

شما را از آن (زمین) خلق کردیم

وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ

و به آن باز می گردانیم

وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ

و شما را بار دیگر از آن خارج می کنیم.

طه، ۵۵



به کمک توضیحات زیر ترجمه را تکمیل کنید.

أُخْرَى: دیگر بار	صور: صور، شیپور
صَعِقَ: بیهوش شد(می شود)، مُرد (می میرد)	وَضِعَ: قرار داده شد (می شود)
تُفِخَ: دمیده شد (می شود)	شُهَدَاءَ: گواهان
جاءَ بِ: آورده شوند	أَشْرَقَتْ: روشن شد(می شود)
اوتِيَ: داده شد	فُضِيَ: قضاوت شد (می شود)

پایان دوران زندگی انسان‌ها در این جهان با برپایی قیامت همراه است. این رخداد بزرگ که در آیتانی از قرآن کریم ترسیم شده، در دو مرحله انجام می‌گیرد و در هر مرحله وقایع خاصی رخ می‌دهد.

الف – مرحله‌ی اوّل

در این مرحله که با پایان یافتن دنیا آغاز می‌شود، حوادث زیر اتفاق می‌افتد:

۱- **نفخ صور اوّل:** اولین حادثه، نفخ صور است. نفخ صور واقعه‌ی سهمگینی است که قرآن کریم از آن به «صیحه» نیز یاد کرده است. این صدای مهیب آسمان‌ها و زمین را فرا می‌گیرد و آن‌چنان ناگهانی رخ می‌دهد که همه را غافل‌گیر می‌کند.

۲- **مدهوشی اهل آسمان‌ها و زمین:** همه‌ی اهل آسمان‌ها و زمین، جز آن‌ها که خداوند خواسته است، مدهوش می‌شوند و بساط حیات انسان و سایر موجودات برچیده می‌شود.

۳- **تغییر در ساختار زمین و آسمان‌ها:** تحولی عظیم در آسمان‌ها و زمین رخ می‌دهد، آن‌گونه که وضع کنونی تغییر می‌کند. این تغییر چنان عمیق است که آسمان‌ها و زمین به آسمان‌ها و زمینی دیگر تبدیل می‌شوند تا مناسب احوال و شرایط قیامت گردند.



آیات اول تا پنجم سوره‌ی انشقاق و اول تا ششم سوره‌ی تکویر را مطالعه کنید و تحولاتی را که برای زمین و آسمان پیش می‌آید یادداشت نمایید.

.....
.....

ب - مرحله‌ی دوم

در این مرحله وقایعی رخ می‌دهد تا انسان‌ها آماده‌ی دریافت پاداش و کیفر شوند.

سوره/آیه
۱- **نفخ صور دوم**: بار دیگر بانگ سهمناکی در عالم می‌پیچد و حیات مجدد انسان‌ها آغاز می‌شود.

سوره/آیه
۲- **زنده شدن همه‌ی انسان‌ها**: با این نفخ صور، همه‌ی مردگان دوباره زنده می‌شوند و از قبرها بیرون می‌آیند و در پیشگاه خداوند حاضر می‌گردند.

سوره/آیه
۳- **نورانی شدن زمین**: با نوری از جانب پروردگار، زمین روشن می‌شود تا سرگذشت انسان‌ها و حوادث تلخ و شیرین و کارهای نیک و بد آن‌ها را که دیده است، آشکار کند. با این نورانیت، پرده‌ها کنار می‌رود و واقعیت حوادثی که بر زمین گذشته است، پدیدار می‌گردد.

سوره/آیه
۴- **بر پا شدن دادگاه عدل الهی**: با آماده شدن صحنه‌ی قیامت، رسیدگی به اعمال آغاز می‌شود. ابتدا کتابی قرار داده می‌شود که در آن کتاب، همه‌ی اعمال انسان‌ها از کوچک و بزرگ ثبت است. مردم اعمال خود را در آن کتاب می‌یابند و گناهکاران می‌گویند این چه کتابی است که هیچ کار کوچک و بزرگی را از قلم نینداخته و همه را به حساب آورده است.^۱

سوره/آیه
۵- **حضور شاهدان و گواهان**: براساس آیات و روایات، پیامبران و امامان شاهدان دادگاه عدل الهی هستند؛ همان‌گونه که در دنیا ناظر و شاهد بر اعمال انسان‌ها بوده‌اند. آنان همچنین معیار سنجش اعمال دیگر انسان‌ها می‌باشند و چون ظاهر و باطن

۱- سوره‌ی کهف، ۴۹.

اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند و از هر خطایی مصون و محفوظ‌اند، بهترین گواهان قیامت‌اند. رسول خدا (ص) نیز شاهد و ناظر بر همه‌ی پیامبران و امت‌هاست.^۱

علاوه بر شهادت پیشوایان، شاهدان دیگری نیز حضور دارند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

الف – فرشتگان الهی؛ فرشتگان در طول زندگی انسان‌ها همواره مراقب آن‌ها بوده و تمامی اعمال آن‌ها را ثبت و ضبط کرده‌اند.^۲

ب – اعضای بدن انسان؛ برخی آیات و روایات از شهادت اعضای بدن انسان یاد می‌کنند. بدکاران در روز قیامت سوگند دروغ می‌خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال، خداوند بر دهان آن‌ها مهر خاموشی می‌زند و اعضا و جوارح آن‌ها به اذن خداوند شروع به سخن می‌کنند و علیه صاحب خود شهادت می‌دهند.



در آیات ۲۰ تا ۲۲ سوره‌ی فصلت بیندیشید و نکاتی را که درباره‌ی شهادت دادن اعضای انسان بیان کرده، ذکر نمایید.

۶- قضاوت بر معیار حق: پس از آماده شدن صحنه‌ی قیامت و حضور شاهدان، اعمال، افکار و نیت‌های انسان‌ها در ترازوی عدل پروردگار سنجیده می‌شود. معیار و وسیله‌ی سنجش اعمال، حق است؛ یعنی، به میزانی که اعمال مشتمل بر حق و عدل باشد، ارزشمند و سنگین است، در غیر این صورت، سبک خواهد بود و وزنی نخواهد داشت و چون اعمال پیامبران و امامان عین حق و حقیقت است، معیار و میزان سنجش اعمال سایرین قرار می‌گیرد. هر چه عمل انسان‌ها به راه و روش آنان نزدیک‌تر باشد، ارزش افزون‌تری خواهد داشت.

۷- دادن نامه‌ی اعمال: نامه‌ی عمل نیکوکاران را به دست راست و نامه‌ی عمل بدکاران را به دست چپ آن‌ها می‌دهند. نامه‌ی عمل انسان با نامه‌های ثبت شده در دنیا تفاوتی اساسی دارد. نامه‌های این دنیا، صرفاً گزارشی از عمل است که به صورت کلمات و نوشته درآمده اما نامه‌ی عمل انسان به گونه‌ای است که خود عمل و حقیقت آن را دربردارد. از این‌رو، تمام اعمال انسان در قیامت حاضر می‌شوند و انسان عین اعمال خود

۱- نساء، ۴۱.

۲- انفطار، ۱۰ تا ۱۲.

را می‌بیند. کارهای خوب با صورت‌های بسیار زیبا و لذت‌بخش تجسم می‌یابند و کارهای بد با صورت‌های بسیار زشت و وحشت‌زا و آزاردهنده مجسم می‌شوند.

از امام صادق (ع) پرسیدند: هنگامی که قیامت برپا می‌شود و نامه‌ی اعمال انسان را به او می‌دهند و از او می‌خواهند که آن را بخواند، آیا او با آنچه در نامه هست، آشناست؟

در پاسخ فرمودند: **خداوند متعال «به یاد او» می‌آورد؛ لذا هیچ چشم برهم زدن و گام برداشتن و سخن و عملی نیست که به یاد نیاورد؛ چنان‌که گویی در همان لحظه انجام داده است.**^۱



۱- البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، ج ۲، ص ۴۷۱.

- ۱- آیات ۵۱ و ۵۲ سوره یس را مطالعه کنید و بگویید که نفع صور ذکر شده در این آیات مربوط به مرحله‌ی اول است یا دوم؟ همچنین، کافران پس از خروج از قبرها چه می‌گویند؟
- ۲- چه شرایطی بر قضاوت در قیامت حاکم است که سبب می‌شود هیچ ظلمی اتفاق نیفتد؟
- ۳- با این که خداوند حاکم دادگاه است، چه نیازی به شهادت شاهدان وجود دارد؟

- ۱- با مراجعه به آیات زیر، توضیح دهید که قرآن کریم چگونه خروج انسان‌ها از زمین را با تشبیه به چه چیزی، تبیین کرده است :
آیات ۵۷ سوره اعراف، ۱۹ سوره روم، ۹ سوره فاطر، ۱۱ سوره زخرف و ۱۱ سوره ق.
- ۲- خود را تا چه اندازه برای قیامت آماده کرده‌ایم؟ کارهای خود را محاسبه و ارزیابی کنیم؛ اگر موفق هستیم، شکرگزار خداوند باشیم و بدون آن که مغرور شویم بر تلاش خود بیفزاییم و اگر کم‌تر احساس موفقیت می‌کنیم، تصمیم بگیریم گذشته را جبران کنیم و برای موفقیت از خداوند کمک بخواهیم. دفتر برنامه‌ی زندگی هم که در سال قبل پیشنهاد شد، یادمان نرود.

درس نهم

فرجام کار

در درس گذشته خواندیم که در آستانه‌ی قیامت، چه حوادثی اتفاق می‌افتد و دادگاه عدل الهی چگونه تشکیل می‌شود. شاهدان و گواهان شهادت می‌دهند و نامه‌ی عمل انسان به او داده می‌شود.

در این درس می‌خواهیم با بهره‌مندی از قرآن کریم، سرانجام و سرنوشت انسان را تا جایگاه ابدی دنبال کنیم و دریابیم:

- ۱- زندگی نیکوکاران و گناهکاران در آخرت چگونه است؟
- ۲- چه رابطه‌ای میان اعمال ما و پاداش و جزای آخرت وجود دارد؟

آیات شریفه‌ی زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا

.....

إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا

.....

حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا

.....

فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا

.....

وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا

و نگهبانان جهنم به آنان گویند

أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ

آیا رسولانی از خودتان برایتان نیامدند

يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ

که آیات پروردگارتان را بر شما می‌خواندند

وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا

و شما را از دیدار این روزتان می‌ترساندند

قَالُوا بَلَىٰ

گفتند: چرا، (آمدند)

وَلَكِنَّ حَقَّ كَلِمَةُ الْعَذَابِ

اما فرمان عذاب مسلم شده است

عَلَىٰ الْكَافِرِينَ

بر کافران

زمر، ۷۱

قِيلَ ادْخُلُوا

.....

أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا

.....

فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ

زمر، ۷۲

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ

إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا

حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا

وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا

وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

طَبَّتُمْ

فَادْخُلُوا خَالِدِينَ

زمر، ۷۳

و گویند ستایش خدای

که وعده‌اش را بر ما راست گردانید

و زمین را به ما میراث داد

که در بهشت جای گیریم

در هر جا که بخواهیم

پس چه نیک است پاداش عمل‌کنندگان

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ

الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ

وَأَوْزَنَنَا الْأَرْضَ

نَتَبَوَّءُ مِنَ الْجَنَّةِ

حَيْثُ نَشَاءُ

فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

زمر، ۷۴

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا

.....

يَرَهُ

.....

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا

.....

يَرَهُ

.....

زلزال، ۷ و ۸



به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

سَيْقٌ : رانده می‌شوند	زُمْرًا : گروه گروه	حَزَنَةً : جمع خازن، نگهبانان
يُنْذِرُونَ : هشدار می‌دهند	بِئْسَ : چه بد است	مَثْوًى : جایگاه
طَبْثُمُ : پاک شدید	يَرَهُ : آن را می‌بیند	مِثْقَالٌ : اندازه، همسنگ



در آیات قبل بیندیشید و مراحل را که هریک از نیکوکاران و گناهکاران باید طی کنند، یادداشت نمایید.

شماره	نیکوکاران	گناهکاران
۱
۲
۳
۴
۵

۱- جایگاه گناه کاران

پس از پایان محاکمه، دوزخیان گروه گروه به سوی جهنم رانده می شوند. وقتی بدان جا می رسند، درهای جهنم باز می شود. جهنم هفت در دارد^۱ که راه های ورود گروه های مختلف جهنمی است. آن گاه کافران و مجرمان، هر دسته، در جایگاه مناسب خود افکنده می شوند؛ جایگاهی بسیار تنگ.^۲ آتش جهنم بسیار سخت و سوزاننده است. این آتش حاصل عمل خود انسان هاست و لذا از درون جان آن ها شعله می کشد.^۳ هر بار که آتش فرو می نشیند، شراره ای بر آن می افزاید و آن را شعله ورتر می کند.^۴ این آتش و عذاب از خود کافران و مجرمان و ستمکاران سرچشمه می گیرد. وقتی به جهنم افکنده می شوند به آن ها می گویند: شما و آنچه را می پرستیدید، هیزم دوزخ خواهید بود.^۵ مأموران عذاب، ملائکه ای هستند بسیار سخت گیر و شدیدالعمل و از انجام وظیفه ی خود سرپیچی نمی کنند.^۶

در این حال، ناله ی حسرت دوزخیان برمی خیزد و می گویند: ای کاش خدا را فرمان می بردیم و پیامبر او را اطاعت می کردیم،^۷ دریغ بر ما، به خاطر آن کوتاهی هایی که کردیم! آنان به خداوند می گویند: پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم، ما را از این جا بیرون بر که اگر به دنیا باز گردیم عمل صالح انجام می دهیم.

پاسخ قطعی خداوند این است که آیا در دنیا به اندازه ی کافی به شما عمر ندادیم تا هر کس می خواست به راه آید؟^۸ ما می دانیم اگر به دنیا بازگردید همان راه گذشته را پیش می گیرید.^۹ آنان گاهی دیگران را مقصر می شمارند و می گویند: بزرگان ما و شیطان سبب گمراهی ما شدند.^{۱۰} شیطان می گوید خدا به شما وعده ی راست داد و من به شما وعده ی دروغ دادم و من بر شما تسلطی نداشتم. من فقط شما را فراخواندم و شما نیز این دعوت را پذیرفتید. مرا ملامت نکنید، خود را ملامت کنید.^{۱۱}

به نهبانان جهنم رو می آورند تا آن ها برایشان از خداوند تخفیفی بگیرند ولی فرشتگان می گویند: مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟ آنان می گویند: بلی! فرشتگان نیز تقاضای آن ها را نمی پذیرند و درخواستشان را بی جا می دانند.^{۱۲}

۴۴- حجر،	۲- فرقان، ۱۳	۳- همزه، ۴ تا ۷
۴- اسراء، ۹۷	۵- انبیاء، ۹۸ و جن، ۱۵	۶- تحریم، ۶
۷- احزاب، ۶۶	۸- فاطر، ۳۷	۹- انعام، ۲۸
۱۰- احزاب، ۶۷	۱۱- ابراهیم، ۲۲	۱۲- غافر، ۴۹ و ۵۰



با تفکر درباره‌ی خود ببینید چه زمینه‌هایی ممکن است شما را به سوی گناه بکشاند. آن‌ها را بیابید و برنامه‌ای برای از بین بردن آن زمینه‌ها تنظیم کنید.

آن دسته از زمینه‌ها را که قابل طرح در کلاس هستند، با دیگران در میان گذارید و درباره‌ی آن‌ها گفت‌وگو کنید.

۲- جایگاه نیکوکاران

نیکوکاران و رستگاران را به سوی بهشت راهنمایی می‌کنند. بهشت آماده‌ی استقبال و پذیرایی از آن‌هاست و چون بهشتیان سررسند، درهای آن به روی خود گشوده می‌بینند. بهشت هشت در دارد که بهشتیان از آن درها وارد می‌شوند.^۱ یک در مخصوص پیامبران و صدیقان و یک در مخصوص شهیدان و درهای دیگر برای گروه‌های دیگر است.^۲ نگهبانان بهشت به آنان سلام می‌کنند و خوشامد می‌گویند و به آنان وعده می‌دهند که همیشه در این جایگاه نیکو، در امنیت و سلامت به سر خواهند برد.^۳ رستگاران، می‌گویند خدای را سپاس که به وعده‌ی خود وفا کرد و این جایگاه زیبا را به ما عطا کرد. هر جای آن که بخواهیم ساکن می‌شویم. هر یک از بهشتیان در درجه‌ای خاص از بهشت قرار می‌گیرند. رسول خدا(ص) فرموده است: **بالاترین درجه‌ی بهشت فردوس است و اگر چیزی از خدا می‌خواهید، فردوس را طلب کنید.**^۴

رنج و بدی به بهشتیان نمی‌رسد^۵ و هر چه دل‌هاشان تمنا کند و دیدگانشان را خوش آید، آماده می‌بینند.^۶ در بهشت هیچ آلودگی و ناپاکی وجود ندارد. کسی سخن لغو و گناه‌آلود نمی‌گوید. گفتارشان سلام و درود است.^۷ خدا را سپاس می‌گویند که حزن و اندوه را از آنان زدوده و از رنج و درماندگی

۱- امام باقر علیه‌السلام - به نقل از کنز العمال، ج ۱۴، ص ۴۵۱

۲- خصال شیخ صدوق، باب هشتاد، ص ۴۰۷

۳- زمر، ۷۳

۴- مجمع البیان طبرسی، ج ۳، ص ۴۹۸

۵- حجر، ۴۸

۶- زخرف، ۷۱

۷- واقعه، ۲۵ و ۲۶

دور کرده است.^۱ علاوه بر این، بالاترین مرتبه‌ی نعمت‌های بهشت لقاء و دیدار اوست که اولیای خدا در طلب آن هستند و به شوق آن زندگی می‌کنند.^۲

بهشتیان با خدا هم صحبت‌اند و به جمله‌ی «خدایا! تو پاک و منزّهی» مترنم‌اند.^۳ بهشت برای آنان سرای سلامتی (دارالسلام) است،^۴ زیرا هیچ نقصانی، اندوهی، غصه‌ای، خوف و ترسی، عجزی، مرضی، جهلی، مرگ و هلاکتی، و خلاصه هیچ ناراحتی و رنجی در آن‌جا نیست. نعمت‌های دائمی آن هیچ‌گاه خستگی و سستی و ملالت نمی‌آورد. در آن‌جا انسان همیشه تازه و شاداب و سرحال است و همواره احساس طراوت و تازگی می‌کند. یکنواختی برای او معنایی ندارد. هر روز چیز تازه‌ای می‌خواهد و هرچه را هم درخواست کند آماده می‌یابد.

زنان و مردان بهشتی در زیباترین و جوان‌ترین صورت و قیافه در بهشت به سر می‌برند. ازدواج آنان سرشار از عشق، لذت و سرور است و این سرور هیچ‌گاه تبدیل به ناخوشی و دلزدگی نمی‌شود. همسران بهشتی خوش‌رفتار و زیبارو، جوان و شاداب، پاک و طاهر، شادکام و مسرور، خوش و خرم، بدون غصه و خشم و پیوسته عاشق و خرسند از همسر خود هستند.^۵ در بهشت، هم خداوند از انسان راضی است و هم وی از خدا رضایت دارد.^۶



🌀 بار دیگر خود را ارزیابی کنید، توانایی‌ها و استعدادهای درونی خود را برای حرکت سریع‌تر به سوی خوبی‌ها و نیل به بهشت جاویدان کشف نمایید. سپس برای استفاده‌ی بهتر از آن‌ها برنامه‌ریزی کنید. عهد و پیمان با خدا و جدی بودن در تصمیم را فراموش نکنید.

۱- فاطر، ۳۴ و ۳۵

۲- دعاهای خمس عشره از امام سجاد (ع)

۳- یونس، ۱۰

۴- یونس، ۲۵

۵- واقعه، ۲۲ تا ۲۴ و ۳۵ تا ۳۷؛ الرحمن، ۷۰ تا ۷۷

۶- توبه، ۱۰۰

۷- برای اطلاع بیشتر از ویژگی‌های بهشت به جلد ۱۰ معادشناسی از علامه حسینی تهرانی و کتاب «معاد» استاد قراشتی مراجعه کنید.

رابطه‌ی میان عمل و پاداش و کیفر

از سؤال‌های قابل توجه این است که رابطه‌ی اعمال با جزا و پاداش اخروی چگونه است؟ برای رسیدن به پاسخ، لازم است انواع مختلف رابطه‌ی میان عمل و جزای آن را بررسی کنیم و در پایان ببینیم که آیات قرآن کریم ما را به کدام نوع راهنمایی می‌کند. رابطه‌ی میان عمل و جزای آن سه گونه است:

۱- گاهی پاداش و کیفر براساس مجموعه‌ای از قراردادها تعیین می‌شود؛ مانند این که اگر کارگر در طول روز، کار معینی را انجام دهد، دستمزد مشخصی به‌ازای آن کار دریافت می‌کند. همچنین اگر کسی مرتکب جرمی شود، مطابق با قوانین و مقررات به پرداخت جریمه‌ی نقدی یا زندان و نظایر آن محکوم می‌شود. رابطه‌ی میان آن کارها و این گونه پاداش‌ها و کیفرها یک رابطه‌ی قراردادی است و انسان‌ها می‌توانند با وضع قوانین جدید این رابطه‌ها را تغییر دهند؛ برای مثال، اگر کیفر جرمی زندان است، آن را به پرداخت جریمه‌ی نقدی تبدیل کنند. آنچه در این جا اهمیت دارد، تناسب میان جرم و کیفر است تا عدالت برقرار گردد.

۲- پاداش و کیفری که محصول طبیعی خود عمل است؛ مثلاً اگر کسی سیگار بکشد و بهداشت را رعایت نکند، به امراض گوناگونی مبتلا می‌شود. همچنین اگر کسی اهل مطالعه و تحقیق باشد، به‌طور طبیعی به‌علم و آگاهی دست می‌یابد یا اگر روزانه مقداری ورزش کند به سلامت و تندرستی خود کمک کرده است. این پاداش و کیفر محصول عمل است و انسان‌ها نمی‌توانند با وضع قوانین، آن را تغییر دهند بلکه باید خود را با آن تطبیق دهند و با آگاهی کامل از آن سود برند و سعادت زندگی خویش را تأمین کنند.



رابطه‌ی عمل و پاداش و کیفر را در هر یک از این دو قسمت مطالعه

کنید و تفاوت‌های دیگری که به نظرتان می‌رسد، یادداشت نمایید.

نوع اول	نوع دوم
.....
.....
.....

۳- نوع دیگری از رابطه‌ی میان عمل و پاداش و کیفر وجود دارد که عمیق‌تر و کامل‌تر از این دو است. همان‌طور که در بحث از نامه‌ی عمل دیدیم، آنچه انسان با خود به قیامت می‌برد، صورت حقیقی اعمالی است که اکنون در این دنیا برای ما قابل مشاهده نیست. هر عملی یک جنبه‌ی مادی و ظاهری و یک جنبه‌ی باطنی و غیبی دارد. جنبه‌ی مادی و ظاهری بعد از عمل از بین می‌رود، اما جنبه‌ی باطنی و غیبی هرگز از بین نمی‌رود و در نفس و روح باقی می‌ماند. در واقع، هر عملی که از ما سر می‌زند، دو نقش دارد؛ نقشی در جان ما دارد و نقشی در خارج. نقش خارجی از بین می‌رود ولی نقشی که در جان ما دارد، باقی می‌ماند و از بین رفتنی نیست. از این رو، قرآن کریم می‌فرماید: وقتی قیامت فرا می‌رسد، انسان اعمال خود را حاضر می‌یابد و می‌شناسد، گرچه به اندازه‌ی ذره‌ای باشد.^۱



در آیات ابتدای درس بیندیشید و ببینید کدام آیه برای نوع رابطه‌ی میان عمل و جزا دلالت دارد.

.....

بنابراین، در عرصه‌ی قیامت، تصویر اعمال انسان یا گزارشی از عمل انسان نمایش داده نمی‌شود بلکه خود عمل نمایان می‌شود و هر کس عین عمل خود را می‌بیند. رسول خدا (ص) در ضمن نصایحی که به یکی از یاران خود می‌کرد، فرمود:

برای تو ناچار هم‌نشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی‌گردد، با تو دفن می‌شود در حالی که تو مرده‌ای و او زنده است. این هم‌نشین تو اگر شریف باشد، تو را گرامی خواهد داشت و اگر شریف نباشد، تو را به دامان حوادث می‌سپارد. آن‌گاه آن هم‌نشین با تو محشور می‌گردد و در رستخیز با تو برانگیخته می‌شود و تو مسئول آن هستی. پس دقت کن، هم‌نشینی که انتخاب می‌کنی نیک باشد؛ زیرا اگر او نیک باشد، مایه‌ی انس تو خواهد بود و در غیر این صورت، موجب وحشت تو می‌گردد. آن هم‌نشین، کردار توست.^۲

بنابراین، فرشتگانی که کارنامه‌ی عمل انسان را تنظیم می‌کنند، حقیقت اعمال را ثبت و

۱- کهف، ۴۹ و تکویر، ۱۴

۲- معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۳۳

نگهداری می‌نمایند؛ نه این که گزارشی بنویسند و آن گزارش را در قیامت نشان دهند. و همان‌طور که امام صادق (ع) فرمود، همین عمل در دوره‌ی برزخ به‌صورت یک شخص بر انسان ظاهر می‌شود و انسان بدان آگاه می‌گردد.

اگر شخصی عمر خود را براساس حق و حقیقت سپری کرده و به تحصیل فضایل و کمالات پرداخته است، همین کمالات و فضایل در آخرت برای او آشکار می‌گردند و در بهشت به صورت نعمت‌های گوناگون جلوه‌گر می‌شوند اما اگر زندگی خود را بر گناه، حق‌کشی و ستم بناکرده، همین زشتی‌ها در آخرت به صورت عذاب‌هایی گریبان او را خواهند گرفت. از این‌رو، قرآن کریم خطاب به کسانی که زر و سیم می‌اندوزند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، می‌فرماید که روزی با همین سیم و زرهای پر پشت‌ها و پهلوهایشان داغ می‌زنند و به آن‌ها می‌گویند: بچشید آنچه را می‌اندوختید! فردی نیز که در دنیا از اموال کودکان یتیم غذا تهیه کرده و خورده است، این غذا در آخرت در شکم او آش می‌شود و او را می‌سوزاند.



هشدار!

خدای متعال ما را از عذاب دوزخیان آگاه می‌کند و هشدار می‌دهد؛ خدایی که مهربان‌ترین است. همین هشدار هم از روی مهربانی است. عظمت عذاب‌های جهنم نشانی از عمق گناهان انسان است. درست است که عذاب‌های بزرگ، مربوط به گناهان بزرگ و انسان‌های جنایت‌پیشه است، اما توجه کنیم که اگر هر یک از ما مراقب خود نباشیم، ممکن است روزی در دام شیطان گرفتار آییم. یک نگاه شهوت‌انگیز به نامحرم، یک دروغ و یک ناسزا به دوست، هر کدام تیری رها شده از کمان شیطان و دامی گسترده از جانب اوست که اگر ادامه یابد، فرصت تیراندازی و دام‌گستری بیش‌تری به او می‌دهد.

همین امروز در اطراف ما در نقاط مختلف دنیا فاجعه‌های بزرگی رخ می‌دهد که هر وجدان زنده‌ای را متأثر و جریحه‌دار می‌کند. برخی از انسان‌ها از حصار آرزوها و

۱- توبه، ۳۵؛ همچنین در آیه ۱۴ ذاریات می‌فرماید «ذوقوا فِئْتَنَاتِكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهٖ تَسْتَعْجِلُونَ» و در آیه‌ی ۵۵

سوره‌ی عنکبوت می‌فرماید: «وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».

تمایلات شخصی خارج شده‌اند و رنج و درد دیگران، آسایش و قرار را از آنان می‌گیرد. اینان انسان‌های دردمندی هستند که زندگی خود را وقف نجات دیگر انسان‌ها کرده‌اند و خود را شریک غم و شادی آنان می‌دانند. برخی دیگر نه تنها سرگرم کار خود بوده و در حصار خودخواهی محصور شده‌اند و درد و رنج دیگران به گوششان نمی‌رسد بلکه خود عامل این دردها و رنج‌ها هستند. برخی از دردها و رنج‌ها آن قدر عمیق است که درک و احساس آن برای کسانی که بدان مبتلا نشده‌اند، غیرممکن است. امروزه میلیون‌ها کودک در سراسر جهان در خیابان‌ها روز و شب خود را به سر می‌آورند، میلیون‌ها خانواده با فقر و گرسنگی دست به گریبان‌اند. امروزه میلیون‌ها نوجوان و جوان و بزرگسال با اعتیاد به مواد مخدر زندگی خود و خانواده‌ی خود را نابود کرده‌اند و افراد معدودی در کاخ‌ها و باغ‌های خود با ثروتی که از نابودی این خانواده‌ها کسب کرده‌اند، سرگرم خوش‌گذرانی و لذت‌اند. آیا تولیدکنندگان بمب‌های شیمیایی عاملان اصلی درد و رنج جانبازان شیمیایی کشور ما نیستند؟ آیا آنان می‌توانند درد و رنج سالیان دراز یک جانباز را و غم و اندوه همراه با عزت و کرامت خانواده‌ی او را درک کنند و احساس نمایند؟

کاش اینان به هشدارهای پیامبران الهی و خیرخواهان جهان توجه می‌کردند. آیا اینان همان جهنمیانی نیستند که حسرت جرعه‌ای آب خنک بر دلشان خواهد ماند؟ آیا اینان لایق این عذاب‌ها نیستند؟

هیچ کدام از جنایتکاران، جانی متولد نشده‌اند. آنان مانند هر انسان دیگری فطرت پاک داشتند. به تدریج و قدم به قدم از گناهان کوچک به سمت گناهان بزرگ و بزرگ‌تر کشیده شده‌اند و کارشان بدان جا رسیده است که هر حقیقتی را انکار می‌کنند و هر عمل زشتی را مرتکب می‌شوند.

ای دریده پوستینِ یوسفان	گرگ برخی‌زی از این خواب‌گران
گشته‌گران یک‌به‌یک خواهی تو	می‌درانند از غضب اعضای تو
ز آنچه می‌بافی همه روزه بپوش	ز آنچه می‌کاری همه روزه بنوش ^۱

۱- مثنوی، دفتر چهارم.

بشارت

همان‌طور که خداوند به گناهکاران هشدار می‌دهد، به نیکوکاران نیز بشارت یک زندگی زیبای ابدی را داده است. برآستی که زندگی محدود دنیا با آن زندگی جاودان قابل مقایسه نیست. این پاداش غیرقابل حساب، در مقابل چیست؟ جز برای عبادت خداوند، رعایت حقوق مردم، کمک به نیازمندان، مبارزه با ستمگران، راستگویی و کارهایی از این قبیل و دوری از گناهانی است که خداوند ما را از آن‌ها نهی کرده است؟

پس مژده به آنان که همت می‌کنند، فرمان خدای خود را می‌پذیرند و با درستکاری و عمل صالح زندگی دنیایی خود را به پایان می‌برند. ببینید که رسول خدا (ص) و پیشوایان گرامی ما چه بشارت‌های زیبایی به ما می‌دهند:

۱- رسول خدا (ص) فرمود: بهشت دری دارد به نام «باب مجاهدین» که انسان‌های مجاهد در راه خدا از آن در وارد بهشت می‌شوند در حالی که شمشیرهای خود را در نیام دارند وارد بهشت می‌شوند و فرشتگان به آنان خیرمقدم می‌گویند، درحالی که مؤمنان دیگر هنوز در محل حساب هستند.^۱

۲- روزی رسول خدا (ص) چهار خط روی زمین کشیدند و فرمودند: آیا می‌دانید این خط‌ها علامت چیست؟ یاران گفتند: خدا و رسول خدا بهتر می‌دانند.

رسول خدا (ص) فرمود: برترین زنان بهشت چهار نفرند: خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه.^۲

۳- امام صادق (ع) فرمود:

بر شما باد تلاوت قرآن؛ زیرا درجات بهشت به تعداد آیات قرآن است. چون روز قیامت شود، به خواننده‌ی قرآن گویند: بخوان و بالا برو! و هر آیه‌ای را که بخواند، یک درجه بالا می‌رود.^۳

۴- رسول خدا (ص) فرمود: سخاوت درختی از درختان بهشت است که شاخه‌های آن در دنیا آویزان است. هر کس با سخاوت باشد، خود را به شاخه‌ای از

۱- امالی شیخ صدوق، ص ۳۴۴

۲- خصال شیخ صدوق، چاپ سنگی، ج ۱، ص ۹۶

۳- امالی شیخ طوسی، چاپ سنگی، ص ۳۰۲

شاخه‌هایش آویزان کرده است و آن شاخه‌ها او را به بهشت می‌کشاند.^۱

۵- رسول خدا (ص) می‌فرمود: هر وقت به بوی بهشت اشتیاق پیدا می‌کنم، بوی دخترم فاطمه را استشمام می‌کنم.^۲

این همان پدری است که به دختر گرامیش می‌فرمود: فاطمه جان، برای فردای قیامت خود کار بکن که در آن روز دختر رسول خدا بودن برایت سودمند نیست.

۶- رسول خدا (ص) در معراج خود از بهشت دیدن کرد و هشت در بهشت و نعمت‌های بهشتی را مشاهده کرد. ایشان این مشاهدات را برای مردم بیان کردند. از جمله فرمودند: بر بالای هر دری از بهشت جملاتی نوشته بود. بر بالای در اول این عبارات بود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ.^۳

۷- امام علی (ع) می‌فرماید: اگر با چشم دل به آن چه از بهشت برایت بیان شده، نگاه کنی، روح تو از مخلوقات زیبای دنیا، از شهوات و لذت‌هایش، از زر و زیورهای دیدنی‌اش دوری خواهد کرد و افکار ت زده‌ی درختانی خواهد شد که شاخه‌هایش به هم پیوسته و ریشه‌هایش در دل تپه‌هایی از مشک فرو رفته است؛ درختانی که بر سواحل نهرهای بهشت قرار دارد. و اندیشه‌ات حیران‌خوشه‌هایی از لؤلؤهای تازه خواهد شد که به شاخه‌های این درخت آویزان است و سرگشته‌ی پدید آمدن میوه‌های مختلفی می‌شود که در حال بیرون آمدن از غلاف‌های خود است؛ میوه‌هایی که به آسانی و به دلخواه هر کس چیده می‌شود.

میزبانان بهشتی از میهمانان بهشت که در مقابل قصرهای خود فرود آمده‌اند، با غسل‌های خالص و پاک و شراب پاکیزه‌ای که مستی نمی‌آورد، پذیرایی می‌کنند. میهمانان بهشت، متقیانی هستند که خود را از گناه نگه داشته و در نتیجه از ناراحتی‌های انتقال به برزخ و آخرت در امان مانده‌اند.

ای انسان، اگر قلب خویش را متوجه زیبایی‌هایی کنی که در بهشت در انتظار توست، و پیوسته درباره‌ی آن‌ها بیندیشی، روح از شوق و اشتیاق به آن‌ها، به سوی بهشت پرواز خواهد کرد.^۴

۱- امالی شیخ طوسی، چاپ سنگی، ص ۳۰۲

۲- عیون اخبار الرضا، ص ۶۵

۳- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴ و ۱۴۵

۴- نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۶۵

گام سوم

تجدید عهد

خدایا! اکنون که آینده‌ی بزرگ و سرنوشت
جاوید من به زندگیم در دنیا گره خورده است،
بار دیگر با تو پیمان می‌بندم، آنچه را لازمه‌ی آن
سرنوشت جاوید است، آماده سازم و خود را مهیای
حضور در سرای دیگر کنم.
خدای من! فرمان‌هایت را می‌پذیرم و اطاعت
می‌کنم.

خدایا! مرا در اطاعت خودت یاری فرما!

- ۱- آیا در مجازات آخرت که مجازات از نوع سوم است، ظلم امکان پذیر و قابل تصور است؟ چرا؟
- ۲- چه تفاوت‌هایی میان ویژگی‌های آخرت با دنیا و برزخ وجود دارد؟ آن تفاوت‌ها را در جدولی مانند جدول زیر تنظیم کنید.

شماره	دنیا	برزخ	آخرت
۱
۲
۳
۴
۵

- ۳- رسول خدا (ص) فرمود: «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ».
- یک کشاورز ماهر برای این‌که زراعت پر محصولی داشته باشد، پنج شرط را رعایت می‌کند:
- ۱- زمین مناسب انتخاب می‌کند.
 - ۲- بذر سالم تهیه می‌کند.
 - ۳- زمین را به موقع آبیاری و از کودهای مناسب استفاده می‌کند.
 - ۴- زمین را از خس و خاشاک و علف‌های هرز پاک می‌کند.
 - ۵- مواظب است که آفات و حیوانات به کشت او ضرر نرسانند.
- اگر «دل» بهترین و مناسب‌ترین زمین برای کشت محصول آخرت است، چهار شرط دیگر کدام‌اند؟

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-



فقط یک بار به دنیا می‌آیی،
فقط یک بار خداوند زندگی را به تو هدیه می‌کند؛
اما، در سرایی دیگر همواره خواهی بود؛
اگر این فرصتِ یک‌باره را از دست دهی،
چه خواهی کرد؟

گرچه یک بار به دنیا می‌آیی
اما یادت باشد که هر صبح، تولدی دوباره است؛
تولدی از خود، با خود و به دست خود.
امام علی (ع) فرمود: «هرکس دو روزش مساوی باشد، باخته است.»
و تو با تولد همواره‌ی خود در دنیا، در صبح زیبای بهشت می‌سرایي که:
ستایش خدایی را که در وعده‌اش با ما صادق بود و زمین را به ما میراث داد تا در
بهشت، هر جا که خواهیم جای‌گزینیم. پس چه نیک است پاداش اهل عمل.^۱



مرحله دوم

پایداری در عزم



یادآوری

در سال گذشته دانستیم که مرحله‌ی دوم برنامه‌ی زندگی، تصمیم‌گیری است. پس از این که مقصد را شناختیم و به آن ایمان آوردیم، نوبت به تصمیم‌گیری و عزم می‌رسد. یعنی با خدای خود عهد و پیمان می‌بندیم که برای رسیدن به مقصد تلاش کنیم و به سوی آن حرکت نماییم. این عهد و پیمان، خود دارای سه مرحله است:

۱- عهدی کلی برای قدم گذاشتن در راه

۲- تجدید آن عهد به صورت روزانه

۳- تکمیل عهد، با برنامه‌ریزی‌های جدید

همچنین با برخی عوامل تقویت و دوام این تصمیم‌گیری آشنا شدیم، مانند:

۱- تسریع در انجام تصمیم

۲- توجه به حضور در پیشگاه خداوند و فرشتگان

۳- توجه به عاقبت و ثمرات پایداری در تصمیم

۴- داشتن دوست همفکر و همراه

۵- رعایت اصل اعتدال

۶- رعایت اصل تدریج و تداوم

نیز دانستیم که پس از عهد بستن با خدا دو کار دیگر را باید انجام دهیم:

۱- مراقبت از عهد

۲- محاسبه و ارزیابی از میزان موفقیت

اکنون می‌خواهیم بدانیم برای موفقیت در تصمیم‌گیری‌های خود چه کارهای

دیگری باید انجام دهیم.

اعتماد بر او

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ.

آیا خدا برای بنده اش کافی نیست؟

زمر، ۳۶

اکنون که با آینده ی انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسان ها براساس رفتار آنان در دنیا تعیین می شود، لازم است بار دیگر با خدای خود «تجدید عهد» کنیم و تصمیم بگیریم راه زندگی را محکم تر و مطمئن تر از گذشته، همان گونه که خدا از ما خواسته است، بپیماییم و عوامل تقویت کننده ی عزم را به یاد داشته باشیم و در هر برنامه ای به کار بندیم.

در این درس، با یکی دیگر از عوامل تقویت عزم آشنا می شویم.

آیات شریفه‌ی زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(ای پیامبر) به (برکت) رحمت الهی	فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ
در برابر آنان نرم و مهربان شدی	لِنتَ لَهُمْ
اگر درشت‌خو بودی	وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا
سنگدل	غَلِيظَ الْقَلْبِ
از اطرافت پراکنده می‌شوند	لَإِنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ
.....	فَاعْفُ عَنْهُمْ
.....	وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ
.....	وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ
.....	فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
.....	إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

آل عمران، ۱۵۹

.....	وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ
.....	وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ
.....	وَكْفِي بِهِ

بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا

.....

فرقان، ۵۸

وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ

.....

مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

.....

لَيَقُولَنَّ اللَّهُ

.....

قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ

بگو چه می گویند

مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

درباره‌ی آنچه جز خدا می خوانید؟

إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ

اگر خدا خواهد که به من گزند رسد

هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّيهِ

آیا آنان دورکننده‌ی گزند او هستند؟

أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ

یا اگر رحمتی برای من خواهد

هَلْ هُنَّ مُمَسِّكَاتُ رَحْمَتِيهِ

آیا آنان بازدارنده‌ی رحمت او هستند؟

قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ

.....

عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

.....

زمر، ۳۸



به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

عَزَمَتْ: تصمیم گرفتی

فَاعْفُ: پس درگذر

با تفکر در آیات، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید و مشخص کنید که پاسخ‌ها را از کدام آیه به‌دست آورده‌اید.

شماره	سؤال و پاسخ	سوره / آیه
۱	چرا باید بر خدا توکل کرد؟ مگر خداوند دارای چه ویژگی‌هایی است؟
۲	چرا بر غیر خدا نمی‌توان توکل کرد؟
۳	برای رسیدن به تصمیم صحیح بهتر است چه کار کنیم؟

حقیقت توکل بر خدا

توکل بر خدا به معنای اعتماد به خداوند و سپردن نتیجه‌ی کارها به اوست. انسان متوکل خداوند را تکیه‌گاه مطمئن خود می‌یابد و در عین عمل به وظایف، امورش را به او واگذار می‌کند. او می‌داند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه‌ای که به‌دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود بدان مصلحت آگاه نباشد. زیرا خدای حکیمی که جهان را تدبیر و اداره می‌کند از هر کس نسبت به ما مهربان‌تر است. تکیه و اعتماد بر خدا به انسان آرامش می‌دهد و به آینده امیدوار می‌کند.

حضرت علی (ع) در یکی از دعاهای خویش می‌گوید:

خداوندا تو با آنان که به تو بیش‌تر عشق می‌ورزند، بیش از دیگران انس می‌گیری و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می‌کنند از خودشان آماده‌تری، اسرار ایشان را می‌دانی و بر اندیشه‌هایشان آگاهی و بر میزان بینش آنان دانایی.

در ادامه می‌گوید:

رازهایشان نزد تو آشکار و دل‌هایشان در حسرت دیدار تو داغدار. اگر تنهایی، آنان را به

وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد و اگر مصیبت‌ها بر آنان فرو بارد، به تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند، چون می‌دانند سر رشته‌ی کارها به دست توست.^۱

تصمیم و توکل

نوجوانی و جوانی دوران تصمیم‌های بزرگ است. هرچه عمر می‌گذرد و قوای انسان به سستی می‌گراید، توان انسان برای تصمیم‌های بزرگ نیز کاهش می‌یابد. جوان و نوجوان معمولاً آزاد از تمنیات و وابستگی‌هاست. شجاعت روحی بالایی دارد و دست و پای وجودش چندان به رشته‌های دنیایی بسته نشده است؛ مانند برخی از بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته یا در حسادت نسبت به دیگری بسوزد یا در فکر تجملات زندگی باشد. او می‌تواند آرمان‌های بزرگ داشته باشد، آرمان‌هایی که از نوع پروازند، از نوع رفتن و صعود کردن، نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرورفتن.

از این رو، در این دوره نیاز شدیدتری به توکل و اعتماد بر خداوند حس می‌شود.



۱- حضرت ابراهیم (ع) و حضرت علی (ع) در دوره‌ی نوجوانی و جوانی خود تصمیم‌های بزرگی گرفتند و برای آن تصمیم‌ها بر خدا توکل کردند و استقامت ورزیدند، آن تصمیم‌ها را ذکر کنید.

.....

.....

۲- آیا نمونه‌های دیگری از تصمیم‌های بزرگ سراغ دارید که نیازمند توکل بر خداوند و پایداری و استقامت در راه آن باشد؟

.....

.....

۱- نهج البلاغه (فیض الاسلام)، خطبه ۲۱۸

دو نکته‌ی مهم

۱- توکل کردن فقط به معنای گفتن جمله‌ی «خدایا، بر تو توکل می‌کنم» نیست. بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعاً او را تکیه‌گاه خود ببیند. اگر این گونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً به نفع ماست پیش خواهد آورد. خداوند آینده‌هایی را می‌بیند که ما نمی‌بینیم و به مصلحت‌هایی توجه دارد که ما درک نمی‌کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می‌پنداریم در حالی که به ضرر ماست، یا اموری را به ضرر خود می‌دانیم در حالی که به نفع ماست^۱. بنابراین شایسته است که با اخلاص بر خدا اعتماد کنیم و بدانیم که هیچ قدرتی در جهان مانع چاره‌سازی خدا نیست.

امام صادق (ع) فرمود: خداوند به داود (ع) وحی کرد هر بنده‌ای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره‌جویی می‌کنم، گرچه همه‌ی آسمان‌ها و زمین و هر چه در آن هاست، علیه او برخیزند.^۲

۲- توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه‌ی خود را به‌خوبی انجام دهد، یعنی فکر و اندیشه‌ی خود را به کار گیرد، با دیگران مشورت کند، بهترین راه ممکن را انتخاب نماید و با عزم و اراده‌ی محکم برای رسیدن به مقصود تلاش کند. در این صورت است که می‌توان بر خدا توکل کرد. زیرا توکل، جانشین تنبلی و ندانم کاری افراد نیست بلکه کمک کننده و امیددهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار است.

روزی، پیامبر اکرم (ص) به مردمی برخورد که اهل کار و فعالیت نبودند. به آنان فرمود:

شما چگونه مردمی هستید؟

گفتند: ما توکل کنندگان بر خدا هستیم.

فرمود: نه، بلکه شما سربرابر دیگران هستید.^۳

گر توکل می‌کنی در کار کن کشت کن پس تکیه بر جبار کن^۴

توکل کننده‌ای که اهل معرفت باشد، می‌داند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و خواسته‌هایش، از ابزار و اسباب بهره جوید. زیرا این ابزار و اسباب بنابر حکمت الهی قرار داده شده و بی‌توجهی به آن‌ها، بی‌توجهی به حکمت و علم الهی است.

۲- کافی، ج ۳، ص ۱۰۶

۴- مثنوی مولوی

۱- بقره، ۲۱۶

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۷

گام چهارم

توکل هنگام تصمیم

بارخدایا! همان‌طور که تو فرمان داده‌ای، تلاش می‌کنم با مراجعه به کتاب آسمانیت قرآن و نگاه به زندگی پیشوایانم بهترین تصمیم‌ها را بگیرم و با تمام توان، راه سرافرازی را بییمایم.

اَما من انسانم و توانایی‌هایم از توست.

پس ای خدای مهربان! به قدرت بی‌پایان تو تکیه می‌کنم و بر تو «توکل» می‌نمایم.

- ۱- با توجه به آیات، روایات و توضیحات درس، آثار و فواید توکل را ذکر کنید.
- ۲- چه رابطه‌ای میان «عزم» و «توکل» وجود دارد؟
- ۳- آیا توکل، سبب تنبلی می‌شود یا تحرک؟ چرا؟ از آیه‌ی ۱۵۹ آل‌عمران کمک بگیرید.
- ۴- شرایط توکل حقیقی کدام‌اند؟

- ۱- مولوی در دفتر اول مثنوی در «قصه‌ی نخجیران و بیان توکل و ترک جهد» رابطه‌ی توکل و تلاش را به‌خوبی به تصویر می‌کشد و در ضمن آن می‌گوید:
گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر ببند
این داستان را مطالعه کنید و آن را به صورت نمایش‌نامه بنویسید و در کلاس به اجرا درآورد.
- ۲- آیا می‌دانید شیطان بر چه کسانی مسلط نمی‌شود؟ آیه‌ی ۹۹ سوره‌ی نحل را مطالعه کنید و جواب را بنویسید.





مرحله سوم

در مسیر



یادآوری

در کتاب «دین و زندگی ۱» خواندیم که برنامه‌های زندگی ما به پنج بخش تقسیم می‌شود و دانستیم که پروردگار حکیم و هدایتگر، کامل‌ترین، بهترین و دقیق‌ترین برنامه‌ها را در هر بخش به ما عطا کرده است. اگر بخواهیم زندگی موفق‌تری داشته باشیم و پایان عمر ما در دنیا به رستگاری ابدی منتهی شود، باید این برنامه‌ها را بشناسیم و بدان‌ها عمل کنیم. از این رو، یک بار دیگر برنامه‌های پیشنهادی سال گذشته را مرور می‌کنیم.

ردیف	برنامه‌ها	بخش‌ها
۱	قرائت قرآن کریم و تفکر و تدبر در آن	ارتباط با خدا - ارتباط با خود
۲	انتخاب مقصد و هدف زندگی	ارتباط با خود
۳	تلاش برای معرفت بیشتر به خداوند	ارتباط با خدا
۴	بهره بردن از راه‌های تقویت ایمان	ارتباط با خدا
۵	عهد بستن با خدا برای انتخاب راه درست زندگی	ارتباط با خدا - ارتباط با خود
۶	بهره بردن از راه‌های تقویت عزم و تصمیم‌گیری	ارتباط با خدا - ارتباط با خود
۷	مراقبت و محاسبه از تصمیم‌ها و پیمان‌ها	ارتباط با خود
۸	داشتن دفتر برنامه‌ریزی	ارتباط با خود
۹	انجام صحیح و به موقع نماز	ارتباط با خدا
۱۰	انتخاب دوست و همراه مناسب	ارتباط با جامعه
۱۱	پرداختن به کار و تلاش و دوری از تنبلی	ارتباط با خود - ارتباط با جامعه



دوستی با حق

آفرینش با رحمت و محبت آغاز شد.

خدای رحمان موجودات را آفرید و رحمتش را در همه جا گستراند و فرمود: «رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»^۱ - رحمت هر چیزی را فراگرفته است» با همین اسم «رحمان»، آدمیان را آفرید و به سعادت و کمال راهنمایی کرد. گروهی به خدا دل سپردند و راه اطاعت پیمودند و برخی محبت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند. خداوند درهای بازگشت را به رویشان گشود و یاد خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره به سویش روکنند.^۲ بدین‌گونه اسم «غفار» خود را به نمایش گذاشت.

نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت^۳
شایسته است از خود بپرسم:

بزرگ‌ترین عشق و محبتی که باید قلب ما را فراگیرد، عشق به کیست؟
این عشق چه ثمرات و نتایج به دنبال دارد؟

۱- اعراف، ۱۵۶

۲- توبه، ۱۱۸

۳- حافظ می‌گوید محبت و الفت، بر آفرینش جهان مقدم است و خداوند جهان را بر اساس محبت بنا نهاد.

آیات شریفه ی زیر را به دقت و زیبا قراآت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و بعضی از مردم	وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ
همتایانی به جای خدا می گیرند	مِنَ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا
آنهارا دوست می دارند مانند دوستی خدا	يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ
اما کسانی که ایمان آورده اند	وَالَّذِينَ ءَامَنُوا
به خدا محبت بیشتری دارند.	أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ

بقره، ۱۶۵

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ

فَاتَّبِعُونِي

يُحِبِّكُمْ اللَّهُ

وَيَغْفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

آل عمران، ۳۱

لَا تَجِدُ قَوْمًا

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

يُؤَادُونَ

مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

..... وَلَوْ كَانُوا عِبَادَهُمْ
 أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ
 أَوْ عَشِيرَتَهُمْ

مجادله، ۲۲

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ
 همانا که برای شما نمونه‌ی نیکویی بود
 فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ
 در روش ابراهیم و همراهان او
 إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ
 آن‌گاه که به قوم خود گفتند
 إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ
 به حقیقت که ما از شما بیزاریم
 وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
 و از آن‌چه جز خدا می‌پرستید
 كَفَرْنَا بِكُمْ
 نسبت به شما کافریم
 وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ
 و پدید آمده میان ما و شما دشمنی
 وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا
 و کینه برای همیشه
 حَتَّىٰ تُوْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَّهُ
 مگر اینکه به خدای یگانه ایمان آورید.

ممتحنه، ۴



با استفاده از توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

فَاتَّبِعُونِي = فَ + اتَّبِعُوا + ن + ی : پس مرا پیروی کنید
 يُحِبُّكُمْ : تا شما را دوست بدارد
 يُؤَادُونَ : دوستی می‌کند
 حَادٌّ : دشمنی کرده است



با اندیشه و تدبیر در آیات، پیام‌های مربوط به دوستی را تکمیل کنید.

ردیف	پیام‌ها	سوره/آیه
۱	مردم بر دو دسته‌اند: گروهی..... دوست دارند. گروهی چیزهای دیگر را همتای خدا می‌گیرند و.....
۲	لازمه‌ی دوستی با خداوند.....
۳	نمی‌شود کسی..... ولی با دشمنان او.....
۴	حضرت ابراهیم (ع) و کسانی که به او اقتدا می‌کنند، همواره از کسانی که..... می‌پرستند و از آن‌چه..... بیزاری می‌جویند و اعلام براءت می‌کنند.
۵	میان کسانی که با خدا دوستی می‌ورزند و کسانی که دشمنان خدا هستند، برای همیشه رابطه‌ی..... برقرار است، مگر آن که آنان از دشمنی با خدا دست بردارند.

اگر به مجموعه‌ی این پیام‌ها نگاه دیگری کنیم، می‌بینیم که قرآن کریم از رویارویی و تقابل دو گروه سخن می‌گوید: گروهی که زندگی خود را بر محور حبّ و عشق به خداوند بنا کرده‌اند و گروهی که از دوستی او سر باز زده و محبّت غیر او را برگزیده‌اند. گویا تاریخ، سرگذشت مقابله‌ی این دو جریان بوده است: مقابله‌ی ابراهیم با نمرد، موسی با فرعون، عیسی با حاکم مشرک روم^۱ و کاهنان یهود و پیامبر گرامی اسلام با مشرکان حجاز.

راستی، ریشه‌ی این مقابله چیست؟

آیا راهی برای سازش این دو جریان وجود دارد؟

هر کدام از ما خود را در کدام جبهه می‌یابد؟

برای رسیدن به پاسخ این سؤال‌ها، به نقش محبّت و عشق در زندگی انسان می‌پردازیم و تأثیر آن

را در تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی افراد بررسی می‌کنیم.

۱- در آن زمان، یونانیوس پیلطس از طرف امپراتور روم بر فلسطین حکومت می‌کرد.

نقش محبت

محبت و دوستی سرچشمه‌ی اصلی تصمیم‌ها و کارهای انسان است. فعالیت‌هایی که آدمی در طول زندگی انجام می‌دهد، ریشه در دل بستگی‌ها و محبت‌های او دارد و همین محبت‌هاست که به زندگی آدم‌ها جهت می‌بخشد.

هر قدر این محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق‌تر و گسترده‌تر است. یک دختر و پسر، قبل از ازدواج، به چیزی جز خود نمی‌اندیشند. دنیای آن‌ها بر محور خود می‌چرخد و به کارهای خود و علاقه‌های شخصی خود سرگرم‌اند. این دختر و پسر، همین که کانون خانواده را تشکیل دادند و به هم دل بستند، سرنوشت خود را به سرنوشت دیگری بسته می‌بینند، شعاع خواسته‌هایشان وسیع‌تر می‌شود و چه بسا خواسته‌های همسر بر خواسته‌های خود تقدم می‌یابد و آن‌گاه که صاحب فرزند شوند، رفتارشان به کلی عوض می‌شود. پسر، فردی چالاک و پرتحرک می‌گردد و برای رفع نیازهای زن و فرزند، راحتی را از خود می‌گیرد و دختر، با صدای کودک، مانند برق می‌جهد و سراسیمه به سوی فرزندش می‌دود. همین دختر که تا دیروز کم‌طاقت و زودرنج جلوه می‌کرد، اکنون با قدرت شگرفی در مقابل بی‌خوابی، گرسنگی و کار زیاد، صبور و شکیباست. محبت به فرزند سبب می‌شود از خودمحوری درآید، خود را فراموش کند و فردی اینارگر، با اراده، نیرومند، مصمم و پرکار شود.^۱

محبت به حق

اگر عشق و محبت انسان از این امور محدود فراتر رود و دل به سرچشمه‌ی کمالات و زیبایی‌ها سپارد، این عشق زندگی او را بیش از این دگرگون می‌کند. سرگذشت دوستان خدا این‌گونه است. آن‌کس که به خدا ایمان دارد و محبت او را در قلب خود جای داده است، به میزانی که ایمانش اوج می‌گیرد و محبتش فزون‌تر و عمیق‌تر می‌شود، احساس حیاتی دوباره می‌کند و شور و شوقی فرح‌بخش وجودش را فرا می‌گیرد؛ از این رو مشتاقان عشق الهی ندا سرداده‌اند:

در آن سینه دلی و آن دل همه سوز	الهی سینه‌ای ده آتش افروز
دلی در وی، درون درد و برون درد	کرامت کن درونی درد پرورد
دل افسرده غیر از آب و گل نیست ^۲	هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست

عشق و محبت الهی افسردگی، خمودی، ترس و جبن را از بین می‌برد و نشاط، تحرک، شجاعت

۱- جاذبه و دافعه‌ی علی علیه‌السلام، استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۳۸

۲- وحشی بافقی

و قدرت می‌بخشد. سنگین و تنبل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم‌طاعت و ناشکیبا را متحمل و شکیبیا می‌کند و بالاخره آدمی را از خودخواهی و نفع‌پرستی بیرون آورده و به ایثار و از خودگذشتگی می‌رساند؛ همت و اراده را قوی، غلّ و غش‌ها را پاک و اندیشه را خلاق می‌کند. خلاصه، عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می‌کند.



🌸 در زندگی پیامبران، امامان، مجاهدان و شهیدان راه خدا نگاه کنید و نمونه‌ای از فداکاری و ایثار آنان را که نشانه‌ی عشق به خداوند است، در کلاس گزارش کنید.

آثار محبت به خدا

۱- پیروی از خداوند: نمی‌شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه‌ی عدم صداقت در دوستی است. در شعری منسوب به امام صادق (ع) آمده است:

خدا را نافرمانی کنی و اظهار دوستی با او نمایی؟
به جان خودم این رفتاری شگفت است.
اگر دوستی‌ات راستین بود، اطاعتش می‌کردی؛
زیرا دوستدار، مطیع محبوب خود است.^۱

برخی می‌گویند: قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به احکام دین ضرورتی ندارد، اعمال ظاهری و ظاهر انسان مهم نیست، آنچه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است. این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست. خداوند می‌فرماید اگر مرا دوست دارید و اگر محبت من در قلب شما قرار گرفته، شایسته است از دستورات من پیروی کنید. چگونه ممکن است کسی به دیگری اظهار ارادت و علاقه‌ی قلبی کند اما برخلاف خواسته‌ی او عمل نماید؟ امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ عَصَاهُ^۲ - کسی که از فرمان خدا سرپیچی می‌کند، او را دوست ندارد.
خواسته و فرمان خداوند، یعنی «دین»، همان برنامه‌ی سعادت و راه رستگاری و کمال ماست. او

۲- امالی شیخ صدوق، ص ۳۶۹.

۱- جاذبه و دافعه‌ی علی علیه‌السلام، استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۶۰.

نیازی ندارد تا به ما فرمان دهد و نیازش را برطرف کند. خداوند، در فرمان‌هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد. مانند دوست ریاکاری نیست که فقط به خواسته‌ی دل ما توجه کند. او ناصحانه به ما هشدار می‌دهد که چه بسیار چیزهایی که شما خوشتان می‌آید ولی به ضرر شماست و چه بسیار چیزهایی که بدتان می‌آید اما به نفع شماست. حتی اگر احساس کنیم برخی دستورهای خداوند سخت است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای سعادت ما ضروری است. باید بگذاریم عشق به سعادت حقیقی در دل ما جوانه بزند، آن‌گاه خواهیم دید که هر سختی بر ما آسان خواهد شد.

امام سجاد (ع) در ابتدای یکی از مناجات‌های خود، به خدا عرض می‌کند:

«خدایا! کیست که شیرینی دوستی با تو را چشیده باشد و غیر تو را طلب کند؟»

آن‌گاه، پس از مقداری راز و نیاز، می‌گوید:

«ای آرزوی دل مشتاقان

و ای نهایت آرمان دوستان

دوستی تو را از تو می‌خواهم

و دوستی هر که تو را دوست دارد

و دوستی هر کاری که مرا به تو نزدیک می‌کند.»^۱



🌸 درباره‌ی محبت‌های خداوند به خود بیندیش و ببین که تاکنون پاسخ‌های

مناسبی به این محبت‌ها داده‌ای؟ در این تأمل نیم‌نگاهی هم به سرپیچی‌های خود داشته باش.

۲— دوستی با دوستان خدا: وقتی محبت خداوند در دلی خانه کرد، آن دل محبت همه‌ی کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند، در خود می‌یابد و به مقداری که این رنگ و نشان بیش‌تر و قوی‌تر باشد، علاقه و محبت نیز فزون‌تر می‌شود. در منظومه‌ی عاشقان و دوستان الهی که برگرد کعبه‌ی وجود او حلقه زده‌اند، نزدیک‌ترین آن‌ها، رسول خدا (ص) و اهل بیت ایشان (ع) هستند که مظهر تمام و کمال حق و جلوه‌ی زیبایی‌های اویند. هرکس این خانواده را بشناسد و با فضائل اخلاقی آنان آشنا گردد، عشق به آنان را در خود می‌یابد.

۱- مفاتیح‌الجنان، مناجات‌المحبین از مناجات‌های خمس عشره.

۳- **بیزاری از دشمنان خدا** : عاشق روشنائی، از تاریکی می‌گریزد. دوستدار زندگی و بقا، از نیستی و نابودی متنفر است. دل‌بسته‌ی عدالت و آزادی و صداقت و وفا، از ظلم و استبداد و ربا و بی‌وفایی بیزار است و آن کس که به دوستی با خدا افتخار می‌کند، با هر چه ضدخدایی است، مقابله می‌نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است.

حضرت علی (ع) در یکی از مراسم حج، که مسلمانان از نقاط مختلف به مکه آمده بودند، از طرف رسول خدا (ص) مأموریت یافت این خبر را به مردم برساند که خدا و رسولش از مشرکین بیزارند و به مشرکین اعلام کند که بهتر است توبه کنید و خود را از گمراهی نجات دهید.^۱

۴- **مبارزه با دشمنان خدا** : عاشقان خدا پرچمدار مبارزه با زشتی‌ها، ستم و ستمگران بوده‌اند. همه‌ی پیامبران، از حضرت نوح (ع) و حضرت ابراهیم (ع) تا پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) زندگی خود را در مبارزه‌ی با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند. نمی‌شود کسی دوستدار فضیلت‌ها و کرامت‌ها باشد و در جهان زشتی و نامردمی و ستم ببیند و در عین حال بتواند قرار و آرام بگیرد.

از این رو «جهاد در راه خدا» در برنامه‌ی تمام پیامبران الهی بوده و بیش‌تر آنان در حال مبارزه‌ی با ستمگران به شهادت رسیده‌اند. امروزه نیز وقتی به حوادث جهان می‌نگریم، مشاهده می‌کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع و لذا بددنیایی خود حقوق ملت‌ها را زیر پا می‌گذارند و حتی از داشتن یک سرزمین برای زندگی شرافت‌مندانه محروم می‌کنند. رنج و محرومیت مردم فلسطین نمونه‌ی آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با مبارزه، برطرف نخواهد شد.



تطبيق

🌸 با بررسی و تحلیل دنیای امروز، بزرگ‌ترین دشمنان خدا و متجاوزین به حقوق انسان‌ها را مشخص کنید و سپس راه‌های مؤثر برای مقابله با آنان را که همه‌ی مظلومین و ستم‌دیدگان جهان بتوانند انجام دهند، پیشنهاد دهید.

نتیجه این‌که :

دینداری با دوستی با خدا آغاز می‌شود و براءت و بیزاری از باطل و دشمنان خدا را به دنبال دارد. به همین جهت اگر کسی بخواهد قلبش را خانه‌ی خدا کند باید شیطان و امور شیطانی را از آن

۱- سوره‌ی توبه، ۱ تا ۳

بیرون نماید. جمله‌ی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که پایه و اساس بنای اسلام است، مرتّب از یک نفی و یک اثبات است: «نه» به هر چه غیرخدایی است و «آری» به خدای یگانه.^۱

پس دینداری بر دو پایه استوار است: تولّی (دوستی با خدا) و تبری (بیزاری از باطل) و به‌میزانی که دوستی با خدا عمیق‌تر باشد نفرت از باطل هم عمیق‌تر است.

امام خمینی «رحمة الله علیه» در پیام ارزشمندی، بعد از تبیین دقیق مرزهای دوستی و بیزاری می‌گوید: «مگر تحقق دیانت، جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و براءت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود.»^۲

بر مبنای همین تحلیل، ایشان به مسلمانان جهان سفارش می‌کنند: «باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند.»^۳



محبت با معرفت

چه زیبا و شورآفرین است که برنامه‌ی زندگی ما سرشار از جلوه‌های محبت و دوستی به پیامبر گرامی و اهل بیت ایشان صلوات الله علیهم است و همان‌طور که امام صادق (ع) از ما خواسته‌اند، در شادی آنان شاد و در مصیبت آنان سوگوار و عزادار هستیم. با حضور فعال در مراسم بزرگداشت اهل بیت (ع) محبت خود را نشان می‌دهیم و زمینه‌های پیروی از آن بزرگواران و رشد و کمال خویش را فراهم می‌سازیم.

برای این که مراسم بزرگداشت اهل بیت (ع) و جلوه‌های دوستی ما به آنان بیش‌تر رشد دهنده و قابل قبول‌تر به پیشگاه خداوند باشد، توجه و مراعات موارد زیر ضروری است:

۱- این محبت و دوستی را با معرفت و شناخت عمیق نسبت به آنان همراه کنیم

۱- سیری در نهج البلاغه، استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۲۸۵

۲ و ۳- پیام امام خمینی رحمه الله علیه به مناسبت حج ۱۴۰۷ هـ. ق برابر با ۱۳۶۶ هـ. ش

و شور خود را با شعور عجین سازیم تا مراسم جشن‌ها و سوگواری‌ها متناسب با شأن و منزلت آن بزرگواران باشد و از چارچوبی که دین تعیین کرده، خارج نگردد. محبت‌های آمیخته با جهل همواره خطرناک است و در بسیاری از موارد به رفتارهایی منجر می‌شود که خدای متعال و پیشوایان دین از آن بیزارند.

امام علی(ع) می‌فرماید:

دو تن در رابطه‌ی با من هلاک شدند: دوستی که (در دوستیش) غلّو و زیاده‌روی می‌کند (و مرا از مرتبه‌ی ولایت و امامت بالاتر می‌برد) و دشمنی که در دشمنی با من پای می‌فشرد.^۱

یکی از یاران امام صادق(ع) می‌گوید روزی به دیدار امام رفتم. ایشان به من فرمود:

ای حیثمه سلام ما را به دوستانمان برسان و به آنان اعلام کن پاداش الهی را جز با عمل، و ولایت ما را جز با خویشتن‌داری به دست نمی‌آورند. ای حیثمه کسی که ولایت ما و معرفت نسبت به ما را ندارد هیچ سودی نخواهد برد.^۲

سیره‌ی پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) نشان می‌دهد که آنان با ادعای محبت بدون معرفت و بدون عمل مبارزه کرده و پیروان خود را از آن منع کرده‌اند. بنابراین نزدیکی هرکس به آنان به مقدار محبت همراه با معرفت و عمل است.

۲- محتوای مراسم جشن یا سوگواری اهل بیت(ع)، از قبیل اشعار، سرودها و مداحی‌ها باید به گونه‌ای انتخاب شود که بیانگر محبت همراه با معرفت و سازگار با اصول اسلامی و سایر احکام شرعی باشد. عبارت‌ها و جملاتی که برای این بزرگواران به کار می‌بریم باید مورد قبول خودشان باشند. با مراجعه‌ی به متن زیارت‌ها، مانند زیارت جامعه، می‌توانیم بهترین اوصاف را درباره‌ی آن بزرگواران بیابیم و استفاده کنیم. به یاد داشته باشیم که بزرگ‌ترین ویژگی پیامبر اکرم(ص) و امامان بزرگوار «بنده‌ی خدا» بودن است که همه روز ۹ بار در تشهد نمازهای واجب آن را تکرار می‌کنیم و می‌گوییم: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

۱- نهج البلاغه، ترجمه‌ی فیض الاسلام، حکمت ۱۱۷

۲- الشیعه فی احادیث الفرقین، سیدمرتضی موحد ابطحی، ص ۳۵۴.

۳- سرودها، نوحه‌ها و سایر اجزای مراسم باید پرمحتوا، عمیق، معرفت‌زا و حماسی باشد به گونه‌ای که هم مناسب با کرامت و منزلت آن بزرگواران باشد و هم روح شجاعت و حماسه و ایثار را در جامعه بدمد. اشعار و عبارات سطحی و پیش‌پا افتاده و انجام حرکات نسنجیده به بهانه‌ی شادی یا سوگواری موجب رنجش آن بزرگواران و در نتیجه، بیزاری خداوند از ما شود.

۴- توجیهاتی از قبیل «درهنگام ابراز محبت آداب را باید کنار گذاشت»، «اهل بیت (ع) انسان‌هایی بزرگوارند و از خطای ما می‌گذرند» و «عشق را نمی‌توان کنترل کرد و با احکام محدود ساخت»، هیچ‌کدام در درگاه الهی و پیشگاه اهل بیت (ع) پذیرفته نیست و مجوز رفتارهای مخالف دین نمی‌شود. اگر کسی در مراسم مربوط به پیشوایان دین مرتکب رفتارهای دور از معرفت و مخالف شرع شود، چه بسا مجازاتی سنگین‌تر از کسی داشته باشد که در شرایط عادی این رفتارها را انجام می‌دهد. این مراسم باید تجلی‌گاه عفاف و حجاب ظاهری، عفاف در کلام، تواضع و فروتنی، انجام به موقع واجبات دینی مانند نماز، کمک به هم‌نوعان، دوری از اسراف و تبذیر، رعایت حقوق همسایگان، حفظ اموال عمومی، دوری از رقابت‌ها و حسادت‌ها و در یک کلام، باید تجلی‌گاه معرفت به ائمه (ع) باشد.

۵- همه‌ی ما مسئولیت داریم که در این‌گونه مراسم وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را به دقت انجام دهیم. چرا که از بزرگ‌ترین منکرهای حرمتی به پیشوایان دین در مراسمی است که برای حرمت و بزرگداشت آنان برگزار می‌شود. به همین جهت ضرورت دارد به نکات زیر توجه نماییم:

الف- بدانیم که برنامه‌ها و کارهای ما در مراسم دینی، موافق احکام الهی است که فقیهان جامع‌الشّریط در کتاب‌های خود ذکر کرده‌اند.

ب- در مواردی که برای ما مشکوک است، به عالمان دین در شهر و دیار خود مراجعه کنیم و نظر آنان را جویا شویم تا با اطمینان خاطر آن اعمال را انجام دهیم.

گام پنجم

تنظیم رابطه‌ها بر معیار دوستی با خداوند

تلاش می‌کنیم:

- ۱- رابطه‌ی عاشقانه و محبت‌آمیز خود با خدا را عمیق‌تر و پایدارتر کنیم و به آن چه او برایمان می‌پسندد و فرمان می‌دهد راضی باشیم.
- ۲- با دوستان او رابطه‌ی دوستی و مهر برقرار کنیم و از دشمنان او دوری ورزیم تا از او فاصله نگیریم و راه به سوی او را گم نکنیم.

اندیشه و تحقیق

- ۱- برای تقویت دوستی خود با خداوند، از چه راه‌هایی می‌توان کمک گرفت؟
- ۲- برای تقویت بیزاری از باطل و بی‌تفاوت نبودن در مقابل باطل صفتان چه می‌توان کرد؟
- ۳- چگونه می‌توان دریافت که در دوستی با خدا و دشمنی با بدی‌ها صادق هستیم؟

پیشنهاد

- ۱- در زندگی پیامبران و امامان (صلوات الله علیهم) و مجاهدان راه خدا تحقیق کنید و نمونه‌هایی از اشتیاق آن‌ها به حق و مبارزه‌شان با زشتی و باطل را نشان دهید.
- ۲- امام خمینی - رحمه الله علیه - که از پیروان راستین پیامبر اکرم (ص) بود، زندگی خود را در مبارزه‌ی با ستم و باطل گذراند. آیا می‌توانید نمونه‌هایی از این مبارزه‌ها را بیان کنید؟

فضیلت آراستگی

رسول خدا(ص):

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ
خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد

از برنامه‌های ارزشمند مؤمنان، حضور «عزّت‌مند»، «عفیانه» و «آراسته» در اجتماع است. این مفاهیم گرچه متفاوت‌اند اما رشته‌ای نامرئی و ظریف، آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و زیبایی خاصی پدید می‌آورد.

به راستی،

«آراستگی» و «عفاف» چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند؟

میان این دو با «عزّت» چه نسبتی برقرار است؟

آیات شریفه ی زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ
..... الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ
..... وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ
..... قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا
..... فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
..... خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ
..... كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ
..... لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

بگو پروردگارم حرام کرده زشت کاری ها را
چه آشکار و چه پنهان آن ها را
و نیز گناه و سرکشی به ناحق را
و این که به خدا شرک بورزید،

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ
مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ
وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ
وَ أَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ

مَالَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا
وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ
مَا لَا تَعْلَمُونَ

چیزی را که برای آن دلیلی نفرستاده
و این که به خدا نسبت دهید
چیزی را که نمی دانید.

اعراف، ۳۲ و ۳۳

يا بَنِي آدَمَ
قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا
يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا
وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ
ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ
لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

.....
.....
.....
.....
.....

اعراف، ۲۶



به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

حَرَمٌ : حرام کرده	الَّتِي : که، کسی که	أَخْرَجَ : پدید آورد، خارج کرد
نُفِصِلُ : توضیح می‌دهیم	هِيَ : آن، او	يَذَّكَّرُونَ : پند می‌گیرند
سَوَّاتٍ : ناپسندی‌ها	يُؤَارِي : بپوشاند	رِيشٍ : زینت

با تفکر در آیات، جمله‌های زیر را تکمیل کنید و مشخص کنید که هر جمله از کدام آیه به دست آمده است.

ردیف	پیام آیات	سوره / آیه
۱	خداوند، زینت‌های جهان را بر بندگانش حرام
۲	مؤمنان باید از روزی‌هایی که از راه درست و پاک به دست آورده‌اند،
۳	زینت‌ها و روزی‌های پاک در آخرت، اختصاص به دارد.
۴	آن چیزهایی که خداوند بر مؤمنان حرام کرده است، عبارتند از: ، ، و
۵	خداوند، پوشش را برای دو هدف قرار داده است: الف: انسان را از ناپسندی‌ها حفظ کند و مایه‌ی عفاف باشد. ب:
۶	اگر انسان لباس را بر خود بپوشاند، خواهد توانست پوشش و لباس ظاهری را مراعات کند و حفظ نماید.

این آیات، نمونه‌ای از سخنان خداوند درباره‌ی آراستگی و پوشش است. برای درک عمیق‌تر و استفاده‌ی بهتر از راهنمایی‌های خداوند درباره‌ی مساله‌ای که هر روز با آن سروکار داریم، از کلمات پیشوایان خود و شیوه‌ی زندگی آنان کمک می‌گیریم و به توضیح بیش‌تر آیات می‌پردازیم.

آراستگی، شیوه‌ی پیشوایان دین

پیشوایان ما نه تنها در زیبایی باطنی خود می‌کوشیدند بلکه به زیبایی و آراستگی ظاهر هم توجه داشتند و یاران خود را نیز به رعایت آن دعوت می‌کردند.

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید:

لباس سفید و روشن بپوشید که پاک‌تر و پاکیزه‌تر است.^۱

امام علی - علیه السلام - می‌فرماید:

۱- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۸۰

آراستگی از اخلاق مؤمنان است.^۱

امام صادق - علیه السلام - می فرماید :

خداوند زیبایی و آراستگی را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن

بدش می آید.^۲

و نیز می فرماید :

دو رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.^۳

هنگامی که رسول خدا (ص) می خواست با دیگران ملاقات کند، به آینه نگاه می کرد، موهای خود

را شانه می زد و مرتب می ساخت و می فرمود :

خدای تعالی دوست دارد وقتی که بنده اش به سوی دوستانش می رود خود را آماده و آراسته

کند.^۴

این شیوهی رسول خدا (ص) و سایر پیشوایان ما سبب شد که مسلمانان در اندک مدتی به آراسته ترین و پاکیزه ترین ملت ها تبدیل شوند و الگو و سرمشق سایر ملت ها قرار گیرند. آراستگی، اختصاص به زمان حضور در اجتماعات و معاشرت ها ندارد. بلکه شامل زمان حضور در خانواده، از آن مهم تر، زمان عبادت نیز می شود. استفاده از عطر، شانه زدن موها، پوشیدن لباس روشن و تمیز و پاک بودن تمامی بدن، از توصیه های مهم آنان هنگام عبادت است. تکرار دائمی نماز در شبانه روز، این آراستگی و پاکی را در طول روز حفظ می کند و زندگی را پاک و باصفا می سازد.



🌸 با دوستان خود مشورت کنید و ببینید که سفارش و تأکید اسلام به

پاکیزگی و آراستگی چه آثاری در زندگی فردی و اجتماعی دارد؟

تناسب میان ظاهر و باطن در آراستگی

ظاهر هر کس تجلی اندیشه و باور اوست و اندیشه ها، اخلاق و روحیات، اعمال و ظواهر را

۱- غررالحکم و دررالكلم، چاپ دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۳۰۷. تجمل در احادیث، به معنای آراستگی و زیبایی است نه استفاده

از لباس ها و جواهرات گران قیمت و این نوع آراستگی است که با ساده زیستی معصومین صلوات الله علیهم منافاتی ندارد.

۲- امالی، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۷۵

۳- ثواب الاعمال، ص ۳۶۲

۴- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۸

می‌سازند و شکل می‌دهند. مثلاً آن کس که نظم و برنامه‌ریزی را قبول دارد، اگر واقعاً به آن ایمان و باور داشته باشد، دست به برنامه‌ریزی می‌زند و هرکاری را در زمان خاص خود انجام می‌دهد. از سوی دیگر، رفتارهای ظاهری نیز به تدریج بر باطن انسان تأثیر می‌گذارد و روحیه‌ی فرد را تغییر می‌دهد. شما می‌توانید نمونه‌های فراوانی بیابید که چگونه برخی اعمال، سبب تغییر اخلاق و حتی طرز تفکر افراد شده است.

البته ممکن است انسان‌های ریاکار خود را در میان جمع خوب جلوه دهند، در حالی که باطن زشتی داشته باشند. اما این ظاهر زیبا عاریتی و موقتی است و نمی‌تواند از چشمان تیزبین انسان‌های خردمند مخفی بماند. بالاخره، باطن زشت آنان آشکار می‌شود و خود را نشان می‌دهد. برخی نیز برای توجیه ظاهر نامناسب خود به این جمله متوسل می‌شوند که «دل باید پاک باشد، ظاهر چندان اهمیتی ندارد!» اما خوب است آنان توجه کنند که دل پاک و باحیا و عقیف، ظاهر پاک و باعفاف را به دنبال می‌آورد و همان‌طور که گفته‌اند، «از کوزه همان برون تراود که در اوست.» مگر می‌شود که کسی حقیقتی را از صمیم قلب دوست داشته باشد، اما هر روز کاری بر ضد آن انجام دهد؟ حقیقت این است که دل به هر جا رود عمل هم به همان جا می‌رود.



نمونه‌هایی از تناسب و هماهنگی ظاهر و باطن را توضیح دهید.

.....
.....
.....

عفاف، عزتمندی و آراستگی

عفاف یک حالت روحی و فضیلت اخلاقی است که سبب می‌شود انسان اندام ظاهری خود را وسیله‌ی خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار ندهد و اجازه ندهد ناپاکان از او سوءاستفاده کنند. انسان عقیف حیا دارد از این که دیگران به خاطر بدش به او توجه کنند و به تحسین و تمجید وی بپردازند. او در وجود خود ارزش‌های والاتری می‌یابد که می‌تواند تحسین و احترام دیگران را برانگیزد. انسان عقیف، آراسته است اما آراستگی او به گونه‌ای است که جسم او وسیله‌ی جلب توجه دیگران قرار نمی‌گیرد. او خود را بزرگ‌تر از آن می‌یابد که دیگران او را به عنوان ابزاری برای لذت‌جویی نگاه کنند.

به همان اندازه که رشته‌های عفاف در روح انسان ضعیف می‌شود، نوع آراستگی به خصوص آراستگی در پوشش تغییر می‌کند و پوشش جنبه‌ی خودنمایی به خود می‌گیرد. اما هر اندازه که این رشته مستحکم شود، پوشش و آراستگی ظاهری جلوه‌گاه زیبایی‌های روح و شخصیت متعالی انسان می‌گردد.

بر همین مبناست که امام صادق (ع) می‌فرماید :

لباس نازک و بدن نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه‌ی سستی و ضعف دین است.^۱

امام علی (ع) نیز می‌فرماید :

پرهیز از این که خود را برای دیگران بیارایی و با انجام گناه به جنگ با خدا برخیزی.^۲

گرچه «عفاف» خصلت هر انسان با فضیلتی، اعم از مرد و زن است اما وجود آن در زنان و دختران ارزش بیش‌تر و برتری دارد. زن، مظهر جمال خلقت است و این زیبایی هم در باطن و هم در ظاهر او متجلی است. احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی‌های درونی وی می‌باشند و همچون سایه‌ی رحمت الهی، آرامش بخش کانون گرم خانواده است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است.

از سوی دیگر، زن کانون «عفاف» خانواده است. همواره ندایی درونی او را به پاکی و پاکدامنی فرا می‌خواند. گویا روح بزرگ او نمی‌پسندد که بازیچه‌ی خواسته‌های پست و حقیر ناپاکان شود. از این رو می‌کوشد آراستگی او در جامعه به گونه‌ای باشد که گوهر زیبای وجودش از نگاه نااهلان دور بماند و روح بلندش تحقیر نشود. او درمی‌یابد که اعطای هر کمالی از جانب خدا، مسئولیتی را نیز به همراه می‌آورد. همان‌طور که اگر کسی به کمال علم زینده شد، نباید علمش را ابزار دست قدرتمندان ستم‌پیشه کند، موهبت زیبایی نیز نباید در خدمت هوسرانان قرار گیرد و همان‌گونه که اگر انسان از علم خود به درستی استفاده نکند، به جای رستگاری، شقاوت نصیبش می‌شود، عرضه‌ی نابجای زیبایی، به جای گرمی بخشیدن به کانون خانواده، «عفت» و «حیا» را از بین می‌برد و این دو گوهر مقدس را از او می‌گیرد.



🌸 آیات ۲۳ تا ۲۶ سوره‌ی قصص را مطالعه کنید و رفتار آمیخته با «عفاف»

حضرت موسی (ع) و دختران شعیب (ع) را توضیح دهید.

.....

.....

۱- بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۲۹۹

۲- همان، ج ۷۱، ص ۳۶۳

«عزت» در مقابل حقارت و ذلت قرار دارد.

انسان عزیز در خود عظمت و صلاحیتی می‌یابد که موجب می‌شود حقارت و پستی را نپذیرد و تن به شکست و زبونی ندهد. بزرگ‌ترین شکست نیز شکست روحی و معنوی است. چه بسا انسان‌هایی در جنگ ظاهری شکست بخورند اما روح بلندشان پیروز و عزیز باقی بماند.

یکی از اقسام پستی‌ها و حقارت‌ها آن است که افراد هوس‌ران و گناهکار به انسان به چشم ابزار هوس‌رانی‌های خود نگاه کنند و به شخصیت انسانی و با کرامت او توجه ننمایند. انسانی که دارای عزت‌نفس است، این حقارت و پستی را نمی‌پذیرد و از همان ابتدای جوانی به گونه‌ای در جامعه ظاهر می‌شود که اجازه‌ی چنین تحقیری را به دیگران نمی‌دهد. گرچه او هم زیبایی و آراستگی را دوست دارد، اما این زیبایی و آراستگی را در پوششی از حجاب نگاه می‌دارد تا شخصیت متعالی خود را از دست ندهد.



🌸 با توجه به شکل پوشش‌های موجود در جامعه برای پسران و دختران، بگویید که کدام یک از آن‌ها عفت و عزت افراد را بیش‌تر تضمین می‌کند؟

.....

.....

.....

.....

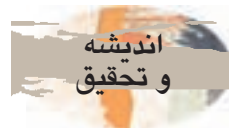
نیاز به مقبولیت و رابطه‌ی آن با آراستگی

انسان نیازهای گوناگونی دارد: نیاز به آب و غذا، مسکن، آرامش، تحسین دیگران و برخی از نیازها در دوره‌ی نوجوانی و جوانی، بیش‌تر خود را نشان می‌دهد که در این میان می‌توان از نیاز به توجه و تحسین دیگران و مقبولیت نام برد. جوان برای این که ثابت کند وجودش برای جامعه

مفید است، تلاش می‌کند که توانایی‌ها و استعدادهای خود را کشف و شکوفا کند و آن‌ها را در معرض دید دیگران قرار دهد و جایگاه مناسب خود را در میان دیگران تثبیت کند.

نوجوانی که می‌کوشد با نشان دادن استعداد خود در یک رشته‌ی ورزشی یا خلق یک اثر هنری یا کار مؤثر در یک کارگاه صنعتی، تحسین دیگران را برانگیزد و اعتماد آنان را جلب کند، با آن فردی که با لباسی نامناسب یا آرایش غیر معمولی یا به کاربردن کلامی تند و نابجا یا گذاشتن سیگاری بر لب اظهار وجود می‌کند، بسیار متفاوت است. این شخص به‌طور ناخودآگاه ضعف روحی خود را به دیگران نشان داده و آن دیگری ارزش‌های وجودی خود را به زیبایی هر چه تمام‌تر آشکار کرده است.

آراستگی همراه با عفت و حیا نشانه‌ی شخصیت روحی و درک متعالی فرد از زندگی است و تحسین قلبی همسالان را به دنبال دارد. حتی آن فردی که نسبت به پوشش همراه با عفت و حیای دیگری روی خوش نشان نمی‌دهد، در قلب و وجدان خود او را می‌ستاید.



- ۱- چه تفاوتی میان آراستگی و خودنمایی ظاهری است؟
- ۲- چگونه با خودنمایی عزت‌نفس آدمی لگه‌دار می‌شود؟
- ۳- حضرت مریم (س) و حضرت یوسف (ع) دو مظهر عفاف‌اند که سرگذشت آنان در قرآن کریم ذکر شده است. با مراجعه به سوره‌ی مریم (آیات ۱۸ تا ۳۳) و سوره‌ی یوسف (آیات ۲۱ تا ۵۴)، جلوه‌های عفت و پاکدامنی آنان را بیان کنید.



- ۱- پیرامون ما افرادی هستند که با استفاده از خلاقیت‌های خود تحسین دیگران را برانگیخته‌اند و در زمینه‌های گوناگون هنری، ورزشی، علمی، اجتماعی و اخلاقی به فردی مؤثر در جامعه تبدیل شده‌اند. آنچه درباره‌ی عوامل این موفقیت می‌دانید بیان کنید.
- ۲- با خود بیندیشید و ببینید که تا چه اندازه کوشش کرده‌اید آراستگی همراه با عفاف و عزت داشته باشید. آیا موانع درونی در مقابل این کوشش وجود داشته است؟ آن‌ها را برای خود مشخص کنید و برای برداشتن آن موانع، راه حل مناسب تنظیم نمایید.

زیبایی عفاف

پوشش مناسب، از نشانه‌های «عفاف» و «عزّت نفس» است به گونه‌ای که از نوع پوشش هر کس می‌توان میزان توجّه وی به این دو ارزش انسانی را دریافت. با این‌که اسلام هم زنان و هم مردان را به پوشیدن لباس مناسب دعوت کرده، امّا نسبت به پوشش زنان توجّه ویژه‌ای دارد. در این درس می‌خواهیم علت این توجّه خاص و پرسش‌های پیرامون این موضوع را بررسی کنیم.

آیات شریفه‌ی زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ

يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ

وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ

ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ

إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

به زنان مؤمن بگو

چشمان خود را کنترل کنید

و دامان خود را (از گناه) حفظ نمایند

و زینت‌های خود را آشکار نکنند

مگر آنچه نمایان است، (مانند گردی صورت)

و روسری‌های خود را بر روی سینه

و گریبان خویش بیندازند

و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ

يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ

وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ

إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا

وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ

عَلَى جُيُوبِهِنَّ

نور، ۳۰ و ۳۱

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ

قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ

و نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ^۱

ذَلِكَ أَدْنَى

أَنْ يُعْرَفْنَ

فَلَا يُؤْذَيْنَ

وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

این کار از این جهت بهتر است
که [به عفاف] شناخته شوند
تا مورد اذیت قرار نگیرند
و خداوند همواره آمرزگار و مهربان است

احزاب، ۵۹



به کمک عبارات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

يُعْضُوا : کنترل کنند	فُرُوجَهُمْ : دامان خود را	أَزْكَى : پاک‌تر
يَصْنَعُونَ : انجام می‌دهند	يُدْنِينَ : نزدیک سازند	جَلَابِيهِنَّ : پوشش‌های خود

پس از قرائت و تکمیل ترجمه‌ی آیات، می‌کوشیم با تدبیر در آن‌ها و به کمک سخنان پیشوایان و سیره و روش زندگی آنان سؤال‌های مربوط به پوشش را بررسی کنیم و به پاسخ درست برسیم.

● آیا در قرآن کریم درباره‌ی عفاف و حجاب دستور خاصی وجود دارد؟

خدای متعال، در قرآن کریم هم برای مردان و هم برای زنان وظایف خاص و روشنی تعیین کرده است، که عبارتند از :

الف - وظیفه‌ی مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کرده و دامان خود را از گناه نگه دارند.

سوره/آیه
.....

با رعایت این مسئولیت از جانب مردان، بخش قابل توجهی از سلامت جامعه تأمین می‌شود. اما اگر مردی، پاکی و تقوا نداشته باشد و با نگاه خود نامحرم را زیر نظر بگیرد،

۱- جلابیب جمع جلاباب است. جلاباب، پوششی است که از روسری بزرگ‌تر و از چادر کوتاه‌تر است. (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۸)

مقدمت گناهان بزرگ تر را فراهم می کند و نمی تواند خود را از لغزش حفظ نماید. به همین جهت رسول خدا (ص) می فرماید :

نگاه به نامحرم تیری زهرآلود از ناحیهی شیطان است. هر کس به پاس حرمت الهی آن را ترک کند، خدا ایمانی به او می دهد که شیرینی آن را در دل احساس می نماید.^۱

ب - زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه حفظ نمایند.

ج - استفاده از زینت و زیورآلات نباید به گونه ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند.

د - زنان باید حجاب خود را به گونه ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشاند.

علاوه بر قرآن کریم، پیشوایان ما، حدود حجاب را مشخص کرده و رعایت آن را از ما خواسته اند.

امام کاظم (ع) در جواب برادرش که پرسید : دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟

فرمود : **چهره و دست تا میچ**.^۲

یکی از یاران امام صادق (ع) به نام فضیل بن یسار می گوید از ایشان پرسیدم : آیا ساعد زن از قسمت هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟

فرمود : **بلی، آنچه زیر روسری قرار می گیرد نباید آشکار شود، همچنین از میچ به بالا باید پوشیده شود**.^۳

هم چنین از قرآن کریم به دست می آوریم که :

۱- زنان مسلمان از همان ابتدا موی سر خود را می پوشاندند ولی با حدود آن آشنا نبودند. لذا خداوند به آنان دستور می دهد روسری ها و پوشش هایشان را به خود نزدیک کنند تا اطراف صورت و گریبان آنان نیز پوشیده شود.

۲- این پوشش سبب می شود که زن به عفاف و پاکی شناخته شود و افراد بی بندوبار که اسیر هوئی و هوس خود هستند، به خود اجازه ی تعرّض به او را ندهند.

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸

۲- قرب الاسناد، ص ۱۰۲

۳- کافی، ج ۵، ص ۵۲۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۵

● آیا اسلام نحوه و شکل پوشش را معین کرده است؟

می‌دانیم که امت اسلامی از اقوام و ملل گوناگون و با آداب و رسوم مختلفی تشکیل شده است که هر کدام پوشش و لباس مخصوص خود را دارند. حتی ممکن است در کشوری، مثل کشور عزیزمان ایران، اقوام مختلفی زندگی کنند که هر کدام از آن‌ها پوشش خاصی برای خود برگزیده باشند. بنابراین، چگونگی و نوع پوشش، تا حدود زیادی به آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام بستگی دارد. اسلام، ضمن پذیرش این تنوع و گوناگونی، مردان را موظف کرده لباسی بپوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزش‌های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد. بنابراین پوشیدن لباسی که آنان را نزد مردم انگشت‌نما کند یا وسیله‌ی جلب توجه زنان نامحرم قرار گیرد، حرام است.

زنان نیز موظفند که دو شرط زیر را رعایت کنند :

۱- تمام بدن خود را، به جز صورت و دست‌ها تا مچ، از نامحرم بپوشانند.

۲- پوشش آنان نباید چسبان و تحریک‌کننده باشد.

این وظیفه‌ی الهی، مانند هر عمل دیگری، هرچه کامل‌تر و دقیق‌تر انجام شود، نزد خدا باارزش‌تر و آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون‌تر است و فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتری می‌رساند. از این رو، استفاده از «چادر» که دو شرط قبل را به‌طور کامل دارد و سبب حفظ هرچه بیش‌تر کرامت و منزلت زن می‌گردد و توجه مردان نامحرم را به حداقل می‌رساند، اولویت دارد.

● چه زنانی، محرم^۱ مردان هستند؟

بنابر آیات قرآن کریم و روایات معصومین، محارم مردان عبارتند از :

الف : محارم نسبی که به سبب خویشاوندی نسبی محرم هستند :

- ۱- مادر و مادر بزرگ
- ۲- خواهر و بچه‌ها و نوه‌های خواهر
- ۳- دختر و نوه‌های دختر
- ۴- دختر برادر و نوه‌های او
- ۵- عمه و عمه‌ی پدر و مادر
- ۶- خاله و خاله‌ی پدر و مادر
- ۷- نوه‌های دختری پسر

ب : محارم سببی که به سبب ازدواج محرم می‌شوند :

- ۱- مادرزن و مادر بزرگ او
- ۲- زن پسر (عروس)

۱- زن و مردی که نسبت به هم محرم هستند، به این معناست که نمی‌توانند با هم ازدواج کنند و رعایت احکام حجاب میان آن‌ها لازم نیست.

۲- زن پدر (نامادری) و دختر زن (نادختری) و نوه‌هایش نیز بر مرد محرم می‌شوند. برخی محارم نیز به واسطه‌ی شیر دادن محرم

می‌شوند که محارم رضاعی نام دارند.

● چه مردانی، محرم زنان هستند؟

بنابر آیات قرآن کریم و روایات معصومین، محارم زنان عبارتند از :

الف : محارم نسبی که به سبب خویشاوندی نسبی محرم هستند :

- ۱- پدر و پدر بزرگ
- ۲- برادر و بچه‌ها و نوه‌های او
- ۳- پسر و نوه‌های پسر
- ۴- پسر خواهر و نوه‌های او
- ۵- عمو و عموی پدر و مادر
- ۶- دایی و دایی پدر و مادر
- ۷- نوه‌های پسری دختر

ب : محارم سببی که به واسطه‌ی ازدواج محرم می‌شوند :

- ۱- پدر شوهر و پدر بزرگ او
- ۲- شوهر دختر^۱

توجه : مرد نمی‌تواند با خواهر زن، تا وقتی که خواهر دیگر، همسر اوست، ازدواج کند. اما باید نسبت به یکدیگر احکام حجاب را رعایت کنند.

● چرا میان پوشش زنان و مردان تفاوت وجود دارد؟

انسان در مقابل هر نعمت و موهبتی که از جانب خدا به او می‌رسد، مسئولیت‌هایی دارد، که از جمله‌ی آن‌ها :

۱- حفظ و نگهداری آن نعمت،

۲- بهره‌برداری از آن نعمت در جهت رشد و کمال است.

خداوند زنان را بیش از مردان از نعمت زیبایی بهره‌مند کرده و همین نعمت را پشتوانه‌ی مهمی برای ازدواج زن و مرد و تحکیم خانواده قرار داده است. زن به شکرانه‌ی این نعمت، باید اولاً در حفظ زیبایی و طراوت خود بکوشد؛ ثانیاً از این نعمت برای استحکام بنیان خانواده بهره‌برد. اما جلوه‌گری در عرصه‌ی جامعه و در مقابل نامحرمان، سرانجامی جز گسترش روابط نامشروع و افزایش طلاق و جدایی نخواهد داشت، بلایی که امروزه جوامع غربی گرفتار آن هستند و متأسفانه برخی افراد به جای الگو گرفتن از تلاش‌های علمی و صنعتی غرب، از مد و لباس و نوع روابط دختر و پسر آنان پیروی کرده و به تدریج گرفتار نتایج خانمان‌سوز آن، از جمله، افزایش طلاق شده‌اند.

این مسئولیت‌ها زمینه‌ساز منشأ تفاوت پوشش زنان و مردان است. به میزانی که پوشش یک زن

۱- شوهر مادر (ناپدری) و پسر شوهر که فرزند خودش نباشد نیز محرم زن محسوب می‌شوند. برخی محارم نیز به واسطه‌ی شیر دادن محرم می‌شوند. که محارم رضاعی نام دارند.

از حدود اسلامی فاصله می‌گیرد، به همان میزان، آن مسئولیت‌ها مورد غفلت قرار می‌گیرند. البته فایده و ثمره‌ی این وظیفه و مسئولیت‌ها، مانند سایر مسئولیت‌ها، ابتدا به خود زن و سپس به جامعه می‌رسد.



با دوستان خود مشورت کنید و ببینید که رعایت پوشش اسلامی توسط زن

در هریک از موارد زیر چه ثمراتی دارد؟

۱- برای زن :

.....

.....

۲- برای مرد :

.....

.....

۳- برای خانواده :

.....

.....

۴- برای جامعه :

.....

.....

● آیا حجاب زنان، موجب سلب آزادی و کاهش حضور آنان در جامعه می‌گردد؟

حفظ موهبت‌ها و نعمت‌های خدادادی نه تنها سلب آزادی تلقی نمی‌شود بلکه به معنای بهره‌مندی

مطلوب و درست از آن‌هاست.

پوشش زنان نیز، نه تنها آزادی و حضور مؤثر آنان در جامعه را سلب نمی‌کند بلکه بنابه فرموده‌ی

قرآن کریم، فعالیت‌های مؤثر، مفید و بدون زیان آنان را ممکن می‌سازد، سلامت اخلاقی جامعه را بالا

می‌برد، حریم و حرمت زن را حفظ می‌کند و آرامش روانی او را افزایش می‌دهد.

جایگاه حجاب در ادیان دیگر

گرایش به پوشش و عفاف یک گرایش فطری در میان زنان و مردان است اما میزان و شکل آن رابطه‌ی مستقیمی با اخلاق و فرهنگ جوامع داشته و دارد. در سرزمین‌های مختلف، انسان‌هایی که به ارزش‌های اخلاقی اعتقاد بیشتری داشته‌اند، از پوشش کامل‌تر و متین‌تری استفاده کرده‌اند و هر قدر سطح ارزش‌های اخلاقی در آن جوامع پایین آمده، پوشش مردان و زنان نیز در سطح پایین‌تری قرار گرفته و شکل نامناسبی پیدا کرده است. ادیان الهی، که در اصل و حقیقت، یک دین هستند، همواره بر پوشش تأکید کرده و آن را لازمی دینداری شمرده‌اند. مطابق با آیین یهود، زنان هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می‌پوشاندند و به حجاب پای‌بند بودند.^۱ در آیین مسیحیت نیز پوشش اهمیتی زیادی داشته و زنان معتقد به حضرت مسیح (ع) می‌کوشند مانند حضرت مریم (س) موی خود را بپوشانند و با حجاب وارد جامعه شوند. نقاشان مسیحی، به‌خصوص نقاشان قدیمی‌تر، تصویر حضرت مریم (س) را با پوشش و حجاب کامل می‌کشیدند. هم‌چنین از گذشته تا زمان حاضر زنان راهبه و قدیس یکی از کامل‌ترین حجاب‌ها را انتخاب کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که از نظر آنان، داشتن حجاب، به دینداری نزدیک‌تر و در پیشگاه خدا پسندیده‌تر است.

توجه داشته باشیم که در زمان ظهور حضرت مسیح (ع) در فلسطین، اروپا در شرک و بت‌پرستی به‌سر می‌برد. مردم گرفتار آداب و رسوم مشرکانه بودند و زنان آن‌ها معمولاً موی خود را نمی‌پوشاندند. اما با آمدن مسیحیت به اروپا و گسترش تعالیم دین مسیح (ع) پوشیدن موی سر نیز در میان زنان گسترش یافت. اما در دوران‌های اخیر پایبندی به تعالیم دینی کمتر شد و آن بخش از دستورات و سنت‌های حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) هم که باقی مانده، مورد غفلت قرار گرفته و به آن‌ها عمل نمی‌شود. بنابراین، بی‌حجابی زنان غرب نه‌تنها جایگاهی در اندیشه‌ی مسیحیت حقیقی ندارد، بلکه بازگشتی به سنت‌های مشرکانه‌ی قبل از حضرت مسیح (ع) محسوب می‌شود.

زنان ایرانی قبل از اسلام که عموماً پیرو آیین زرتشت بودند، با پوشش کامل در

محل‌های عمومی رفت و آمد می‌کردند. در ادیان دیگر و عموم فرهنگ‌ها، پوشش زنان به صورت یک اصل پسندیده مطرح بوده و کم‌تر قوم و ملّتی است که زنان آن پوشش مناسبی نداشته باشند. تفاوت‌ها مربوط به چگونگی و حدود آن بوده است.

گام ششم

حضور آراسته و با عفت در جامعه

برای حضور عزتمند و عقیفانه در جامعه، دو برنامه را دنبال می‌کنیم:

۱- می‌کوشیم همواره آراسته، تمیز و پاک باشیم همان‌طور که پیامبر خدا و اهل بیت ایشان این‌گونه بودند.

۲- حدود حجاب و پوشش اسلامی را رعایت می‌کنیم؛ تا هم خدای بزرگ از ما راضی باشد و هم عزت و عفاف ما در جامعه حفظ شود و این عمل ما سبب گسترش کرامت‌های اخلاقی در میان مردم گردد.

خدایا! در این راه پشتیبان و یاورمان باش.

۱- برای حضور سالم و عزتمند در جامعه، چه پیشنهادهایی برای مردان و زنان دارید؟

۲- با این که پوشش بدن و حتی موی سر در دین حضرت مسیح (ع) یک امر پسندیده است، برخی جوامع مسیحی نسبت به این موضوع بی توجه اند. به نظر شما، علت آن چیست؟

۳- با تکمیل جدول زیر مشخص کنید که کدام یک از مردان زیر نسبت به زنان، محرم و کدام نامحرم می‌باشند.

نامحرم	محرم	نسبت	
		پسرخاله	۱
		شوهرخواهر	۲
		پسرعمه	۳
		پدر بزرگ مادر	۴
		برادرشوهر	۵
		نوهی خواهر	۶
		پسرعمو	۷
		پسر دایی	۸
		برادر مادر	۹
		پسر دختر	۱۰

وضع جامعه‌ی اطراف خود را بررسی کنید و ببینید که :

۱- رفتار پسران و مردان در جامعه چگونه باید باشد تا سلامت اخلاقی جامعه حفظ شود؟

۲- عزت نفس و حفظ حرمت دختران و زنان تا چه میزان به وضع پوشش آنان بستگی دارد؟

نظارت همگانی^۱

آیا تاکنون با کشتی سفر کرده‌اید؟

در روزگاران قدیم که دریانوردان با کشتی‌های بادبانی پهنه‌ی دریاها و اقیانوس‌ها را می‌پیمودند، با حوادث دلهره‌آور و خاطره‌انگیزی روبه‌رو می‌شدند. حرکت با چند قطعه چوب بر دریایی که کرانه‌های آن ناپیداست، ساکنان کشتی را به هم نزدیک می‌کرد. آنان در هنگام خطر حس می‌کردند که چقدر سرنوشتشان به یکدیگر گره خورده است! یا با هم نجات خواهند یافت و یا با هم در دریا فرو می‌روند!

روزی رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - به یارانش فرمود: «مردم یک جامعه مانند سرنشینان کشتی‌اند. اگر کسی جایی را که نشسته، به بهانه‌ی این‌که جای خودش است، سوراخ کند، نه تنها خودش بلکه همه را غرق خواهد کرد».

رسول خدا (ص) از بیان این مثال چه هدفی داشته‌اند؟

چه شباهتی بین سرنشینان کشتی و مردم یک جامعه است؟

چه مسئولیت مشترکی بر عهده‌ی هریک از افراد جامعه می‌باشد؟

۱- این درس با استفاده از کتاب «بایدها و نبایدها» اثر آیت‌الله شهید دکتر بهشتی تنظیم شده است.

آیات شریفه‌ی زیر را به دقت و زیبا قراآت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا

..... وَلَا تَفَرَّقُوا

..... وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

..... إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً

..... فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ

فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا تا به لطف او بایکدیگر برادر شدید

وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ و بر کنار پرتگاه آتش بودید

فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا که شما را از آن رهانید

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ این گونه خدا آیات خود را روش بیان می کند

لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ تا این که هدایت شوید

..... وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ

..... يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ

..... وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

..... وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

..... وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

آل عمران، ۱۰۳ و ۱۰۴

..... وَ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ

بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

توبه، ۷۱

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ

أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ

تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ...

آل عمران، ۱۱۰

ترجمه

به کمک عبارات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

إِعْتَصِمُوا : چنگ زنید، تمسک جوید

أَلْفٌ : الفت ایجاد کرد

يُبَيِّنُ : روشن می‌کند

لَا تَفْرَقُوا : پراکنده نشوید

أَوْلِيَاءُ : جمع ولی : سرپرستان

يُطِيعُونَ : اطاعت می‌کنند

سَيَرْحَمُهُمُ : سَدَ + يَرْحَمُ + هُمْ : به زودی رحمت می‌آورد برای آن‌ها

أُخْرِجَتْ : پدیدار شده است

خَيْرٌ : بهترین

هدف واحد و مسئولیت مشترک

قبل از تدبیر در آیات و برای درک عمیق تر آنها، به سراغ سخن رسول خدا (ص) می‌رویم که جامعه‌ی اسلامی را به کشتی تشبیه کرده است تا بدانیم که این دو از چه جهاتی با هم شباهت دارند. سرنوشت سرنشینان یک کشتی که در حال گذر از دریاها و اقیانوس‌هاست، در امور زیر به هم پیوند خورده و مسئولیت مشترکی دارند:

- همه‌ی آنها با یک وسیله و به سمت یک هدف حرکت می‌کنند.
- هیچ‌یک از ساکنان کشتی نمی‌تواند به میل خود و بدون توجه به دیگران جهت حرکت کشتی را تغییر دهد.
- کشتی هم نمی‌تواند در آن واحد چند جهت متفاوت را دنبال کند.
- حفظ امنیت و سلامت کشتی برای رسیدن به مقصد بر عهده‌ی همه‌ی افراد است.
- اختصاصی بودن جا و برخی وسایل دیگر این حق را به کسی نمی‌دهد که هر طوری که میل دارد از آنها استفاده کند.
- حالات روحی و اخلاقی افراد مانند ترس یا شجاعت، ناامیدی یا امیدواری افراد در لحظه‌های خطر بر دیگران تأثیر دارد و سرنوشت همه‌ی ساکنان را تغییر می‌دهد.
- سپردن هدایت کشتی به ناخدای خبره و وظیفه‌شناس و کمک به او بهترین راه رسیدن کشتی به مقصد است.



با توجه به مشابهت جامعه اسلامی با کشتی، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱- آیا هر فردی می‌تواند به میل خود مقصدی برای کشتی اجتماع تعیین کند؟

۲- آیا هر فردی به بهانه‌ی استقلال در مسائل شخصی، می‌تواند بگوید «من هر طور که میل دارم زندگی می‌کنم و انتخاب‌های من ارتباطی به دیگران ندارد؟»

۳- آیا هر کس به بهانه‌ی نفع شخصی می‌تواند بگوید «من فقط برای رفاه و سعادت خود تلاش می‌کنم و کاری به دیگران ندارم.»؟

۴- ارتباط و تأثیرگذاری اعضای جامعه بر هم عمیق‌تر است یا سرنشینان

یک کشتی؟

.....

اکنون که علت تشبیه جامعه‌ی اسلامی به کشتی را دریافتیم، به سراغ آیات قرآن کریم می‌رویم تا پیام‌های آن را به دست آوریم.



با تدبیر در آیات ابتدای درس پیام‌های زیر را تکمیل کنید و مشخص نمایید که هر پیام از کدام آیه به دست آمده است.

ردیف	پیام آیات	سوره/آیه
۱	عامل اصلی وحدت جامعه‌ی اسلامی..... است.	
۲	افراد جامعه‌ی اسلامی مسئول رفتارهای یکدیگرند زیرا خداوند آن‌ها را..... قرار داده است.	
۳	برای انجام این مسئولیت باید یکدیگر را دعوت به..... نمایند.	
۴	هم‌چنین، برای انجام این مسئولیت باید یکدیگر را امر..... کنند.	
۵	در صورتی جامعه اسلامی یک جامعه‌ی نمونه می‌شود که به خدا..... داشته باشند و..... کنند.	
۶	با انجام این مسئولیت‌هاست که کشتی جامعه‌ی اسلامی..... می‌رسد.	
۷	یکی از عواملی که سبب می‌شود جامعه‌ی اسلامی از رحمت خداوند دور شود،..... است.	

اکنون که پیام‌های آیات را به دست آوردیم، به کمک سخنان پیشوایان بزرگوار، به تبیین مسئولیت‌های زیر می‌پردازیم.

- ۱- دعوت یک‌دیگر به خیر و نیکی.
- ۲- امر به معروف و نهی از منکر.

دعوت به خیر و نیکی

دعوت به خیر و نیکی قبل از امر به معروف است. این دعوت برای آشنایی و تشویق و ترغیب دیگران به خوبی‌هاست تا میدان بر بدی‌ها تنگ شود و تمایل به سوی آن‌ها کاهش یابد. این دعوت، هم سلامت جامعه را دوام می‌بخشد و هم به تعالی آن کمک می‌کند و هم به عنوان پیش‌گیری، مانع گسترش گناه می‌شود و نیاز به درمان را که همان وظیفه‌ی دوّم است، کم می‌کند. بهترین و مؤثرترین روش دعوت نیز روش عملی است؛ چنان‌که امام صادق (ع) می‌فرماید:

دعوت‌کننده‌ی مردم باشید اما نه با زبان، بلکه با پارسایی، تلاش، نماز و نیکی، که این رفتارها خود دعوت‌کننده هستند.^۱

راستی کسی که خود به خوبی‌ها عمل نمی‌کند، چگونه می‌تواند دیگران را دعوت نماید؟ کسی که خود تمایلی به خوبی‌ها ندارد، چگونه می‌تواند در دیگران میل به آن‌ها را پدید آورد؟ مرتبه‌های بعدی دعوت به خیر، دعوت با زبان و گفت‌وگو، با کتاب و مقاله، با شعر، تصویر، فیلم و مانند این‌هاست.

امر به معروف و نهی از منکر

در احکام دین، به واجبات و مستحبات «معروف» و به محرّمات و مکروهات «منکر» گفته می‌شود. با این که دعوت به خوبی‌ها و نیکی‌ها، گرایش به آن‌ها را در مردم افزایش می‌دهد و زمینه‌های گناه را کم می‌کند، اما همواره افرادی هستند که از فرمان‌های الهی سرپیچی می‌کنند و مرتکب گناه می‌شوند؛ یعنی واجبات را ترک می‌کنند و محرّمات را انجام می‌دهند. به علت ارتباط و پیوند عمیق میان انسان‌ها و تأثیرپذیری فراوانی که از یکدیگر دارند، در صورتی که در مقابل گناهکار اقدام مناسب نشود، رفتار او مانند یک بیماری مسری به دیگران سرایت می‌کند.

این اقدام مناسب همان «نظارت همگانی» است که به صورت «امر به معروف و نهی از منکر»^۲ در جامعه‌ی اسلامی به اجرا درمی‌آید. این وظیفه آن چنان مهم و ارزشمند است که امام حسین (ع) هدف از قیام و شهادت خود و یارانش را احیای آن دانست.

حضرت علی (ع) در وصیت خود به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) که در واقع وصیتی به همگان است، می‌فرماید:

۱- کافی، چاپ اسلامی، ج ۳، ص ۱۲۸

۲- امر به معروف و نهی از منکر در واجبات و محرّمات واجب است و در مستحبات و مکروهات، مستحب است.

امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که افراد شرور و بدکار جامعه بر شما مسلط می‌شوند و آن‌گاه هر چه دعا کنید به اجابت نرسد.^۱

امام باقر (ع) می‌فرماید :

امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ی بزرگ الهی است که همه‌ی واجبات با آن برپا می‌شود و به وسیله‌ی آن امنیت برقرار می‌گردد، کسب و کار مردم حلال و حقوق افراد تأمین می‌شود و در سایه‌ی آن آبادانی می‌آید و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها رو به راه می‌گردد.^۲

قوم بنی‌اسرائیل، هم در زمان حضرت داود(ع) و هم در عصر حضرت عیسی (ع) راه نافرمانی از خدا را پیش گرفتند و چنان در گناه غرق شدند که مورد لعن این پیامبران بزرگ واقع شدند.^۳ امام صادق (ع) درباره‌ی آنان می‌فرماید :

گروهی از اینان هرگز در کارهای گناهکاران شرکت نداشتند اما هنگامی که آن‌ها را ملاقات می‌کردند، به روی آن‌ها می‌خندیدند و با آنان مأنوس می‌شدند.^۴

از طرف دیگر، اگر کسانی امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهند، در خیر و خوبی‌های جامعه شریک می‌شوند و خداوند به خاطر آن خوبی‌ها هم به آنان پاداش می‌دهد.

رسول خدا (ص) می‌فرماید :

هر کس به کار نیکی امر یا از کار بدی بازدارد یا مردم را به خیر راهنمایی کند یا به نحوی موجبات تشویق آن‌ها را فراهم سازد، در آن عمل خیر سهیم و شریک است و همچنین، هر کس امر به کار بد کند یا دیگران را بدان راهنمایی و تشویق نماید، او نیز در آن بدی شریک است.^۵

اهمیت این وظیفه تا آن‌جاست که امام علی (ع) می‌فرماید :

تمام کارهای نیک، حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره‌ی آبی است در برابر دریای پهناور.^۶

۱- نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۷

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، باب اول، حدیث ۶، ص ۳۹۵

۳- مائده، ۷۸ و ۷۹

۴- تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۲

۵- تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۹

۶- وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُنُهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفِثَةٍ فِي

بَحْرِ لُجِّي - نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴



برخی از افراد وقتی مرتکب گناهی می‌شوند و دیگران به آن‌ها تذکر می‌دهند، این را دخالت در حوزه‌ی زندگی خود می‌شمرند و سلب آزادی خود تلقی می‌کنند. این دیدگاه را با آیات و روایات، به‌خصوص با مثال کشتی مقایسه کنید و نتیجه‌گیری نمایید.

.....

.....

.....

.....

احکام امر به معروف و نهی از منکر

این احکام عبارتند از :

الف - شرایط انجام امر به معروف و نهی از منکر

کسی که می‌خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، باید :

۱- بداند چیزی را که شخص ترک کرده و انجام نداده، از واجبات است و یا آنچه را انجام داده، از محرمات است.

۲- بداند که شخص گناهکار تصمیم دارد گناه خود را ادامه دهد. پس اگر نداند یا گمان کند یا احتمال بدهد که تکرار نمی‌کند، امر به معروف یا نهی از منکر واجب نیست.

۳- احتمال بدهد که فلان روش برای امر و نهی او مؤثر واقع می‌شود و اگر بداند که با تغییر روش، امر و نهی او مؤثر واقع می‌شود، باید سعی کند روش خود را تغییر دهد تا امر به معروف و نهی از منکر دارای تأثیر باشد. مثلاً اگر توضیح دادن مؤثر نبود، می‌توان روش را عوض کرد. مثلاً کتاب مناسب معرفی کرد یا از فردی که با اطلاع‌تر است کمک گرفت.

۴- بداند که در امر و نهی او مفسده‌ای نیست. پس اگر بداند یا احتمال بدهد که از این طریق امر و نهی او ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه دارد، باید روش دیگری پیش گیرد.

توجه : اگر انجام یک معروف یا ترک یک منکر از اموری باشد که خداوند به آن اهمیت زیاد می‌دهد، مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن کریم یا احکام ضروری دین، باید اهمیت آن را جدی تلقی کنیم و خطرات

آن را تحمل کنیم و ضررهای آن را بپذیریم. امام حسین - علیه السلام - و یارانش برای حفظ اسلام و از بین بردن ظلم و فساد بنی امیه جان خود را فدا کردند و آن مصیبت بزرگ را تحمل نمودند.

ب - مراحل امر به معروف و نهی از منکر

مرحله اول: با شخص گناهکار طوری رفتار شود که بفهمد این رفتار به خاطر گناه او بوده است؛ مانند این که از او روی بگردانیم یا به او اخم کنیم.

مرحله دوم: با زبان، او را امر یا نهی کنیم و اگر احتمال می دهیم با موعظه و نصیحت از گناه دست برمی دارد، لازم است به همین اکتفا کنیم. در موعظه و نصیحت می توان از شیوه های مختلف تربیتی و استدلال و منطق بهره برد تا میزان تأثیرگذاری افزایش یابد و شخص گناهکار به عواقب و نتایج عمل خود بهتری پی برد.

مرحله سوم: او را از انجام حرام بازداریم یا به واجب وادار کنیم. این مرحله برای زمانی است که بدانیم راه دیگری وجود ندارد. البته انجام این مرحله در جامعه، در حوزه ی مسئولیت های حاکم اسلامی و مشروط به اجازه ی اوست.

ج - توصیه های مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر

انتخاب روش های درست برای انجام امر به معروف و نهی از منکر بسیار مهم است. زیرا اگر این وظیفه به روش درست انجام نگیرد، نتیجه ی معکوس دارد به طوری که گاهی سبب می شود فرد گناهکار بر گناه خود اصرار بورزد و اخوت اسلامی از بین برود؛ از این رو، امام خمینی - رحمة الله علیه - توصیه می کند که:

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، موظف است:

- ۱- در انجام آن، مرتکب گناهی - مانند دروغ، توهین و تحقیر - نشود.
- ۲- مانند طیبی مهربان رفتار کند.
- ۳- مصلحت مخاطب را رعایت کند.
- ۴- از خودخواهی و خودستایی بپرهیزد.
- ۵- قصدش تنها رضای خدا باشد.
- ۶- خود را منزه از گناه و برتر از گناهکار نبیند.
- ۷- اگر بداند و با احتمال دهد که امر به معروف و نهی از منکر با تکرار، مؤثر واقع می شود، باید

آن را تکرار کند^۱.

با توجه به گسترش روابط اجتماعی و پیدایش رسانه‌های جدید مانند روزنامه‌ها، مجلات، سینما، رادیو و تلویزیون، از همه‌ی این رسانه‌ها برای دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر که جنبه‌ی اجتماعی و عمومی دارند، باید کمک گرفت. در استفاده از رسانه‌ها نیز باید شرایط و مراحل که ذکر شد، به‌صورت دقیق رعایت شود تا حقوق، احترام و آبروی افراد حفظ گردد و امر به معروف و نهی از منکر نتیجه‌بخش باشد.

بیشتر بدانیم

آیا می‌دانید هدف اصلی نهضت حسینی چه بود؟

روزی که امام حسین (ع) تصمیم گرفت برای قیام علیه یزیدیان مدینه را به‌سوی مکه ترک کند، کنار قبر جدش رسول‌خدا (ص) آمد و با خدا نیایش کرد و گفت:

خدایا! این قبر پیامبر تو محمد (ص) است، و من فرزند دختر پیامبر توأم. آن‌چه برای من پیش آمده است، تو از آن آگاهی؛ خدایا من دوستدار خوبی‌ها و بیزار از بدی‌ها هستم.^۲

سپس وصیتی نوشت و به برادرش محمد حنفیه داد. در این وصیت‌نامه فرمود:

انگیزه‌ی نهضت و انقلاب من، هوی و هوس و تمایلات شخصی نیست، هدف من فساد و ستمگری نیست، بلکه هدف من اصلاح اوضاع نابسامان امتِ جدّم پیامبر (ص) است. هدف من امر به معروف و نهی از منکر است.^۳

ما نیز در زیارت وارث شهادت می‌دهیم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ
وَآمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ.

به‌راستی که او شهید امر به معروف و نهی از منکر است.

۱- تحریر الوسیله، چاپ دفتر انتشارات اسلامی، ج ۳، صص ۲۲۳-۲۹۱

۲- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸

۳- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹

جلوه‌ی شجاعت و عزت در امر به معروف و نهی از منکر

از روز هشتم محرم تا روز ورود خانواده‌ی امام حسین (ع) به مجلس یزید را در خاطر مرور کنید. حوادث غمباری را که در این مدت بر حضرت زینب (س) گذشته از نظر بگذرانید. سپس فضای مرگبار مجلسی را که ایشان به‌عنوان اسیر در آن حاضر است، مجسم کنید و یزید را که اکنون رئیس یکی از قوی‌ترین حکومت‌ها در جهان است، با آن قساوت و ددمنشی بنگرید.

سپس برگردید و قامت استوار زینب (س) را مشاهده کنید و به کلام او گوش فرا دهید که چگونه به رفتار مغرورانه‌ی یزید پاسخ می‌دهد:

بسم الله الرحمن الرحيم. سپاس و ستایش برای خدای جهانیان است. درود خدا بر جدّم سالار پیامبران و خاندانش.

راست گفت خدای سبحان، آن‌جا که فرمود:

«سپس فرجام آنان که مرتکب گناه شدند، بسی بدتر بود، زیرا آنان آیات خدا را

دروغ شمردند و به استهزاء آن پرداختند.»^۱

چه گمان کرده‌ای یزید؟!

این که راه‌های زمین و آفاق آسمان را بر ما بست و ما را بسان اسیران به این سو و آن سو راندی، گمان می‌کنی که نشانگر خواری ما نزد خدا و عزت و بزرگی تو نزد اوست؟

کبر ورزیدی، گردن‌فرازی کردی و به خود بالیدی و شادمان گشتی از این که دنیا به تو روی آورده، کارها بر وفق مرادت شده و ملک ما و حکومت ما به سیطره‌ات درآمده است؟!

کجا با این شتاب؟!

آهسته‌تر یزید!

فراموش کرده‌ای این فرموده‌ی خداوند را که:

«انان که کفر ورزیدند، گمان نکنند که مهلت ما به سود آن‌هاست. ما به آنان مهلت

۱- ترجمه‌ی آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی روم

و فرصت می‌دهیم تا بر گناهانشان بیفزایند و غذایی دردناک در انتظار آنان است.^۱ ای فرزند آزاد شدگان که بر آنان منت گذاشته شد! آیا این از عدالت است که زنان و کیزان تو در پرده باشند و دختران رسول خدا، اسیر و آواره؟ حجاب آنان را بدری، روی آنان را بگشایی، دشمنان، آنان را از شهری به شهری ببرند و روستایی و شهری بدانها چشم بدوزند و از نزدیک و دور و پست و شریف به تماشایشان بایستند در حالی که نه از مردانشان سرپرستی مانده و نه از یاورانشان، مددکاری.

و چه توقع و انتظاری است از فرزندان آن جگرخواری^۲ که جگر پاکان را به دندان کشیده و گوشتش از خون شهیدان روییده است؟! و چگونه در عداوت با ما شتاب نکند کسی که به ما به چشم بغض و کینه و خشم و دشمنی می‌نگرد و بی‌هیچ حیا و پروایی می‌گوید: «ای کاش پدرام بودند و از شادمانی فریاد می‌زدند: ای یزید! دست‌میزاد!» و بی‌شرمانه بر لب و دندان اباعبدالله، سید جوانان اهل بهشت، چوب می‌زند!

ای یزید! چرا چنان نگویی و چنین نکنی؟! تویی که جراحت را به انتها رساندی و ریشه‌مان را بریدی و خون فرزندان محمد(ص) و ستارگان زمین از خاندان عبدالمطلب را به خاک ریختی و یاد پدرانت کردی و به گمانت آنان را فراخواندی. پس به زودی به آنان می‌پیوندی و به عاقبت آنان دچار می‌شوی و آرزو می‌کنی که ای کاش لال بودی و آنچه گفتی، نمی‌گفتی. و آرزو می‌کنی ای کاش فلج بودی و آنچه کردی، نمی‌کردی.

بارخدا! حق ما را بستان و از ستمگران بر ما انتقام بکش و خشم و غضب را بر قاتلان ما و قاتلان حامیان ما جاری ساز.

قسم به خدا که ای یزید! تو پوست خود را دریدی و گوشت خود را بریدی و به زودی بر رسول خدا وارد می‌شوی با بار سنگینی از خون فرزندانش و هتک حرمت

۱- ترجمه‌ی آیه‌ی ۱۷۸ سوره‌ی آل‌عمران

۲- مادر بزرگ یزید، «هند» همسر ابوسفیان بود که در جنگ احد بالای بدن حمزه، عموی پیامبر(ص) آمد، با خنجر بدنش را درید و

تکه‌ای از جگرش را به دندان گرفت و جوید.

خاندان و بستگانش، در آن جا که خداوند آشفتنگی آنان را سامان می‌بخشد، خاطر پریشان آن‌ها را جمع می‌کند و حقّشان را می‌ستاند.

«و گمان مبرید آنان که در راه خدا کشته شدند، مرده‌اند، آنان زنده‌اند و در نزد خداوندشان روزی می‌خورند.»^۱

و تو را همین بس که حاکم خداست. محمد (ص) دشمن توست و جبرئیل پشتیبان او. و به زودی آن‌که سلطنت را برای تو آراست و تو را بر گردن مسلمانان سوار کرد، خواهد دید که ستمگران را چه عقوبت و جایگاه بدی است و خواهید دید که کدام یک از شما جایگاه بدتری دارد و لشکر ناتوان‌تری.

و اگر چه روزگار، مرا با تو هم گفتار کرد ولی من همچنان تو را حقیر می‌بینم و سرزشت را لازم می‌شمرم و توییخت را واجب می‌دانم.

ولی حیف که چشم‌هایمان اشکبار است و سینه‌هایمان آتش‌دار.
در شگفتم! و بسیار در شگفتم از این‌که بزرگ‌زادگان حزب خدا به دست بردگان آزاد شده‌ی حزب شیطان، کشته شدند!؟

و از دستهای شماس است که خون ما می‌چکد و با دهان‌های شماس است که گوشت ما کنده می‌شود.

مگر نه این‌که گرگ‌ها بر گرد آن بدن‌های پاک و تابناک حلقه‌زده‌اند و گفتارها، آن‌ها را در خاک می‌غلطانند.

اگر اکنون غنیمت تو هستیم، به زودی غرامت تو خواهیم شد. آن هنگام که هیچ چیز جز اعمال خویش را با خود نخواهی داشت و خدایت به بندگان خویش ستم نمی‌کند و ملجأ و پناه من خداست و شکوه گاه من خداست.

پس هر مکرری که می‌توانی بساز و هر تلاشی که می‌توانی بکن.
به خدا سوگند که ریشه‌ی یاد ما را نمی‌توانی بخشکانی و وحی ما را نمی‌توانی بمیرانی و دوره‌ی ما را نمی‌توانی به سر برسانی و ننگ این حادثه را نیز نمی‌توانی از خود برانی.

عقلت منحرف و محدود است و ایام حکومت کوتاه و معدود و جمعیت پراکنده

۱- ترجمه‌ی آیه‌ی ۱۶۹ سوره‌ی آل عمران

۲- یعنی در قیامت، در پیشگاه خدا باید جواب بدهی و زبان همه‌چیز را برداخت کنی.

و مطرود. روزی خواهد رسید که منادی ندا خواهد کرد:

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ.^۱

پس حمد و سپاس از آن خدای جهانیان است که برای اولمان سعادت و مغفرت
رقم زد و برای آخرمان، شهادت و رحمت.

از خدا می‌خواهیم که ثوابشان را کامل کند و بر پاداششان بیفزاید و ما را جانشینان
شایسته‌ی آنان قرار دهد؛ که او با محبت و مهربان است و او برای ما کافی است و هم او
بهترین پشتیبان ماست.^۲

ای زینب ای شگوفی گلزار عاشقی صبرت رهی کثوده به اسرار عاشقی
از خطبمی بلوغ تو عالم شنیده‌اند شور حماسی تو و تکرار عاشقی
صدای دل است بسته به بند کلام تو فاتح‌ترین، به عرصه‌ی پیکار عاشقی
پنداشتم که اول آسودگی ست عشق پندار من به باد شد از کار عاشقی
وقتی به بند دیدم ای عاشق غریب چون لاله‌های تشنه و تبار عاشقی
فردا به دامنست برسد کاش بخت ای دستی چنین تویی و خریدار عاشقی

عصمت یزدانی

۱- هود، ۱۸: آگاه باشید که لعنت خدا بر ستمکاران عالم است.

۲- ترجمه از کتاب «آفتاب در حجاب» اثر سید مهدی شجاعی، صص ۲۰۴-۲۰۰

گام هفتم

حضور مسئولانه در جامعه

همان‌طور که از سعادت و بهروزی خود لذت می‌برم، کامرانی و خوشبختی دیگرانسان‌ها نیز برایم شیرین و شادی‌آور است. بنابراین برای رستگاری آنان نیز تلاش می‌کنم و کارهای زیر را در برنامه‌ی روزانه‌ی خود قرار می‌دهم:

۱- همواره دیگران را با روش‌های درست، به‌خصوص با انجام عمل نیک به نیکی‌ها دعوت کنم.

۲- در مقابل ترک واجبات و انجام محرمات احساس مسئولیت کرده، برای جلوگیری از تکرار آن‌ها اقدام نمایم.

۱- با تفکر در آیات درس، ثمرات امر به معروف و نهی از منکر را به دست آورید.

۲- کدام خیرها و خوبی‌هاست که نیاز به دعوت به آن‌ها را بیش‌تر احساس می‌کنید؟

بهترین راه دعوت دیگران به کارهای خوب چیست؟ راه حل عملی شما کدام است؟

۳- یکی از مصادیق کارهای خوب (معروف) در مدرسه، محله و شهر شما را که ترک شده، نام ببرید و راه‌های پیشنهادی برای انجام دادن آن را بیان کنید.

۴- یکی از مصادیق منکر را که در مدرسه، محله یا شهرتان بیش‌تر مشاهده کرده‌اید، نام ببرید و راه‌های عملی برای ترک آن را پیشنهاد دهید.

۵- در رفتار میان کشورها و ملت‌ها، به‌خصوص قدرت‌های بزرگ با سایر کشورها چه منکرهایی مشاهده می‌کنید؟

۶- آیا می‌توان مبارزات ملت فلسطین را مصداقی از امر به معروف به حساب آورد؟

با همکاری یکدیگر، سخنرانی حضرت زینب را در قالب یک نمایش اجرا کنید.



کار و درآمد حلال

انسان‌هایی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، با کار و تلاش و به کمک یکدیگر نیازهای مادی و معنوی خود را رفع می‌نمایند. برای این که هر کدام از ما بتوانیم در این همکاری عمومی مسئولیت خود را به درستی انجام دهیم، لازم است درباره‌ی سؤال‌های زیر فکر کنیم و پاسخ آن‌ها را به دست آوریم و سپس برای آن‌ها برنامه‌ریزی نماییم:

- ۱- آیا انسان می‌تواند از هر راهی کسب درآمد کند؟
- ۲- درآمدهای به دست آمده چگونه باید مورد استفاده قرار گیرد؟
- ۳- افراد جامعه نسبت به هزینه‌های عمومی و بهبود زندگی مستمندان چه وظیفه‌ای دارند؟

آيات شريفه ي زير را به دقت و زيبا قرائت كنيد.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ

لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ

وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا

وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ

وَفِي الرِّقَابِ

وَالْغَارِمِينَ

وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ

وَأَبْنِ السَّبِيلِ

فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

توبه، ۶۰

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ

فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ،

وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ

وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ

وَإِنِ السَّبِيلِ

انفال، ۴۱

هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ
وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...
او شما را از زمین آفرید
و شما را به آبادانی آن واداشت

هود، ۶۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
اتَّقُوا اللَّهَ
وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا
إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
ای کسانی که ایمان آورده اید
پروای خدا داشته باشید
و آنچه را از ربا باقی می ماند، رها کنید؛
اگر مؤمن هستید

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا
فَأَذْنُوبَ بَحْرٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
وَإِنْ تُبْتُمْ
فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ
لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ
پس اگر چنین نکنید
با خدا و رسولش اعلان جنگ دهید.
و اگر توبه کنید
سرمایه هایتان از آن خودتان
تا نه ظلم کنید و نه مورد ظلم واقع شوید.

بقره ۲۷۸ و ۲۷۹



به کمک عبارات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

صَدَقَاتُ : جمع صَدَقَة، در این آیه به معنی زکات
ذِي الْقُرْبَىٰ : فقیران خویشاوند پیامبر
لَا تُظْلَمُونَ : نه ستم ببینید، به شما ظلم نمی‌شود
فَرِيضَةٌ : واجب
خُمْسٌ : یک پنجم

کار، منشأ اصلی تولید ثروت

در بینش و تفکر اسلامی، کار خلاق و مولد، منشأ اصلی کسب مال و درآمد و کلید استفاده از منابع طبیعی و خدادادی است.^۱ منطق فطرت هم برای پدید آورنده‌ی یک شیء حق تصرف در آن را می‌پذیرد و او را مالک می‌شناسد. به همین جهت، مالک اصلی و حقیقی همه‌ی موجودات خداست. رسول خدا(ص) می‌فرماید:

هر کس به آباد کردن زمینی که بی‌استفاده است بپردازد و شخص دیگری در این کار بر او سبقت نگرفته باشد، آن زمین از آن او خواهد بود.^۲

بنابراین، کار، یا باید مولد و خلاق باشد و یا نتیجه‌ی مفیدی داشته باشد تا بتوان نام «کار» بر آن گذاشت. البته کار مولد و خلاق اختصاص به کار در کارخانه یا کشاورزی و پزشکی ندارد. تولید علم و پیشرفت در رشته‌های علمی از مهم‌ترین کارهاست. تجارت کالاها، مفید و حلال و خدمات نیز از کارهای سودمند محسوب می‌شوند و لازم است که گروهی از مردم چنین شغل‌هایی داشته باشند. یکی از بدترین بلاها برای هر جامعه روی آوردن به کارهای کاذب و دوری از کار مفید و مولد است، امری که پیشوایان ما به صراحت آن را منع کرده‌اند.

پیام آیات (۱)

در آیات ابتدای درس بیندیشید و پاسخ سؤال‌های زیر را به دست آورید.

ردیف	پیام	سوره / آیه
۱	خداوند از انسان‌های روی زمین چه خواسته است؟
۲	کسب درآمد از کدام راه حرام است؟
۳	کسب درآمد از این راه مساوی با چه کاری است؟
۴	اگر کسی بخواهد توبه کند و از این راه برگردد، باید چه کار کند؟

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۲۶

۱- اقتصاد اسلامی، شهید دکتر بهشتی، صص ۱۹ و ۲۰

ربا، کاذب‌ترین کارها

چرا قرآن کریم با چنین شدت و سختی با کسب درآمد از طریق ربا مبارزه کرده است؟ علت آن

را بررسی می‌کنیم:

پول وسیله‌ای برای مبادله‌ی کالا است. اگر این پول، خودش مستقلاً مورد معامله قرار گیرد، بدون این که فایده‌ای در کار باشد، ربا پیش می‌آید. برخی اشخاص مقداری پول را نزد خود انباشته می‌کنند و آن را به کسانی که نیاز دارند، قرض می‌دهند و بدون این که کاری انجام دهند یا در کار آنها شریک شوند و خطر احتمالی را بپذیرند، با وام‌گیرنده شرط می‌کنند که پول بیش‌تری بازگرداند. این عمل سبب می‌شود کسانی بدون فعالیت و کار به ثروت‌های زیادی برسند و پول که باید در جامعه گردش داشته باشد، در دست عده‌ای خاص متمرکز شود. گروهی هم که ناچار می‌شوند از چنین کسانی پول بگیرند، روز به روز فقیرتر می‌گردند؛ زیرا اینان ناچارند علاوه بر پولی که قرض گرفته‌اند، درصد زیادی نیز که قرض دهنده درخواست کرده، بپردازند. ادامه‌ی این کار سبب می‌شود که نیازمندان جامعه نیازمندتر و رباخواران حریص‌تر و ثروتمندتر شوند و طبقه‌ای استثمارگر در جامعه پدید آید. امروزه، سرمایه‌داران بزرگ جهان وام‌هایی با بهره‌های سنگین به کشورهای فقیر و نیازمند می‌دهند و چون آن کشورها توان پرداخت پیدا نمی‌کنند، ناچار می‌شوند معادن و ثروت‌های طبیعی خود را در اختیار آن سرمایه‌داران قرار دهند. به همین سبب جهان به دو قطب غنی و فقیر، ثروتمند و گرسنه، مسلط و زیر سلطه تقسیم شده است.

در عصر رسول خدا (ص) مردم عربستان به «ربا» آلوده بودند؛ تا این که از جانب خداوند دستور آمد این عمل را ترک کنند و به جنگ با خدا و رسول او (ص) نپردازند.

مشارکت کار و سرمایه

اکنون این سؤال پیش می‌آید که اگر کسی پول و ثروتی داشت، چگونه از ثروت خود درآمدی

کسب کند؟

در پاسخ می‌گوییم: در هر فعالیت اقتصادی، دو عامل دخالت دارد: سرمایه و کار. با سرمایه و کار نوعی مشارکت اقتصادی به وجود می‌آید و سود یا زیان آن، بنابر توافق قبلی، میان صاحب سرمایه و انجام‌دهنده‌ی کار تقسیم می‌شود.

برنامه‌ی اسلام در مورد ثروت و سرمایه، به کار گرفتن آن در تولید و سازندگی و توسعه و رفع فاصله‌ی طبقاتی و فقر است. آنان که ثروت اندوخته دارند، شایسته است آن را در بستر تولید و حیات

اقتصادی به کار گیرند یا با کسانی که نیازمند سرمایه‌اند، شریک شوند، یا به صورت قرض الحسنه به نیازمندان بدهند تا بتوانند به کار و تولید پردازند.

سرمایه باید مانند خون در رگ‌های اقتصادی جامعه جریان داشته باشد و با گردش خود حیات جامعه را تأمین کند و عدالت اقتصادی را ممکن سازد.

وقتی سرمایه‌ی افراد با کار مهندسان، کشاورزان، کارگران، محققان، معلمان و استادان همراه شود، چرخ تولید به راه می‌افتد و ثروتی که از این راه به دست می‌آید باید براساس توافق قبلی و به عدالت میان صاحبان سرمایه و کار تقسیم شود. یکی از راه‌های برقراری عدالت، توزیع عادلانه‌ی سود حاصل از فعالیت اقتصادی میان دارندگان کار و سرمایه است. سودی که از این راه به صاحب سرمایه می‌رسد، نه تنها حلال و پاک است بلکه اگر با نیت الهی باشد، اجر و ثواب اخروی هم خواهد داشت.

بانکداری

در نظام اسلامی، بانک کانون مشارکت کار و سرمایه است. صاحبان پول و سرمایه، ثروت خود را بدان جا می‌سپارند تا در یک فعالیت اقتصادی مانند راه‌اندازی کارخانه، بناکردن ساختمان، آباد کردن زمین کشاورزی و تأسیس مراکز علمی و پژوهشی به کار گرفته شود و سود حاصل میان بانک، صاحب سرمایه و صاحب فعالیت تقسیم می‌شود. همچنین بانک به عنوان صاحب سرمایه با افراد جامعه وارد مشارکت می‌شود و سرمایه‌ی خود را طی قراردادی در اختیار افراد متقاضی می‌گذارد و با آنان در کار مشخصی مشارکت می‌کند. سرمایه‌ی بانک و کار افراد دست به دست هم می‌دهد و فعالیت اقتصادی شکل می‌گیرد. بانک سهم خود را به صورت ماهانه دریافت می‌کند تا وام‌گیرنده توان پرداخت آن را داشته باشد.

بنابراین، بانکداری در نظام اسلامی راهی برای مشارکت کار و سرمایه است. آنچه اهمیت دارد این است که بانک‌ها سود حاصل از مشارکت خود را عادلانه تعیین کنند تا افراد جامعه توانایی همکاری سازنده با بانک را داشته باشند. روشن است اگر بانک‌ها بخش بیشتری از سود به دست آمده را بردارند، روش عادلانه‌ای را پیش نگرفته‌اند.

قانون بانکداری که در مجلس شورای اسلامی تصویب شده و مبنای عمل بانک‌هاست، براساس مشارکت سرمایه و کار استوار است و از این جهت با مقررات مالی اسلام مطابقت دارد.



همکاری و مشارکت در امور خیریه و تأمین هزینه‌های آن را بررسی کنید و به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

- ۱- این مشارکت چه آثاری بر انسان کمک‌کننده دارد؟
- ۲- این مشارکت چه تأثیری بر فرهنگ عمومی جامعه می‌گذارد؟

.....

.....

.....

انفاق بر دو نوع است: واجب و مستحب.
انفاق واجب نیز به دو صورت «زکات» و «خمس» انجام می‌گیرد.
۱- **زکات**: قرآن کریم در بسیاری موارد، پس از برپا داشتن نماز بر پرداخت زکات تأکید کرده است.^۱

زکات یک انفاق واجب است که به برخی از اموال تعلق می‌گیرد. این اموال عبارت‌اند از:

۱- **غلات**: گندم، جو، خرما و کشمش

۲- **دام‌ها**: شتر، گاو و گوسفند

۳- **سگه‌ها**: طلا و نقره.

باید توجه داشت که:

الف: زکات اموال مذکور در صورتی واجب است که مورد زکات به حد معین یا تعداد معین برسد. هر یک از این اموال نه‌گانه حدّ نصاب خاصی دارند.

ب: زکات، یک عبادت است و لازم است به نیت زکات و با قصد قربت انجام شود.

ج: زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سگه‌ای باشد که معامله‌ی با آن رواج دارد؛ بنابراین، زیورآلات خانم‌ها زکات ندارد.

۱- مانند آیات ۸۳ و ۱۱۰ سوره‌ی بقره

زکات فطره

در پایان ماه رمضان که عید فطر فرا می‌رسد و همه در شادی به سر می‌برند، خداوند، برای کمک به محرومان و مستمندان جامعه زکات فطره را واجب کرده است و احکام آن به شرح زیر است:

الف - کسی که موقع غروب شب عید فطر بالغ و عاقل و هشیار است و فقیر نیست باید برای خودش و کسانی که نان‌خور او هستند، هر نفر به میزان تقریبی ۳ کیلوگرم گندم یا جو یا خرما یا برنج و مانند این‌ها به مستحق بدهد. اگر پول یکی از این‌ها را هم بدهد، کافی است.

ب - کسی که دیگری باید فطره‌ی او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد.

ج - کسی که نمی‌تواند مخارج سال خود و خانواده‌اش را تأمین کند و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و خانواده‌اش را پرداخت کند، فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست.

د - انسان باید زکات فطره را به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند بپردازد و موقع پرداختن نیت زکات فطره نماید.

۲ - **خمس**: خمس یکی از راه‌های تأمین نیازهای جامعه است که به هفت چیز تعلق می‌گیرد و رایج‌ترین آن‌ها منفعت کسب و کار است. همه‌ی کسانی که از طریق کار، درآمدی کسب می‌کنند، پس از صرف هزینه‌های سالانه‌ی زندگی خود و خانواده، باید $\frac{1}{5}$ آنچه را باقی مانده، به عنوان خمس بپردازند.

حساب سال: حتماً شنیده‌اید که می‌گویند هر کس باید برای پرداخت خمس، حساب سال داشته باشد. داشتن حساب سال به این معناست که هر کس باید یک روز از سال را روز تعیین میزان خمس اموال خود قرار دهد تا ببیند که آیا پرداخت خمس برعهده‌ی او هست یا نه. چنین شخصی در طول سال درآمدهایی به دست می‌آورد و از این درآمد، مخارج زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین می‌کند. پس از گذشت یک سال، وقتی به روز موعود رسید، اگر از درآمد او چیزی باقی مانده باشد - چه به صورت پول و چه به صورت کالا - باید $\frac{1}{5}$ آن را به عنوان خمس به حاکم اسلام و یا مجتهد جامع الشرایط پرداخت کند تا ایشان در راه‌هایی که قرآن کریم و رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) معین کرده‌اند، به مصرف برساند.



نحوه‌ی پرداخت خمس یک خانم پرستار که ماهانه حقوق می‌گیرد، یک مغازه‌دار و یک دانش‌آموز چگونه است؟ برای هر کدام مثالی بزنید.

باید توجه داشت که :

۱- تا خمس مال پرداخت نشود، استفاده از آن جایز نیست؛ مثلاً با پولی که خمس آن پرداخت نشده، نمی‌توان چیزی خرید.

۲- اگر با پولی که خمس آن داده نشده است، خانه‌ای خریداری شود، نماز خواندن در آن خانه باطل است.

۳- آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف در خانه خریده شده است - مانند برنج، روغن و چای - اگر در آخر سال زیاد بیاید باید خمس آنچه باقی مانده است، پرداخت شود.

۴- زیورآلات خانم‌ها، اگر بیش از مقدار مصرفی متداول آن‌ها باشد و جنبه‌ی ذخیره به خود بگیرد، قسمت اضافی آن دارای خمس است و خمس آن باید پرداخت شود.

۵- اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشند، یک پنجم آن چیز مال او نمی‌شود.

۶- اگر بچه‌ای سرمایه‌ای داشته باشد و از آن منفعی به دست آید، بنا بر احتیاط واجب بعد از آن که بالغ شد باید خمس آن را بدهد.

ب - مالیات

تشکیل جوامع کوچک و بزرگ، مانند روستاها، شهرها و کشورها هزینه‌هایی به دنبال دارد که باید توسط افراد همان جامعه تأمین شود. امروزه یک شهر مانند خانه‌ای بزرگ است و همان‌گونه که یک خانواده، هزینه‌های رفاهی خود در خانه را می‌پردازد، باید هزینه‌های رفاهی خود در شهر را نیز پرداخت کند. پس تأمین هزینه‌های شهری برعهده‌ی همه‌ی شهروندان است.

علاوه بر هزینه‌های یک شهر، هزینه‌هایی وجود دارد که مربوط به زندگی در یک کشور است. ساخت راه‌های میان شهرها و روستاها، محافظت از جنگل‌ها و محیط‌های طبیعی، ایجاد امنیت و مانند این‌ها هزینه‌هایی دارد که افراد کشور باید در تأمین آن مشارکت کنند.

پرداخت مالیات برای تأمین این‌گونه هزینه‌هاست. مالیات پولی نیست که برای دیگران پرداخت می‌کنیم، بلکه بابت هزینه‌ی زندگی خود و خانواده‌ی خودمان در جامعه است؛ از این‌رو پرداخت‌کننده‌های

مالیات نباید متنی بر کسی داشته باشند.



زکات و خمس با مالیات چه تفاوتی دارند؟ آیا می‌توان گفت که چون خمس و زکات می‌دهیم، نیازی به پرداخت مالیات نیست؟

.....

.....

.....

نظام اسلامی وظیفه دارد خمس، زکات و مالیات را با روش مناسب و با حفظ حرمت شخص پرداخت کننده، از او دریافت کند و هر کدام را در جای خاص خود هزینه نماید و در آبادانی و سازندگی کشور بکوشد. امام علی(ع) در نامه‌ای به مالک اشتر که از جانب ایشان حاکم مصر شده بود، چنین می‌نویسد:

برنامه‌ی مالیات را به گونه‌ای رسیدگی کن که به صلاح مالیات‌دهندگان باشد، زیرا بهبودی و صلاح دیگران در صلاح مالیات و مالیات‌دهندگان است، و کار دیگران سامان نیابد مگر آن که کار مالیات‌دهندگان سامان پذیرد، چرا که همه‌ی مردم جیره‌خوار مالیات و مالیات‌دهندگان هستند. اما باید بیش از آنچه به جمع مالیات بیندیشی، در فکر آبادی زمین باشی، زیرا مالیات جز از طریق آباد کردن زمین به دست نیاید، و هر کس بدون آباد کردن زمین مالیات طلب کند، شهرها را ویران و بندگان را هلاک سازد، و حکومتش جز اندک زمانی پایدار نماند.^۱

۱- نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳؛ همچنین برای کسب آگاهی بیشتر در مورد خراج و نحوه‌ی گرفتن آن به نامه‌های ۵۱ و ۶۰ نیز مراجعه

۱- فروختن مال غصبی باطل است و فروشنده باید پولی را که از خریدار گرفته به او برگرداند.

۲- غش در معامله حرام است و فروشنده باید کالای خود را با همان مشخصاتی که برای خریدار بیان می‌کند، به او بفروشد.

۳- کسب درآمد از راه قمار، ربا، رشوه، قحاق، احتکار، همکاری با مراکز فساد، کلاه برداری، تولید و خرید و فروش مواد مخدر و مانند آن حرام است.

۴- هر نوع بازی که به شرط برد و باخت و گرفتن مال از طرف بازنده باشد حرام است. مثلاً اگر در بازی فوتبال، برد و باخت در میان باشد حرام است و پول یا کالایی که از این طریق به دست می‌آید قابل استفاده نیست. البته در شرع مواردی از قبیل تیراندازی استثنا شده که برد و باخت در آن‌ها اشکال ندارد.

۵- اشتغال به غنا و موسیقی مطرب و شنیدن آن و معامله با آن و یاد دادن و یاد گرفتن آن حرام است و درآمد آن قابل استفاده نیست. غنا و موسیقی مطرب آن نوع آواز و موسیقی است که مناسب با مجالس عیش و عشرت و فساد است. گوش دادن به آوازی که غنا نباشد و نیز موسیقی غیر مطرب اشکال ندارد.

۶- بازی کردن با شطرنج، در صورتی که اولاً طرفین قصد شرط بندی و برد و باخت نداشته باشند، ثانیاً جامعه آن را جزو آلات قمار نشناسد، اشکال ندارد و در این صورت خرید و فروش آن نیز جایز است. تشخیص این که آیا جامعه شطرنج را جزو وسایل قمار می‌شناسد یا نه، بر عهده‌ی خود افراد است. بازی کردن با وسایلی که در جامعه به عنوان آلات قمار شناخته می‌شود، حتی اگر برد و باختی هم در کار نباشد، حرام است.

۷- اگر مال حلال با حرام به طوری مخلوط شود که انسان نتواند آن‌ها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب اصلی مال حرام و مقدار آن هم معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، بقیه‌ی مال حلال می‌شود. بنابر احتیاط واجب باید خمس این گونه مال‌ها از همان مال داده شود.

۸- اگر انسان چیزی را غصب کند باید به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را بدهد.

۹- استفاده شخصی از اموال دولتی، برخلاف مقررات است و استفاده کننده ضامن برگرداندن آن می‌باشد و الا مرتکب گناه شده است.

۱۰- اگر انسان مالی پیدا کند که نشانه‌ای نداشته باشد که به واسطه‌ی آن بتوان صاحبش را پیدا کرد، احتیاط واجب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد.

۱۱- هرگاه چیزی را که پیدا کرده نشانه‌ای دارد که بتوان با آن صاحبش را پیدا کرد، باید به صورت مناسبی آن را اعلام کند و اگر چنین نکرد، گذشته از این که مرتکب گناه شده، ضامن آن است.

توجه: کسب درآمد از راه حرام و ارتزاق خود و خانواده از آن، آثار بسیار خطرناک در دنیا و آخرت دارد. انجام عباداتی مانند نماز با لباس و در مکانی که از راه حرام تهیه شده باطل است و مورد قبول نیست. تربیت و رشد اخلاقی فرزندان که از درآمد حرام تغذیه می‌کنند بسیار مشکل و سخت است؛ به خصوص که اگر این درآمد حرام از دسترنج فقرا، یتیمان و مردم محروم جامعه به دست آمده باشد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«کسی که باک نداشته باشد که مال خود را از کجا به دست آورد، خدا هم باک ندارد که او را از کجا وارد دوزخ کند.»^۱

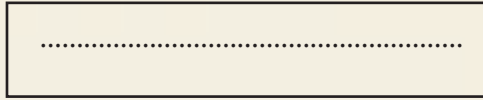
و فرمود:

«هر کس مالی را از راه حرام به دست آورد، اگر آن را صدقه دهد، از او قبول نمی‌شود و اگر بعد از خود باقی گذارد، توشه‌ی راه جهنم او می‌شود.»^۲

۱- احیاء العلوم، غزالی، ج ۲، ص ۸۱

۲- کافی، کتاب تجارت، باب ۱، حدیث ۱

گام هشتم



- ۱- زندگی خود را به گونه‌ای سامان خواهم داد که انسانی مفید و مؤثر برای جامعه باشم و با کار و تلاش مداوم مسئولیت خود را نسبت به جامعه انجام دهم.
- ۲- سعی می‌کنم بخشی از درآمد خود را در راه خدا و برای کمک به دیگران انفاق نمایم و اگر انفاق واجب بر عهده‌ام بود، به موقع پرداخت کنم.
- ۳- با پرداخت مالیات سهم خود را در هزینه‌های عمومی می‌پردازم و از این راه به رفاه عمومی و رفاه خانواده‌ی خود کمک می‌کنم.

اندیشه و تحقیق

- ۱- با این که با پرداخت انفاق بخشی از مال انسان کم می‌شود، چرا خداوند همین کار را موجب افزایش ثروت می‌شمارد؟
- ۲- آیات ۱۸ سوره‌ی حدید، ۱۲ سوره‌ی مائده و ۱۷ سوره‌ی تغابن را مطالعه کنید و توضیح دهید :
- الف - چرا قرض بدون ربا را قرض الحسنه می‌نامند؟
- ب - چه نتایجی برای قرض الحسنه بیان شده است؟
- ۳- چه انگیزه‌ای سبب می‌شود برخی بتوانند به راحتی زکات، خمس و مالیات خود را بپردازند ولی برای برخی دیگر سخت باشد و از این وظیفه‌ی دینی سرباز بزنند؟
- ۴- نمونه‌هایی از کارهای کاذب را نام ببرید و تأثیر آن را بر اقتصاد جامعه توضیح دهید.



شانزدهم درس

یاری از نماز و روزه

نماز، ستون خیمه‌ی دین و نشانه‌ی وفاداری ما به عهد خویش با خداست. جامعه‌ی اسلامی و فرد مسلمان با نماز شناخته می‌شود؛ در جامعه و خانواده‌ای که نماز راه نیافته، گویا اسلام وارد نشده است.

در کنار نماز، روزه قرار دارد. جوامع اسلامی در سراسر جهان با آمدن ماه رمضان حال و هوای معنوی پیدا می‌کنند و رفتار مردم عوض می‌شود.

با این‌که در سال‌های قبل با برخی از احکام این دو عبادت آشنا شده‌ایم، اما با توجه به اهمیت آن‌ها و جایگاهشان در برنامه‌ی زندگی فرد مسلمان، ابعاد دیگری از این دو عبادت را طرح می‌کنیم و به پاسخ سؤال‌های زیر می‌پردازیم:

۱- چرا در هر روز، پنج بار به نماز می‌ایستیم؟

۲- حکمت روزه چیست؟ چرا یک فرد مسلمان باید

روزه بگیرد؟

۳- احکام روزه کدامند؟

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و آنگاه که بندگانم درباره‌ی من از تو می‌پرسند

(بگو) : من به آنان نزدیک هستم

اجابت می‌کنم دعای آن که مرا بخواند

پس باید دعوت مرا بپذیرند

و به من ایمان آورند

باشد که راه یابند

وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي

فَأِنِّي قَرِيبٌ

أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ

فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي

وَلْيُؤْمِنُوا بِي

لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

بقره، ۱۸۶

..... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
 اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ
 إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

بقره، ۱۵۳

..... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
 كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ
 كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ
 لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

بقره، ۱۸۳

..... أَتْلُ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ
 وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ
 إِنَّ الصَّلَاةَ
 تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
 وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ
 وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

عنکبوت، ۴۵



به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

اِسْتَعِينُوا : کمک بخواید
 اُتْلُ : بخوان
 اَصِيَامُ : روزه
 كَتَبَ : واجب شده است
 تَصْنَعُونَ : می‌کنید



با تفکر در آیات درس، پیام‌های زیر را تکمیل کنید.

سوره/آیه	پیام آیات	ردیف
.....	هرکس صادقانه و از صمیم قلب خدا را بخواند و از او درخواستی کند،	۱
.....	اگر می‌خواهیم به رستگاری راه یابیم باید دعوت بپذیریم و آوریم.	۲
.....	در مسیر رفتن به سوی رستگاری لازم است از و کمک بگیریم.	۳

.....	از مهم ترین ثمرات روزه (که یکی از مصداق های صبر است) می باشد.	۴
.....	یکی از وظایف پیامبر اکرم (ص) برپا داشتن میان مسلمانان است.	۵
.....	یکی از آثار و نتایج برپا داشتن دوری از است.	۶
.....	علاوه بر این، ثمره ی برتری دارد که همان است.	۷

می دانیم که اگر خدای مهربان برای زندگی ما انسان ها برنامه ای تنظیم کرده و وظایفی بر دوش ما قرار داده، جز مصلحت و سعادت ما هدفی نداشته است و گرچه ما به مصلحت برخی از این وظایف پی نمی بریم، اما یقین داریم که او دانای حکیمی است که جز بر اساس حکمت و وظیفه ای را تعیین نمی کند. با وجود این، انسان دوست دارد حکمت و علت احکام الهی را بداند و با معرفت بیش تر دستورات الهی را انجام دهد. از این رو، خدای متعال به ما کمک کرده و فایده های مهم ترین احکام خود را از طریق آیات قرآن کریم و سخنان معصومین به اطلاع ما رسانده است.

در این آیات، خداوند، مهم ترین فایده های نماز و روزه را متذکر می شود. دو فایده نماز عبارتند از:

۱- یاد خدا ۲- دوری از گناه.

و مهم ترین فایده ی روزه نیز عبارت است از: تقوا، پاکی و پارسایی

از آن جا که در سال گذشته، درباره ی تأثیر نماز در یاد خدا صحبت کردیم، در این درس به فایده ی

دوم نماز که با فایده ی روزه، یعنی تقوا ارتباط دارد، می پردازیم و این دو را با هم بررسی می کنیم. راستی

تقوا چیست؟ چرا قرآن کریم همواره مردم را دعوت به تقوا می کند؟

تقوا

برای این که حقیقت تقوا را دریابیم، ابتدا تمثیلی را که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در نهج البلاغه

بیان فرموده، ذکر می کنیم. ایشان می فرماید: «مَثَلُ آدَمَ هَی بَی تَقْوَا مَثَلُ سَوَارِ کَارَانِی اسْتِ کَ سَوَارِ بَرِ

اسب های چموش و سرکشی شده اند که لجام را پاره کرده و اختیار را از دست سوارکار گرفته، به بالا

و پایین می پرند و عاقبت، سوارکار را در آتش می افکنند. اَمَّا مَثَلُ آدَمَ هَی بَاتَقْوَا مَثَلُ سَوَارِ کَارَانِی اسْتِ

که بر اسب های راهوار و رام سوار شده اند و لجام اسب را در اختیار دارند و راه می پیمایند تا این که

وارد بهشت می شوند.»^۱

تفاوت اصلی میان این دو سوارکار که یکی به هلاکت می رسد و دیگری به رستگاری، در چموشی و سرکشی و لجام گسیختگی اسب یکی و راهوار و مطیع بودن اسب دیگری است. این لجام گسیختگی و سرکشی در انسان بی تقوا و رهواری و مطیع بودن در انسان باتقوا به چه معناست؟

«تقوا» به معنی «حفاظت» و «نگهداری» است. انسان متقی یعنی کسی که خود نگهدار است و خود را حفاظت می کند. به عبارت دیگر: انسان متقی بر خودش مسلط است، زمام و لجام خود را در کنترل و در اختیار خود دارد و نمی گذارد که در پرتگاهی قرار بگیرد که با یک حرکت بی جا در دره های هولناک سقوط کند.

حال این سؤال پیش می آید که: خود نگه داری از چه؟ مسلط بر خود در برابر چه؟ کنترل خود از چه؟

پاسخ روشن است: از گناه؛ همان عمل زشتی که از گناهکار سر می زند و آتش قیامت را روشن می کند. انسان باتقوا، انسان توانمندی است که خود را در برابر گناه حفظ می کند و می کوشد که روزه به روز بر توانمندی خود بیفزاید تا اگر در شرایط گناه و معصیت قرار گرفت، آن قوت و نیرو او را حفظ کند و از آلودگی نگه دارد. او مانند کسی است که بدن خود را چنان ورزیده ساخته که دچار بیماری نمی شود.

اکنون، این سؤال پیش می آید که چگونه تقوا را در خود به وجود آوریم که بتوانیم در مواقع خطر بر خود مسلط باشیم و از گناه دوری کنیم؟

در پاسخ به این سؤال ابتدا یادآور می شویم که خداوند مرتبه ی اولیه ی تقوا را در وجود همه ی ما انسان ها قرار داده به طوری که خوبی را دوست داریم و از بدی ها بیزار می جویم.^۲ اما این مرتبه ی تقوا مانند نهالی است که برای رشد و تنومند شدن نیازمند آبیاری و رسیدگی است. در آن صورت است که انسان می تواند در برابر بادهای سهمگین گناه بایستد و مقاومت کند.

قرآن کریم راه های متعددی برای رشد این نهال به ما نشان داده که آیات ابتدای درس به دو مورد مهم از آن ها، یعنی «نماز» و «روزه» اشاره کرده است.

۱- نهج البلاغه

۲- سوره ی شمس، آیه ی ۸ (فألهمها فجورها و تقویها)

نماز و بازدارندگی از گناه

برخی این مسأله را طرح می‌کنند که: ما نماز می‌خوانیم اما تأثیر آن را کمتر در خود مشاهده می‌کنیم و معمولاً دست از رفتارهای قبلی بر نمی‌داریم. پس چگونه نماز بازدارنده‌ی انسان از زشتی‌ها و منکرات است؟

برای رسیدن به پاسخ باید توجه کنیم که: اثر نماز به تداوم و پیوستگی آن و نیز به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد. چنان‌که اگر گفته شود هر کس درس بخواند، موفق می‌شود، طبیعتاً موفقیت همه یکسان نیست و به نحوه و کیفیت درس خواندن آن‌ها بستگی دارد. بنابراین اگر نمازهای روزانه‌ی خود را ترک نکنیم به میزان دقت و توجه خود، از آن تأثیر خواهیم پذیرفت. نمی‌توان انتظار داشت که با خواندن چند رکعت نماز شتابزده و بدون رعایت آداب، فرد از کارهای غلط خود دست بردارد. اگر تلاش کنیم که روز به روز نماز را با کیفیت بهتر و رعایت آداب آن انجام دهیم، به زودی تأثیر آن را حس خواهیم کرد.

هر کدام از ما می‌توانیم این مورد را در میان اطرافیان و بستگان مشاهده کنیم و دریابیم افرادی که به نمازشان توجه بیشتری دارند، در مقایسه با کسانی که نماز نمی‌خوانند، از برخی منکرات بیش‌تر دوری می‌کنند. اگر به زندانیان و خلافکاران جامعه نگاه کنیم، می‌بینیم که چنین مجرمانی کمتر از میان افراد نمازخوان برمی‌خیزند. همین امر نشان می‌دهد که نماز تأثیر خود را گذاشته و هر قدر با توجه و دقت بیشتر انجام شود تأثیر آن بیشتر هم خواهد شد.

اگر نماز را، کوچک‌نشانیم و نسبت به آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم درک صحیح داشته باشیم و با توجه، نماز را بخوانیم، نه تنها از گناهان که حتی از برخی مکروهات هم به تدریج دور خواهیم شد. از این رو:

اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم، بی‌نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد.
اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم، از آلودگی‌های ظاهری حفظ خواهیم شد.
اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم، به کسب درآمد از راه حرام متمایل نخواهیم شد.

اگر در هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، دیگران در دل ما جای خدا را نخواهند گرفت.

اگر در رکوع و سجود عظمت خدا را در نظر داشته باشیم، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد.

اگر عبارت «اهدنا الصراط المستقیم» را صادقانه از خداوند بخواهیم، به راه‌های انحرافی دیگران دل نخواهیم بست.

اگر عبارت «غیرالمغضوب علیهم ولا الضالین» را با توجه بگوئیم، خود را در زمره‌ی کسانی که خدا بر آن‌ها خشم گرفته یا راه را گم کرده‌اند، قرار نخواهیم داد. بنابراین؛ با تکرار درست آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم به تدریج چنان تسلطی بر خود پیدا می‌کنیم که می‌توانیم در برابر منکرات بایستیم و از انجامشان خودداری کنیم.



با توجه به آنچه گفته شد، ببینید که فهم و درک درست اعمال زیر، انسان را در برابر چه گناهی حفظ خواهد کرد.

منکرات	عبارات و اعمال نماز
۱-.....	۱- خواندن سوره‌ی توحید
۲-.....	۲- درود بر پیامبر در تشهد
۳-.....	۳- دعای قنوت
۴-.....	۴- حضور در نماز جماعت
۵-.....	۵- گفتن عبارت «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»
۶-.....	۶- گفتن عبارت «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

توجه کنیم که برخی کارها نیز خاصیت نماز را از بین می‌برند. باید بکوشیم آن کارها را از زندگی خود بیرون کنیم. مانند:

– خشم به پدر و مادر.

امام صادق (ع) فرمود: «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند – هر چند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند – نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست.»^۱

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۴۹

— غیبت کردن.

پیامبر اکرم (ص) به ابوذر فرمود: «هر کس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز، نماز و روزه اش قبول نمی شود، مگر این که غیبت شده او را ببخشد.»^۱

از این روست که امام صادق (ع) می فرماید: «هر کس می خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است.»^۲

نتیجه این که: اگر نماز، ما را از گناه و زشتی باز ندارد، معلوم می شود که عیب و نقصی در نماز خواندن ما هست. باید جستجو کنیم تا آن عیب را بیابیم و برطرف کنیم.

نماز در یک برنامه‌ی روزانه

صبح که از خواب بیدار می شویم، ابتدا به پیشگاه خدا می رویم، به نماز می ایستیم و پس از نماز، برای برنامه روزانه‌ی خود با خدا عهد می بندیم و وارد کار و فعالیت می شویم. کارهای مختلف روزانه، ارتباط با دیگران و عوامل برانگیزاننده به سوی گناه، سبب می شوند که پس از گذشت ساعاتی از روز، گرد و غبار غفلت بر دل نشیند و زمینه ساز شکستن عهد و لغزش ما شود.

با انجام نمازهای ظهر و عصر، در میانه‌ی فعالیت روزانه، قلب را از این غبارها پاک می کنیم و مانع خانه کردن گناه در دل می شویم. تا این که بالاخره در پایان روز، نماز مغرب و عشا را به جا می آوریم و با آرامش خیال، آماده‌ی خواب شبانه می شویم.

رسول خدا (ص):

نمازهای یومیّه مانند چشمه ساری است که مردم روزی پنج بار خود را در آن شست و شو

می کنند.^۳

۱- جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۳۴

۲- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۸

۳- در انجام عباداتی مانند نماز، دو دسته شرط وجود دارد. یکی شرط صحت و دیگری شرط کمال. مثلاً اگر کسی واجبات نماز را درست انجام دهد نمازش صحیح است، یعنی شرایط صحت را دارد. اما برای این که این نماز در او تأثیر داشته باشد و او را از گناهان بازدارد باید شرایط دیگری را هم رعایت کند، که به آن شرط کمال می گویند مثل این که با دقت و توجه نماز بخواند. مقصود از قبول شدن یا قبول نشدن در این احادیث، همان داشتن یا نداشتن شرط کمال است.

۴- تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۳۷

روزه و تقویت تقوا

گفتیم که میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف‌های بزرگ، به میزان تسلط او بر خویش، خودنگهداری و «تقوا» است و هر قدر هدف بزرگ‌تر باشد، تقوای بیشتری می‌طلبد. روان‌شناسان و کارشناسان تربیت، کارهایی برای تسلط بر خود پیشنهاد کرده‌اند تا افراد بتوانند به موفقیت در درس، ورزش، کسب و کار و مانند آن برسند. اما خداوند، انسان را به عملی راهنمایی می‌کند که اگر آن را به درستی و با معرفت انجام دهد، چنان قدرت و تسلطی بر خود پیدا می‌کند که می‌تواند موانع درونی را کنار بزند و گام‌های موفقیت به سوی برترین هدف‌های زندگی را به خوبی بردارد. و این عمل، «روزه» است.

روزه، مصداق کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش‌های دل است. کسی که یک ماه گرسنگی روزانه را تحمل کند و در عین حال که میل به آب و غذا دارد، به سوی آن نرود،

کسی که یک ماه چشم خود را از گناه حفظ کند،
کسی که یک ماه زبان خود را از دروغ و غیبت نگه دارد،
کسی که یک ماه گوش خود را از شنیدن بدی‌ها بازدارد،
کسی که یک ماه تمرین خوشرویی و خوش رفتاری با مردم نماید،
کسی که یک ماه تمرین کرده، از حجاب و پوشش خود به خوبی مراقبت کند،
کسی که یک ماه بکوشد به دیگران ستم نکند و مردم را از خود نرنجاند،
کسی که یک ماه مواظب باشد غذای سحری و افطاری او از درآمد پاک و حلال باشد، چنین کسی، پس از یک ماه، به تسلطی بر خود می‌رسد که قبل از ماه رمضان آن تسلط را نداشت و اگر هر سال یک ماه این عمل را تکرار کند، سال به سال خود نگهدارتر و باتقواتر می‌شود. چنین فردی کم‌کم به جایی می‌رسد که :

به راحتی از غذای خود برای سیر کردن گرسنگان می‌گذرد،
برای رسیدن به غذای لذیذ و شیرین دست به هر کاری نمی‌زند،
خود را از گناهان چشم و زبان و گوش حفظ می‌کند،
مردم از دست و زبان و رفتار او درامانند،
و بالاخره، احساس می‌کند هر کاری را که خداوند دستور داده، می‌تواند به آسانی انجام دهد و احساس سختی ننماید.



رسول خدا (ص) می‌فرماید: «چه بسا روزه‌داری که جز گرسنگی و تشنگی چیزی نصیب او نمی‌شود.»
مقصود پیامبر گرامی ما از این سخن چیست؟

احکام روزه

۱- تعریف روزه

روزه آن است که انسان برای انجام فرمان خداوند، از اذان صبح تا مغرب از کارهایی که روزه را باطل می‌کند، خودداری نماید.
انسان می‌تواند در هر شب از ماه رمضان برای فردای آن نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم نیت روزه‌ی همه‌ی ماه را بنماید.

۲- باطل‌کننده‌های روزه

نُه چیز روزه را باطل می‌کند، که از آن جمله است: خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر علیهم‌السلام، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح و قی کردن.



با مراجعه به رساله‌ی توضیح المسائل، عبارتهای زیر را تکمیل کنید.

۱	اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش
۲	اگر روزه‌دار، چیزی را که لای دندان مانده، روزه‌اش باطل می‌شود.
۳	انسان نمی‌تواند به خاطر ضعف، روزه‌ی خود را بخورد ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌شود تحمل کرد،
۴	روزه‌دار..... غبار غلیظ و دود سیگار و تنباکو و مانند آن‌ها را به حلق برساند.
۵	اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، اگرچه باقی بدن او از آب بیرون باشد، باید قضای آن روز را بگیرد ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد

۳- برخی دیگر از احکام روزه

● کسی که غسل جنابت بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند و یا اگر وظیفه اش تیمم است، عمداً تیمم ننماید، نمی تواند روزه بگیرد. البته اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیمم روزه بگیرد و صحیح است. اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.

● اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مُدّ (تقریباً ۷۵ گرم) گندم یا جو و مانند آن‌ها به فقیر بدهد.

● اگر کسی روزه‌ی ماه رمضان را عمداً نگیرد، باید هم قضای آن را به جا آورد و هم «کفّاره» بدهد. یعنی برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد (به هر فقیر یک مُدّ) و این کار باید تا رمضان آینده انجام شود.

● اگر کسی به چیز حرامی روزه‌ی خود را باطل کند، مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد، کفّاره‌ی جمع بر او واجب می شود. یعنی باید هر دو کفّاره‌ی یاد شده را انجام بدهد. البته اگر هر دو برایش ممکن نباشد، می تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد.

۴- وظیفه‌ی شخص مسافر

کسی که به سفر می رود، اگر شرط‌های زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد.

الف - رفتن او کمتر از ۴ فرسخ شرعی (حدود ۲۲/۵ کیلومتر) و مجموعه‌ی رفت و برگشت او کمتر از ۸ فرسخ نباشد.

ب - بخواد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده بماند. پس کسی که می خواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه اش را هم بگیرد.

ج - برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد. مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه اش را بگیرد. اگر فرزند با نهی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده، باید نماز را تمام بخواند و روزه اش را بگیرد.

آیا به بزرگی و ارزشمندی ماه رمضان توجه کرده‌اید؟ بخشی از سخنانی پیامبر گرامی را بخوانیم تا بیشتر به ارزش این ماه پی ببریم:

امام رضا (ع) از پدران بزرگوار خود، نقل می‌فرمایند که امیرمؤمنان علی (ع) فرمود:

قبل از رسیدن ماه رمضان، رسول خدا (ص) خطاب به مردم فرمود:

«ای مردم! ماه خدا، با برکت و رحمت و آمرزش خود، به‌سوی شما رو کرده است. ماهی که نزد خدا بهترین ماه‌ها، روزهایش بهترین روزها، شب‌هایش بهترین شب‌ها و ساعت‌هایش بهترین ساعت‌هاست. ماهی است که در آن به مهمانی خدا دعوت شده‌اید و از کرامت او برخوردار.

نفس‌های شما، تسبیح، خواب شما، عبادت و دعائتان مستجاب است. پس با نیت‌های درست و قلب‌های پاک از خدا بخواهید که شما را موفق بدارد به روزه داشتن و تلاوت قرآن. چقدر شقی و بدعاقبت است کسی که در این ماه نتواند آمرزش خدا را به‌دست آورد!

به فقیران و درماندگان خود صدقه دهید، پیران خود را بزرگ بدارید، با کودکان خود مهربان باشید و به خویشان خود نیکی کنید.

زبان‌های خود را از آنچه نباید گفت نگاه دارید و دیده‌های خود را از نظر به آنچه حرام است، برگزید و گوش‌های خود را از شنیدن آنچه حلال نیست، بازدارید. با یتیمان مردم مهربانی کنید تا پس از شما با یتیماتان مهربانی کنند.

از گناهان خود به درگاه خدا توبه کنید و در هنگام نماز، دست‌های خود را به دعا بلند نمایید؛ زیرا هنگام نماز، بهترین ساعت‌هاست؛ خداوند در این اوقات با رحمت خود به بندگان نظر می‌کند و چون با او مناجات کنند، جواب می‌دهد و چون او را بخوانند لبیک می‌گوید و هرگاه به درگاهش دعا کنند، اجابت می‌نماید...

ای مردم! هرکس در این ماه با مردم خوش‌خُلقی نماید، به آسانی از صراط بگذرد؛ در روزی که قدم‌ها بر آن بلغزد...

هرکس در این ماه یتیمی را گرامی دارد، خدا او را در قیامت گرامی می‌دارد.
هرکس در این ماه پیوند خود را با خویشان قطع کند، خداوند در قیامت رحمت خود را
از او قطع می‌کند ...

کسی که در این ماه نماز واجب خود را می‌خواند، خداوند پاداش هفتاد نماز
واجب ماه‌های دیگر را به او می‌دهد. هرکس در این ماه بسیار بر من صلوات فرستد،
خداوند وزن عمل نیک او را سنگین کند؛ در روزی که وزن اعمال سبک است.
کسی که در این ماه یک آیه‌ی قرآن بخواند، پاداش کسی را می‌برد که در ماه‌های
دیگر تمام قرآن را خوانده است.

ای مردم! درهای بهشت در این ماه گشوده است؛ پس از خدا بخواهید که این
درها را به روی شما نبندد. درهای جهنم در این ماه بسته است؛ پس از خدا بخواهید که
این درها را برای شما باز نکند. شیطان‌ها را در این ماه در زنجیر کرده‌اند؛ پس از خدا
بخواهید که آن‌ها بر شما مسلط نشوند...»^۱



شاید درک این همه فضیلت و ارزش در اندیشه‌ی محدود ما ننگند، اما
متوجه این حقیقت می‌شویم که اگر بکوشیم به گونه‌ای درست این ماه را پاس بداریم
و از روزه‌داران حقیقی باشیم، چنان اثرات بزرگی در ما خواهد گذاشت که همه‌ی آن
ارزش‌ها و پاداش‌ها را به دست خواهیم آورد.

درباره‌ی مسائل زیر به توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید و پاسخ آن را به دست آورید.

۱	اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز در آن جا بماند، برسد، در چه صورتی باید روزه بگیرد و در چه صورتی نباید روزه بگیرد؟
۲	اگر مسافر بعد از ظهر به وطن یا به جایی که می‌خواهد ده روز بماند، برسد، وظیفه‌اش چیست؟
۳	اگر کسی که روزه است، بعد از ظهر مسافرت کند، وظیفه‌اش نسبت به روزه‌ی آن روز چیست؟
۴	اگر کسی که روزه گرفته، پیش از ظهر مسافرت کند و بخواهد به بیش از چهار فرسخ برود، وظیفه‌اش چیست؟

درباره‌ی آثار و فواید بهداشتی روزه تحقیق کنید و نتیجه‌ی آن را در کلاس گزارش نمایید. برای این تحقیق می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:

- ۱- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر پاک نژاد
- ۲- فلسفه‌ی روزه برای جوانان، اسلامیه محمدی‌نیا
- ۳- اهمیت پزشکی روزه در سلامت انسان، حبیب‌الله جعفری
- ۴- اهمیت روزه از نظر علم روز، احمد صبور اردوبادی

گام نهم

.....

ای خدای مهربان

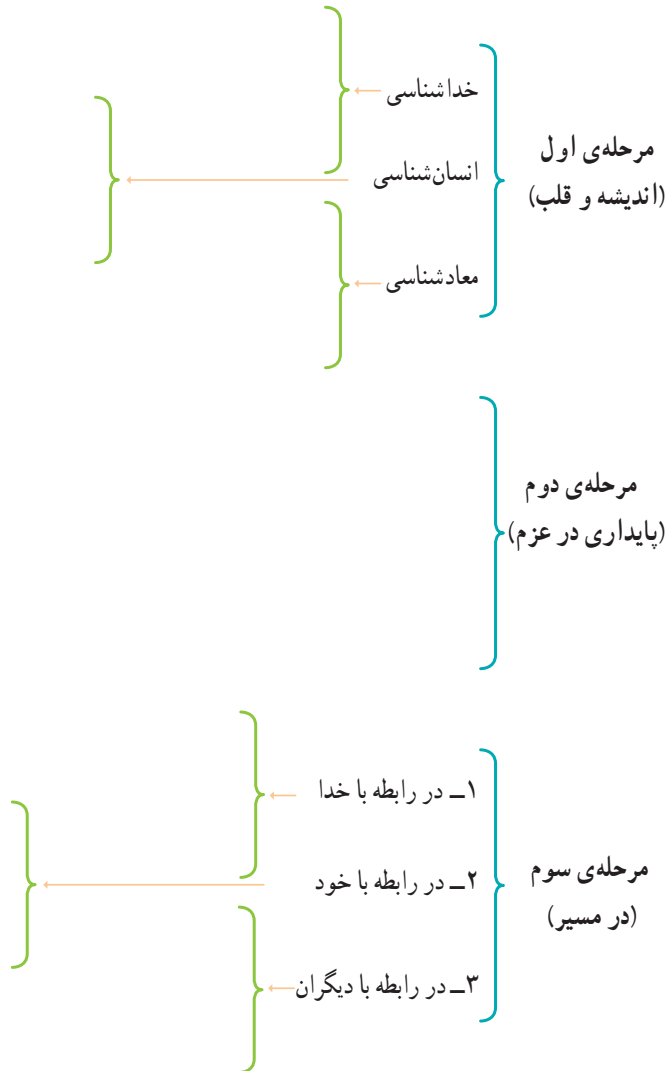
می‌دانم که دوری از گناه و هوای نفس
نیازمند تمرین و تلاش است. از تو سپاسگزارم
که مرا به انجام نماز و روزه راهنمایی کردی تا
برخود مسلط شوم و در مواجهه‌ی با گناه، خود
را حفظ کنم.

از اکنون بیشتر تلاش می‌کنم این دو
وظیفه‌ی بزرگ را به گونه‌ای انجام دهم که بر
تقوای من بیفزایند.

خدایا خودت یاور من باش!



براساس آنچه در این کتاب آموخته‌اید، نمودار زیر را کامل کنید.



فهرست کلمات معنا شده

در کتاب دین و زندگی (۱) و (۲)

الف

یا	أَمْ ۲/۶	به ما ببخش، به ما بده	ءَاتِنَا ۱/۲
زن	أُنثَىٰ ۱/۱۲	دیدگان	أَبْصَارٌ ۱/۱۰
داده شد	أُوتِيَ ۲/۸	در راه مانده	إِبْنِ السَّبِيلِ ۲/۸۵
وفا کند	أَوْفَىٰ ۱/۹	می ترسم	أَخَافُ ۱/۲
خرمدندان	أَوْلُو الْأَلْبَابِ ۱/۸	آمد و شد	إِخْتِلَافٌ ۱/۸
خرمدندان	أَوْلَى الْأَلْبَابِ ۱/۸	دیگر بار	أُخْرَىٰ ۲/۸
جمع ولّی، سرپرستان	أَوْلِيَاءَ ۲/۱۴	پدید آورد، خارج کرد	أَخْرَجَ ۲/۸۲

ب

هستی بخش	بَارِئٌ ۱/۶
درخشان	بَازِعًا، بَازِعَةٌ ۱/۲
بیهوده	بَاطِلٌ ۲/۸
هدفمند، راست و درست	بِالْحَقِّ ۲/۸
چه بد است	بِئْسَ ۲/۹
آشکار شد	بَدَأَ ۲/۱۱
آغاز کرد	بَدَأَ ۲/۵
کینه	بَغْضَاءٌ ۲/۱۱
فرزندم، پسر	بُنَىٰ ۱/۱۲

ت

بزرگ و بزرگوار است	تَبَارَكَ ۲/۴
روشن کننده	تَبِيَانٌ ۱/۸
روشن کنی	(ل) تَبَيَّنَ ۱/۸
روان است	تَجْرِي ۱/۵
درک می کند	تُدْرِكُ ۱/۱۰

پدیدار شده است	بَدِيدٌ ۲/۸۲
بخوانید	أُخْرِجَتْ ۲/۱۴
تو را می بینم	أَدْعُوا ۱/۱۳
پاک تر	أَرَاكَ (أَرَىٰ + ك) ۱/۲
سرمشق، الگو	أَزْكَىٰ ۲/۸۳
روشن شد	أَسْوَدٌ ۱/۱۲
رسید	أَشْرَقَتْ ۲/۸
صبر و پایداری کن	أَصَابَ ۱/۱۲
عبادت کن	إِصْبِرْ ۱/۹
چنگ زنید، تمسک جوید	أَعْبُدْ ۱/۱۳
آماده شده است	إِعْتَصِمُوا ۲/۱۴
درختان انگور	أُعِدَّتْ ۱/۱۰
افول کرد، ناپدید شد	أَعْنَابٌ ۱/۵
که، کسی که	أَقْلَ ۱/۲
الفت ایجاد کرد	الَّتِي ۲/۱۲
مگر نبود	الْفَتْ ۲/۱۴
	أَلَمْ تَكُنْ ۲/۷

ص - ض

پدید آورد	فَطَّرَ ۱/۲	جمع صدقة، در این	صَدَقَات ۲/۸۵
درشت خو	فَطَّأ ۲/۱۰	آیه به معنی زکات	
در چه	فَيْمَ (فی + ما) ۲/۷	بیهوش شد (می شود)	صَعِقَ ۲/۸
فرمان داد، حکم کرد	قَضَى ۱/۱۲	صور، شیبور	صَوْر ۲/۸
قضاوت شد	قُضِيَ ۲/۸	گم شد	ضَلَّ ۱/۱۱
		گم و تباه شد	ضَلَّ ۲/۵

ک

امید دارد، امید داشت	كَانَ يَرْجُو ۱/۱۲		
می دانستند	كَانُوا يَعْلَمُونَ ۲/۵		
کرامت بخشیدیم	كَرَّمْنَا ۲/۳	گل	طِين ۲/۴
زیبا، ارزشمند	كَرِيم ۱/۱۲	پاک شدید	طَبَّئِم ۲/۹
ناسپاس	كَفُور ۱/۳	پندار، گمان	ظَنَ ۲/۶
همان طور که	كَمَا ۱/۱		

ط - ظ

عاجله	عَاجِلَةٌ ۱/۳	امر زود گذر، دنیا	
عداوة	عَدَاوَةٌ ۲/۱۱	دشمنی	
عرض	عَرَضٌ ۱/۱۰	وسعت	
عزمت	عَزَمَتْ ۲/۱۰	تصمیم گرفتی	
عیون	عُيُونٌ ۱/۵	چشمه ها	

ع

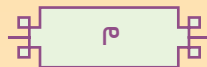
پراکنده نشوید	لَا تَفْرَقُوا ۲/۱۴		
ظلم نشود به	لَا تُظْلَمَ ۱/۱۱		
نه ستم ببینید، به شما	لَا تُظْلَمُونَ ۲/۸۵		
ظلم نمی شود			
نگو	لَا تُقُلْ ۱/۱۲		
آشکار نکنند	لَا يُبْدِينَ ۲/۱۳		
امید ندارند	لَا يَرْجُونَ ۲/۵		
نمی گرفتیم، نگرقتیم	لَمْ نَأْخُذْ ۱/۱۴		
حتماً هدایت می کنیم	لَنَهْدِيَنَّهُمْ ۲/۳		
آن ها را			
حتماً شما را جمع می کند	لَيَجْمَعَنَّكُمْ ۲/۶		

ف - ق

فاتبعونی	فَاتَّبِعُونِي ۲/۱۱	پس مرا پیروی کنید	
فاعف	فَاعْفُ ۲/۱۰	پس درگذر	
فاطر	فَاطِرٌ ۱/۵	آفریننده	
فجار	فُجَّارٌ ۲/۶	جمع فاجر (بدکار)	
فجرنا	فَجَّرْنَا ۱/۵	روان کردیم	
فریضة	فَرِيضَةٌ ۲/۸۵	واجب	

بشارت می دهد، مزده
می دهد

يُبَشِّرُ ۱/۷



روشن، روشن کننده

مُبِين ۱/۱

روشن می کند

يُبَيِّنُ ۲/۱۴

جایگاه

مَثْوَى ۲/۹

می جویند

يَبْغُونَ ۲/۲

مورد سپاس، مقبول

مَشْكُور ۲/۵

پند گیرد

يَتَذَكَّرُ ۱/۱

صورت بخش، صورتگر

مُصَوِّر ۱/۶

جمع می کند

يَجْمَعُ ۲/۶

تجاوزگران

مُعْتَدِينَ ۱/۱۳

تا شما را دوست

يُحِبِّكُمْ ۲/۱۱

کیش، آیین

مِلَّةً ۱/۹

بدارد

پادشاهی، فرمانروایی

مُلْك ۲/۲

گمان می کنند

يَحْسَبُونَ ۱/۱۱

مرده

مَيْتَةً ۱/۵

(تا) تدبر کنند

(ل) يَدَّبَّرُوا ۱/۱

پند می گیرند

يَدَّكَّرُونَ ۲/۱۲



بازگردانده می شود

يُرْجَعُونَ ۲/۲

زنده می کنیم

نُحْيَى ۲/۷

پاک می گرداند

يُزَكِّي ۱/۹

درختان خرما

نَخِيل ۱/۵

می فروشند

يَشْتَرُونَ ۱/۹

می خواهیم

نُرِيدُ ۱/۳

شریک (برای خدا)

يُشْرِكُونَ ۱/۶

نازل شد

نُزِّلَ ۱/۱

قرار می دهند

چه خوب است

نِعَمَ ۲/۹

انجام می دهند

يَصْنَعُونَ ۲/۱۳

دمیده شد

نُفِخَ ۲/۸

اطاعت می کنند

يُطِيعُونَ ۲/۱۴

توضیح می دهیم

نُفِّصَلُ ۲/۱۲

سخن می گوید

يُكَلِّمُ ۱/۹

آگاه می کنیم

نُنَبِّأُ ۱/۱۱

(تا) باشد

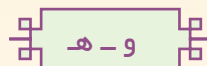
(ل) يَكُونُ ۱/۲

هدایت می کنیم

نَهْدِي ۲/۳

دست راست

يَمِين ۲/۸



هشدار می دهند

يُنذِرُونَ ۲/۹

قرار داده شد

وَضِعَ ۲/۸

نگاه می کند

يَنْظُرُ ۱/۹

هدایت کرد مرا

هَدَانِ (هدانی) ۱/۲

فانی می شود

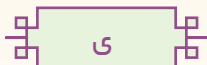
يَنْفَدُ ۱/۴

آن، او

هِيَ ۲/۱۲

نهی می کنند

يَنْهَوْنَ ۱/۱۴



می دهد

يُؤْتِي ۱/۹

می خورند

يَأْكُلُونَ ۱/۵

کتاب شناسی

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۱	آفتاب در حجاب	سیدمهدی شجاعی	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	عفاف/حضرت زینب	۱۴	دانش آموز
۲	آفرینش جهان	ژرژ گاموف		خداشناسی	۱ و ۲	دانش آموز / معلم
۳	آینه‌های ناگهان	قیصر امین پور	نشر افق	شعر	۱۱	دانش آموز
۴	اثبات وجود خدا	جان کلوورمونا / جمعی از مترجمان	سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی	خداشناسی	۱ و ۲	دانش آموز / معلم
۵	احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی	سیدمسعود معصومی	بوستان کتاب	حجاب و عفاف	۱۲ و ۱۳	دانش آموز / معلم
۶	اقتصاد اسلامی	شهید دکتر بهشتی	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	اقتصاد اسلامی	۱۵ و ۱۶	دانش آموز / معلم
۷	الفبای زندگی	جواد محدثی	بوستان کتاب	برنامه‌ی زندگی	مرحله‌ی سوم	دانش آموز
۸	المراقبات	میرزا جواد آقا ملکی تبریزی	رسالت قلم	برنامه‌ی زندگی	۳ و ۴ و ۱۰	معلم
۹	امنیت اقتصادی	ناصر جهانیان	کانون اندیشه‌ی جوان	اقتصاد اسلامی	۱۶	دانش آموز / معلم
۱۰	انس با قرآن کریم	مسعود وکیل	انتشارات مدرسه	آموزش قرآن	تمامی درس‌ها	دانش آموز
۱۱	اولین دانشگاه و آخرین پیامبر	سیدرضا پاک‌نژاد	کتابفروشی اسلامیة	برنامه‌ی زندگی	۱۲ و ۱۳	دانش آموز / معلم
۱۲	این‌گونه باشیم	جواد محدثی	بوستان کتاب	برنامه‌ی زندگی	مرحله سوم	دانش آموز
۱۳	بازگشت به هستی	محمد شجاعی	کانون اندیشه‌ی جوان	معاد	۵ تا ۹	دانش آموز / معلم
۱۴	بایدها و نبایدها	شهید دکتر بهشتی	مؤسسه نشر آثار دکتر بهشتی	نظارت همگانی	۱۴	دانش آموز / معلم
۱۵	برای ریحانه	محمود اکبری	انتشارات گلستان ادب	حجاب و عفاف	۱۲ و ۱۳	دانش آموز
۱۶	به سوی او	استاد محمدتقی مصباح یزدی	انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)	انسان شناسی	۳ و ۴	دانش آموز / معلم
۱۷	به سوی خودسازی	استاد محمدتقی مصباح یزدی	انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)	انسان شناسی	۳ و ۴	دانش آموز / معلم
۱۸	تجسم عمل و شفاعت	محمد شجاعی	کانون اندیشه‌ی جوان	معاد	۵ تا ۹	دانش آموز / معلم
۱۹	تصمیم‌های بزرگ اخلاقی	محمدباقر بورامینی	کانون اندیشه‌ی جوان	برنامه‌ی زندگی	۱۰	دانش آموز
۲۰	تکامل زیستی و آیات آفرینش	ابراهیم کلاتری	کانون اندیشه‌ی جوان	خداشناسی	۱ و ۲	دانش آموز
۲۱	پرسش‌های امروز جوانان		انتشارات مدرسه	حجاب و عفاف	۱۲ و ۱۳	دانش آموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۲۲	جاذبه و دافعه حضرت علی (ع)	استاد شهید مطهری	انتشارات صدرا	امام علی	۱۱	دانش آموز / معلم
۲۳	آسیب شناسی شخصیت زن	محمد رضا کوهی	انتشارات پارسایان	حجاب	۱۲ و ۱۳	
۲۴	آداب الصلوة	امام خمینی	مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی	انسان شناسی	۱۴	دانش آموز
۲۵	جوان در چشم و دل پیامبر	محمد باقر پورامینی	کانون اندیشه‌ی جوان	انسان شناسی	۳ و ۱۱ تا آخر	دانش آموز
۲۶	جوان در کلام نور	مرتضی روحانی	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)	انسان شناسی	۳ و ۴	دانش آموز
۲۷	جوان و آرامش	محمد سبحانی نیا	بوستان کتاب	انسان شناسی	مرحله سوم	دانش آموز
۲۸	جوان و آرامش روان	محمد تقی فقیهی	پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه	اقتصاد اسلامی	مرحله سوم	دانش آموز
۲۹	جهت گیری مالیات‌ها	علیرضا لشکری	کانون اندیشه‌ی جوان	اقتصاد اسلامی	۱۶	دانش آموز / معلم
۳۰	چالش فقر و غنا در کشورهای سرمایه‌داری	ناصر جهانیان	کانون اندیشه‌ی جوان	حجاب و عفاف	۱۶	دانش آموز / معلم
۳۱	حجاب	مهدی مهریزی	کانون اندیشه‌ی جوان	حجاب و عفاف	۱۲ و ۱۳	دانش آموز
۳۲	حقوق زن	حمید کریمی	کانون اندیشه‌ی جوان	خداشناسی	۱۲ و ۱۳	دانش آموز
۳۳	حواس اسرارآمیز حیوانات	وتیوس دروشر	خداشناسی	خداشناسی	۱ و ۲	دانش آموز
۳۴	خدا بود و دیگر هیچ نبود	شهید دکتر مصطفی چمران	بنیاد شهید چمران	خداشناسی	۱۱-۵ (پیشنهاده)	دانش آموز
۳۵	خدا و علم	ژان گیتون / دکتر عباس آگاهی	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	انسان شناسی	۱ و ۲	دانش آموز / معلم
۳۶	خواب و نشانه‌های آن	سید محمد شجاعی	کانون اندیشه‌ی جوان	قرآن شناسی	۵ تا ۹	دانش آموز / معلم
۳۷	دانستنی‌هایی از قرآن	مصطفی اسرار	نشر قو	خداشناسی	تمام درس‌ها	دانش آموز / معلم
۳۸	در جستجوی خدا	جان هاتون / بتول نجفی	انتشارات آستان قدس	الگوی زندگی	۱ و ۲	دانش آموز / معلم
۳۹	در کمین گل سرخ (زندگی شهید صیاد شیرازی)	محسن مؤمنی	سوره‌ی مهر		۵ و ۱۱	دانش آموز
۴۰	دنیایی که می‌بینم	آلبرت ایشنتین	خداشناسی	خداشناسی	۱ و ۲	دانش آموز / معلم
۴۱	راز آفرینش انسان	کرسی مورینسن	خداشناسی	خداشناسی	۱ و ۲	دانش آموز / معلم
۴۲	راز نماز	استاد قراشتی	مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن	نماز	۱۴	دانش آموز
۴۳	راهیان کوی دوست	استاد محمد تقی مصباح بزدی	مؤسسه‌ی پژوهشی و آموزشی امام خمینی (ره)	اخلاق	۱۰	دانش آموز / معلم
۴۴	ریا و توهم	احمد علی یوسفی	کانون اندیشه‌ی جوان	اقتصاد اسلامی	۱۶	دانش آموز / معلم
۴۵	رجعت سرخ ستاره	علی معلم	حوزه‌ی اندیشه و هنر اسلامی	شعر	۱۱	دانش آموز / معلم

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۴۶	رساله‌ی نوین	امام خمینی (ره) / عبدالکریم بی‌آزار شیرازی	مؤسسه‌ی انجام کتاب	احکام	۱۶ و ۱۲	دانش‌آموز/معلم
۴۷	رقصی چنین میانه میدانم آرزوست	شهید دکتر مصطفی چمران	بنیاد شهید چمران	الگوی زندگی	۱۱ و ۵	دانش‌آموز
۴۸	زنان صدر اسلام	سیدمحمد بحر العلوم / محمدعلی امینی	انتشارات حکمت	عفاف و حجاب	۱۳ و ۱۲	دانش‌آموز/معلم
۴۹	زندانی قلعه‌ی هفت حصار (زندگی این‌سینا)	حسین فتحی	سوره‌ی مهر	الگوی زندگی	۱۱ و ۵، ۲	دانش‌آموز
۵۰	زندگی بر روی زمین	دونالد ام. سیلور	انتشارات مدرسه	خداشناسی	۲ و ۱	دانش‌آموز / معلم
۵۱	سلام بر خورشید (زندگی پیامبر اسلام)	سیدعلی‌اکبر حسینی	انتشارات اطلاعات	الگوی زندگی	۱۱	دانش‌آموز
۵۲	سیب و عطش	دکتر محمدرضا سنگری	خورشید باران	الگوی زندگی	۱۴ و ۱۱	دانش‌آموز
۵۳	سیره‌ی اقتصادی امام علی (ع)	سیدرضا حسینی	کانون اندیشه‌ی جوان	اقتصاد اسلامی	۱۶	دانش‌آموز / معلم
۵۴	سیره‌ی نبوی	مصطفی دلشاد تهرانی	انتشارات وزارت ارشاد	الگوی زندگی	۱۱	دانش‌آموز/معلم
۵۵	سیمای روزانه فرد مسلمان	محراب صادقیانیا	مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما	برنامه‌ریزی	مرحله سوم	دانش‌آموز
۵۶	شجره‌ی طوبی (سیره‌ی حضرت فاطمه)	محمدسعید بهمن‌پور	سوره‌ی مهر	الگوی زندگی	۱۱	دانش‌آموز
۵۷	عروج روح	محمد شجاعی	کانون اندیشه‌ی جوان	معاد	۵ تا ۹	دانش‌آموز / معلم
۵۸	فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی	غلامعلی حداد عادل	حجاب و عفاف	حجاب و عفاف	۱۳ و ۱۲	دانش‌آموز / معلم
۵۹	فلسفه‌ی خلقت انسان	دکتر عبدالله نصری	کانون اندیشه‌ی جوان	انسان‌شناسی	۴ و ۳، ۲	دانش‌آموز / معلم
۶۰	قیام قیامت	محمد شجاعی	کانون اندیشه‌ی جوان	معاد	۵ تا ۹	دانش‌آموز
۶۱	گامی در مسیر	جواد محدثی	بوستان کتاب	برنامه‌ریزی	۱۳ تا ۱۰	دانش‌آموز
۶۲	گزیده‌ی اشعار	قیصر امین‌پور	انتشارات مروارید	شعر	۱۱	دانش‌آموز
۶۳	مجموعه‌ی آثار (جلد ۲۱-زن)	دکتر علی شریعتی	انتشارات مدرسه	حجاب و عفاف	۱۳ و ۱۲	دانش‌آموز/معلم
۶۴	آفتاب اندیشه (پرسش‌ها و پاسخ‌های مذهبی ج ۱ و ۳)	حسین سوزنجی	انتشارات مدرسه	خداشناسی و معاد	۹ تا ۵، ۲، ۱	معلم
۶۵	مجموعه‌ی چهره‌های درخشان	جمعی از نویسندگان	انتشارات مدرسه	الگوی زندگی	۱۱ و ۵	دانش‌آموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۶۶	مجموعه قصه فرماندهان	جمعی از نویسندگان	حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی	الگوی زندگی	۵ (پیشنهاد) و ۱۱	دانش آموز
۶۷	محمد(ص) پیامبری برای همیشه	حسن رحیم پور ازغدی	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	الگوی زندگی	مرحله سوم	دانش آموز/معلم
۶۸	مدیریت زمان	محمدجواد حاج علی اکبری	اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان	برنامه‌ریزی	مرحله سوم	دانش آموز
۶۹	مسأله حجاب	استاد شهید مطهری	انتشارات صدرا	حجاب و عفاف	۱۲ و ۱۳	دانش آموز / معلم
۷۰	معاد یا بازگشت به سوی خدا (۲ جلد)	محمد شجاعی	شرکت سهامی انتشار	معاد	۵ تا ۹	دانش آموز/معلم
۷۱	مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (انسان در قرآن)	استاد شهید مطهری	انتشارات صدرا	انسان‌شناسی	۳ و ۴	دانش آموز / معلم
۷۲	مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (زندگی جاوید یا حیات اخروی)	استاد شهید مطهری	انتشارات صدرا	معاد	۵ تا ۹	دانش آموز / معلم
۷۳	مواقف حشر	محمد شجاعی	کانون اندیشه‌ی جوان	معاد	۵ تا ۹	دانش آموز/معلم
۷۴	نامه‌های بلوغ	علی صفایی حائری	انتشارات لیلۃ‌القدر	برنامه‌ریزی	مرحله سوم	دانش آموز
۷۵	نشانه‌های او	سیدرضا صدر	بوستان کتاب	خداشناسی	۱ و ۲	دانش آموز/معلم
۷۶	نظارت بر دولت	محمدجواد طیبسی	کانون اندیشه جوان	نظارت همگانی	۱۴	دانش آموز / معلم
۷۷	نظارت و نهادهای نظارتی	محسن ملک‌افضلی	پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه معاصر	نظارت همگانی	۱۴	دانش آموز / معلم
۷۸	نظام اقتصادی اسلام	سیدحسن مغزی	کانون اندیشه جوان	اقتصاد اسلامی	۱۶	دانش آموز / معلم
۷۹	نظام حقوق زن در اسلام	استاد شهید مطهری	انتشارات صدرا	حجاب و عفاف	۱۲ و ۱۳	دانش آموز / معلم
۸۰	نظام شخصیت زن در اسلام	زیبایی نژاد و سجانی	نصایح	حجاب و عفاف	۱۲ و ۱۳	دانش آموز / معلم
۸۱	نظم و انضباط	مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما	مرکز پژوهش‌های اسلامی	برنامه‌ریزی	مرحله سوم	دانش آموز/معلم
۸۲	نهج‌البلاغه	ترجمه: علی شیروانی	انتشارات دارالعلم	الگوی زندگی	تمام درس‌ها	دانش آموز/معلم
۸۳	نهج‌البلاغه و شناخت	دکتر سیدمحمد مهدی جعفری	مؤسسه فرهنگی اهل قلم	الگوی زندگی	تمام درس‌ها	دانش آموز/معلم
۸۴	نهضت امام خمینی	سیدحمید روحانی	انتشارات چوگان	الگوی زندگی	۱۱ (پیشنهاد)	دانش آموز/معلم
۸۵	واژه‌نامه‌ی قرآن	مصطفی اسرار	انتشارات صدرا	قرآن‌شناسی	تمام درس‌ها	دانش آموز
۸۶	نظری به نظام اقتصادی اسلام	استاد شهید مطهری	انتشارات صدرا	اقتصاد اسلامی	۱۶	معلم



معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۱۵۸۵۵/۳۶۳ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفترتالیف کتاب های درسی ابتدایی دستوسط نظری